

- مدیری که توجه زیادی به قرآن کریم داشت
- خادم بی‌منت و خدمت‌گزار راستین جامعه
- الگویی مطلوب به جای اسطوره
- روی موج رادیو قرآن
- «ما می‌توانیم» میراث او بود
- انسانی در تراز قرآنی

ویژه نامه، جهادگر فقید زنده یاد سعید کاظمی آشتیانی • سال نوزدهم • شماره ۱۵۱ • آذر ۱۴۰۳

ویژه نامه، جهادگر فقید
زنده یاد سعید کاظمی آشتیانی

کاظمی آشتیانی فرزند صالح انقلاب

علت اینکه من به مرحوم سعید کاظمی اینقدر علاقه داشتم و الان هم در دلم و در ذهنم برای آن جوان عزیز، ارزش و جایگاه قائلم، همین است. حرکت او، نحوه کار او، مدیریت او، پیگیری او، یک مجموعه کاملی بود از آن چیزی که آدم دوست می‌دارد و آرزو دارد.

بیانات در بازدید از پژوهشکده رویان ۱۳۸۶/۰۴/۲۵

ما در علم و تحقیق نخبه‌های برجسته‌ای داریم، مثل مرحوم کاظمی آشتیانی که این سلول‌های بنیادی و این تشکیلات عظیم را راه‌انداخت و انسان‌های زیادی را تربیت کرد.

دیدار با اعضای بسیج مستضعفین ۱۳۹۳/۰۹/۰۶

شما بین بچه‌های مدرسه‌تان نظرخواهی کنید ببینید چند درصد کاظمی آشتیانی را با آن همه خدمات می‌شناسند، رونالدو را چند درصد می‌شناسند؟ ما چرا افتخارات ملی خودمان را نمی‌شناسیم؟

دیدار با معلمین و فرهنگیان ۱۴۰۱/۰۲/۲۱

پیام به مناسبت درگذشت دکتر کاظمی یکی از فرزندان صالح انقلاب و از رویش‌های مبارکی بود که آینده درخشان علمی در کشور را نوید می‌دهند.

پیام به مناسبت درگذشت





ویژه‌نامه جهادگر فقید زنده‌یاد سعید کاظمی آشتیانی
سال نوزدهم | شماره ۱۵۱ | آذر ۱۴۰۳

مدیر مسئول: جلیل بیت مشعل
سر دبیر: کریم فیضی
گفتگوها: مجتبی عابدی، سجاد محمدیان
و با همکاری: معصومه صبور، فاطمه بختیاری خواه
مهدی لطفی پناه، فاطمه شاکری
عکس و تصویر: طاهره بابایی، الهه علیرضالو

قصه فراق...

فراق روی تو از شرح و بسط بیرون است
ز ما می‌پرس، که حال درون دل چون است

به خون نوشته‌ام، این نامه را که خواهی خواند
اگر چه دود درونم، نشسته در خون است

نکرد آتش شوق درون قلم ظاهر
مگر ز شوق قلم دود رفته بیرون است

نمی‌کنم سخن اشتیاق، کان تقدیر
ز طرف حرف و ز حد عبارت، افزون است

بیا و قصه حالم بخوان، که بر رخ من
نوشته دیده، به خطی، چو در مکنون است

خیال روی تو دارم، مقام در چشمم
سرشک چشمم، از آن رو مقیم گلگون است

دل مقید سلمان، اسیر آن لیلی است
که در سلاسل زلفش، هزار مجنون است

سلمان ساوجی / دیوان

۶

گفت‌وگو با دکتر حسن مسلمی نائینی، رئیس جهاد دانشگاهی مدیری که توجه زیادی به قرآن کریم داشت



قاری و حافظ قرآن کریم بود و تکیه و توجه زیادی به قرآن کریم داشت. ایمان و باور عمیق به توانستن و توانایی‌های داخلی داشت، به حدی که از تحصیل در خارج از کشور نیز گذشت و تحصیلات خود را در داخل کشورمان انجام داد؛ تلاش و جهاد شبانه‌روزی داشت و بلندهمت و بلندنظر بود و افق نگاهش بلند بود.

۳۰

دکتر حسن فارسی، قائم‌مقام و معاون هماهنگی امور مجلس جهاد دانشگاهی مدیریتش برگرفته از قرآن بود



واقعیت این است که افراد تأثیرگذار و تاریخ‌ساز تک‌بعدی نیستند. آنها معمولاً چندوجهی هستند و ابعاد شناختی، بینشی، منشی و رفتاری گسترده‌ای دارند. زنده‌یاد دکتر کاظمی آشتیانی از جمله افراد چندوجهی بود که شامل ابعاد مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی می‌شد.

۴۶

محمد محمودی شاهنشین، از شاگردان دوره معلمی دکتر کاظمی به کم قانع نبود



آقای کاظمی آشتیانی به همراه سایر معلمان تلاش بسیاری برای دانش‌آموزان می‌کردند؛ مثلاً هفته‌ای دو روز، شب‌ها در مدرسه می‌ماندند و برای دانش‌آموزانی که ضعیف بودند کلاس‌های تقویتی و حل تمرین برگزار می‌کردند. البته شرایط آن زمان با امروز متفاوت بود؛ معلمان دغدغه معیشتی نداشتند که بخواهند بعد از مدرسه سراغ مشاغل دیگر بروند تا بتوانند زندگی خود را اداره کنند.

۱۱



نگاهی از
درون

۲۹



یک چهره
قرآنی

۴۵



نگاهی از
بیرون

۱۴

دکتر حمیدرضا طیبی، رئیس پیشین جهاد دانشگاهی
مهم‌ترین کار او روحیه خودباوری بود

آقای دکتر کاظمی آشتیانی به عنوان یک مسلمان مومن که در تحقق انقلاب اسلامی نقش داشت، برای مبارزه با آن روحیه، به کارهای علمی روی آورد و در مرز علم حرکت کرد. علمش را تبدیل به فناوری و فناوری را تجاری کرد. وقتی به این مرحله رسید، دانش خود را برای خدمت به مردم به کار گرفت.



۳۲

دکتر مرتضی ضرابی، رئیس بانک خون پژوهشکده رویان
می‌گفت مدیر عامل رویان خداست

کسی که با قرآن مأنوس است و تلاش می‌کند از این سرچشمه بی‌بدیل معنویت استفاده کند، پشتوانه فکری و عملی قوی و غنی، را به همراه دارد. این مدد گرفتن از قرآن باعث شده بود، حالت مصمم بودن در کارها را از او ببینیم و وقتی کاری را شروع می‌کرد، جدیت در کار و پشتوانه فکری را در او احساس می‌کردیم.



۵۰

دکتر سید حسن شهرستانی، معلم سال‌های دور دکتر آشتیانی
دسته‌گل باغبان پرور

به یاد دارم در راهروی دانشکده متنی از وصیت‌نامه یکی از شهدای دفاع مقدس را قاب کرده بود، مبنی بر اینکه «ما هرگز احساس خستگی نخواهیم کرد». وقتی به دلیل مسئولیت در وزارتخانه با خستگی وارد دانشکده می‌شدم، همین که در راهرو دانشگاه این نوشته را می‌دیدم، خستگی در می‌رفت. انتخاب چنین موضوعی در آن شرایط جنگ نشان از حسن سلیقه ایشان داشت.





رهبر معظم انقلاب اسلامی :

دکتر کاظمی آشتیانی، فرزند صالح انقلاب

بیانات

در آستانه‌ی سالروز درگذشت مرحوم دکتر سعید کاظمی آشتیانی (۱۴ دی‌ماه)، پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR بخشی از بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره‌ی این «دانشمند مؤمن و جهادگر» را منتشر کرد که به‌عنوان حسن‌مطلع این ویژه‌نامه در ذیل می‌آید.

کارهای جدید در دنیای علم

خوب است شما بدانید که در بعضی از بخش‌های بسیار حساس علمی کشور ما کارهایی شده که هنوز در دنیا صورت نگرفته است. در فناوری تولید سلول‌های بنیادی که بنده چند وقت پیش، از آن یاد کردم، یک‌مشت جوان مثل شماها که در تهران هستند، فعالیت می‌کنند. این‌ها همت کردند و رفتند از دیگران یاد گرفتند؛ خودشان هم فکر کردند، سرمایه‌گذاری فکری کردند و توانستند کلید تولید و انجماد و حفظ و کاشت سلول‌های بنیادی را به‌دست بیاورند. امروز این‌ها برای اولین بار در ایران سلول‌های بنیادی انسولین‌ساز را تولید کرده‌اند که در دنیا هنوز تولید نشده است.

۱۳۸۳/۰۴/۱۷

فرزند صالح انقلاب

بسم الله الرحمن الرحيم
با تأسف و تلخکامی خبر درگذشت دانشمند مؤمن و جهادگر، مرحوم دکتر «سعید کاظمی آشتیانی» را دریافت کردم و بر فقدان آن شخصیت ارزشمند که کانون امید و ابتکار و نوآوری بود، افسوس خوردم. وی یکی از فرزندان صالح انقلاب و از رویش‌های مبارکی بود که آینده درخشان علمی در کشور را نوید می‌دهند. مؤسسه‌ی رویان که مجمع ارزشمندی از

نوآوران و جهادگران عرصه‌ی علوم زیستی است، در پیدایش و رشد و اعتلای خود، مدیون همت و ایمان و پشتکار این دانشمند جوان و بلندهمت است. اینجانب ضایعه درنکاف فقدان این عنصر خدم و با ارزش را به خانواده گرامی و همکاران عزیزش صمیمانه تسلیت می‌گویم و از خداوند متعال رحمت و علو درجات را برای وی و صبر و سکیه الهی را برای بازماندگان و همراهانش مسألت می‌کنم.

سید علی خامنه‌ای ۱۳۸۴/۱۰/۱۵

جوان مؤمن انقلابی

ما امروز وقتی به آن گذشته نگاه می‌کنیم، می‌بینیم حرکت کشور در این زمینه‌ها، یک حرکت غیر قابل‌تصور است؛ حرکت، خیلی خوب بوده. کار کردیم، نتیجه‌اش را هم داریم مشاهده می‌کنیم. همین رویان - که آقای دکتر گورانی گزارش دادند - و این ماجرای سلول‌های بنیادی که این‌ها با امکانات کم توانستند به آن دست پیدا کنند و پیشرفتی که در این زمینه کرده‌اند و در این سمیناری که دو سال قبل در اینجا تشکیل شد و دانشمندان دنیا، آمدند و با آنها مصاحبه‌شد و گواهی و اظهار شگفتی کردند؛ این‌ها یک داستان‌هایی است که واقعاً جا دارد به‌عنوان مایه‌های افتخار،

جلو چشم ما باشد. ما شخصیت‌هایی از قبیل مرحوم دکتر کاظمی آشتیانی - که حالا من مقیدم از این جوان پاک‌باخته مؤمن فاضل کارآمد، و مدیر حقیقتاً انقلابی و مؤمن اسم بیاورم - داریم و الان هم در کشور، فراوان هستند و در بخش‌های مختلف دارند کار می‌کنند؛ و کارهای خوبی هم انجام گرفته است. وضع دانشگاه‌های ما امروز با بیست، بیست‌وپنج سال قبل قابل مقایسه نیست؛ پیشرفت‌هایمان خیلی خوب است.

۱۳۸۵/۰۷/۱۳

دیرباورها هم باور کردند!

من به یاد دارم وقتی که این سانتریفیوژهای مشغول کار شده بود و جوانان و دانشمندان ما توانسته بودند این‌ها را راه بیندازند و مسئولان وقت؛ رئیس‌جمهور و دیگران خبرش را گفتند، تعدادی از فیزیکدان‌های دانشگاهی که مردمان خوب و بسیار سالم و صادقی هم هستند، بعضی‌شان هم من را می‌شناسند، به من نامه نوشتند، که آقا! نبادا این‌ها را باور کنید! چنین چیزی اتفاق نیفتاده و ممکن نیست! حاضر نبودند باور کنند؛ قبول کنند. این، همان تلقین است. تا غربی‌ها؛ آژانس و دیگران، خودشان آمدند نگاه کردند، تصدیق کردند، اعتراف کردند که چنین چیزی را باور نمی‌کردند در ایران به وجود بیاید، آن وقت دیگران؛ دیرباورها، در داخل کشور باور کردند.



عزیز هستید و معتقدم رویان استعداد بسیار زیادی برای کار کردن و برای پیش رفتن دارد. از قول من نقل کرده‌اند که من گفته‌ام: «این سلول بنیادی یک حرکت علمی است»، واقعش همین است؛ همین طوری که این سلول‌های بنیادی شما، یک دامنه تمام‌نشده برای تحقیق دارند - که هرچه شما تحقیق می‌کنید، پیش می‌روید، یک میدان دیگری بازمی‌شود که می‌بینید می‌توان آن را موضوع تحقیق قرارداد و پیشرفت و به مرزهای جدیدتری رسید- رویان هم همین‌جور است؛ این مجموعه شما هرچه کار کنید، پیش‌برود، باز قابلیت پیشرفت دارد و یکایک محققان، پژوهشگران معتقد به علم و با ایمان - که در این مجموعه یا هر مجموعه‌ی دیگری از این قبیل هستند - همین حکم را دارند؛ یعنی توانایی این‌ها تمام‌نشده است.

۱۳۸۶/۰۴/۲۵

تربیت نیرو

ما در علم و تحقیق نخبه‌های برجسته‌ای داریم، مثل مرحوم کاظمی آشتیانی که این سلول‌های بنیادی و این تشکیلات عظیم را راه‌انداخت و انسان‌های زیادی را تربیت کرد - همکارانش هم همان‌جور هستند؛ امروز هم بحمدالله این حرکت ادامه دارد.

۱۳۹۳/۰۹/۰۶

دوست می‌دارد و آرزو دارد، که حالا من اندکی در این باره عرض خواهم کرد. رویان هم با کمک او و بقیه همکارانی که در رویان از اول مشغول بوده‌اند، اینجوری بارآمد؛ اینجوری رشد کرد؛ اینجوری رویداد و من این را از اوایل کار احساس کردم. آن دوست مشترک من و مرحوم کاظمی که شرح قضایای کاری ایشان را در آغاز کار - پانزده شانزده سال قبل - و در خواست‌های او را با من مطرح کرد، من نشانه‌های یک حرکت درست را در این کار احساس کردم؛ لذا گفتم من در حد مقدور خودم در خدمت این کار و پشتیبانی این کار قرار می‌گیرم. هرچه زمان گذشت، آن ظن اولی تقویت شد؛ تکذیب نشد.

اگر بخواهم این الگوی مطلوب را در یک جمله معرفی کنم، عبارت است از: ترکیب علم، ایمان، تلاش. هم علم را جدی گرفتند، هم ایمان و پایبندی و تقوا را؛ نه به صورت یک‌سربار، بلکه به شکل یک عنصر اصلی در بافت مجموعه و در بافت کار. و هم خستگی را فراموش کردند، که به گمان من مرحوم کاظمی جان و سلامت خودش را هم سر همین کار گذاشت؛ یعنی این دنبال‌گیری و این اهتمام‌ها و خسته نشدن‌ها. لذا رویان در چشم من بسیار گرمی است و عزیز است و شما جوان‌ها و مردان و زنان مؤمن و عزیزی که در این مجموعه کار می‌کنید، برای من

عین همین قضیه در مورد سلول‌های بنیادی به وجود آمد. بنده چندبار پیشرفت‌های سلول‌های بنیادی را در چند سخنرانی بر زبان آورده بودم. از دانشمندان کشور و از بعضی از دانشگاه‌ها به من نامه نوشتند: آقا! این قضیه را شما این قدر نگویید، این واقعیت ندارد؛ این جور نیست! اینی که می‌گویید در سلول‌های بنیادی پیشرفت کرده‌اند و در شبیه‌سازی (کلونینگ) دارند تمرین و کار می‌کنند، باور نکنید؛ چنین چیزی اتفاق نیفتاده و نخواهد افتاد! بعد که گوسفند شبیه‌سازی شده را جلو چشم همه قراردادند، بعد که در سمیناری که تشکیل دادند، دانشمندان معروف دنیا، زیست‌شناس‌های درجه‌ی یک دنیا آمدند مصاحبه کردند و تصدیق کردند که پیشرفت‌ها، پیشرفت‌های محیرالعقولی است، آن وقت یک‌عده از دیرباورها باور کردند!

۱۳۸۶/۰۲/۲۵

الگوی مطلوب

مؤسسه رویان، یک مؤسسه موفق و یک نمونه کامل و چشمگیر از آن چیزی بود و هست که انسان آرزویش را دارد. علت اینکه من به مرحوم سعید کاظمی اینقدر علاقه داشتم و الان هم در دلم و در ذهنم برای آن جوان عزیز، ارزش و جایگاه قائلم، همین است. حرکت او، نحوه کار او، مدیریت او، پیگیری او، یک مجموعه کاملی بود از آن چیزی که آدم



گفت‌وگو با دکتر حسن مسلمی نائینی، رئیس جهاد دانشگاهی

مدیری که توجه زیادی به قرآن کریم داشت

گفت‌وگو

دکتر حسن مسلمی نائینی، استاد تمام دانشگاه تربیت مدرس تهران در رشته مکانیک گرایش مهندسی ساخت و تولید است. او مدیر کل بورس دانشجویان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و همچنین معاون سازمان امور دانشجویان کشور را در کارنامه خود دارد. در تاریخ ۱۰ آبان ۱۴۰۱ به پیشنهاد هیئت امنای جهاد دانشگاهی و با تأیید شورای عالی انقلاب فرهنگی و با حکم رئیس جمهور به عنوان رئیس جهاد دانشگاهی کشور منصوب شد.

در رابطه با شخصیت دکتر کاظمی آشتیانی توضیح دهید و اینکه چقدر ایشان را می‌شناختید. شناخت بنده نسبت به زنده‌یاد دکتر کاظمی آشتیانی به سخنان و بیانات رهبر معظم انقلاب راجع به ایشان برمی‌گردد؛ اما با ورود مجدد به جهاد دانشگاهی، شروع به مطالعه کتاب «روایت یک رویش» کرده و اطلاعات بیشتری راجع به ایشان پیدا کردم. با هر بار مطالعه این کتاب علاقه‌ام به ایشان بیشتر شد. بابت اینکه امانتی چنین مهم (جهاد دانشگاهی) امروز به من رسیده است، هم احساس افتخار و هم سنگینی این مسئولیت را با تمام وجود احساس می‌کنم.

جنبه‌های مدیریتی زنده‌یاد دکتر سعید کاظمی آشتیانی چه بود؟

در جهاد دانشگاهی الگوهای مدیریت جهادی بسیار است، رهبر معظم انقلاب راجع به زنده‌یاد دکتر سعید کاظمی آشتیانی فرموده‌اند: «علت اینکه من به زنده‌یاد سعید کاظمی اینقدر علاقه داشتم و الان هم در دلم و در ذهنم برای آن جوان عزیز، ارزش و جایگاه قائلم، همین است. حرکت او، نحوه کار او، مدیریت او، پیگیری او، یک مجموعه کاملی بود از

تفکر بین‌المللی، حضور در کنگره‌های بین‌المللی و برگزاری جشنواره‌های بین‌المللی مانند «جشنواره بین‌المللی رویان»، خطرپذیری معقول و منطقی به حدی که با کمترین امکانات کارهای بزرگی انجام می‌داد؛ تواضع و احترام به همکاران و اعتماد تام به آن‌ها و روحیه قدرشناسی که باعث ایجاد انگیزه بالا در همکارانش می‌شد؛ بیان سخنان جدید که نشان از مطالعه و استعداد بالا دارد، از جمله ویژگی‌های زنده‌یاد کاظمی آشتیانی بود.

زنده‌یاد کاظمی آشتیانی عاشقانه و با جان و دل کار می‌کرد، جهادگری خستگی‌ناپذیر و شجاع بود و قدرت تصمیم‌گیری بالایی داشت. با برنامه بود و قبل از انجام هر کاری نقشه لازم را تهیه می‌کرد. خوش‌رو، خوش‌برخورد، خوش‌مشرب و تشنه موفقیت بود؛ زندگی شخصی بسیار ساده‌ای داشت و با تمام فرصت‌هایی که به دست آورده بود، به حداقل بسنده می‌کرد. در جریان تمام مسائل از حوزه‌های علمی گرفته تا مشکلات شخصی مستخدمین رویان بود و هر جا لازم بود وارد میدان می‌شد و گره‌گشایی می‌کرد. انجام کوچک‌ترین تا بزرگ‌ترین کار در محل کار از ویژگی‌های مدیریتی زنده‌یاد دکتر کاظمی آشتیانی بود.

در رابطه با لزوم تبیین و تشریح اندیشه و منش دکتر کاظمی آشتیانی برای تکتیر امثال ایشان توضیح دهید.

با توجه به اوصاف فوق‌الذکر، تبیین و تشریح اندیشه و منش دکتر کاظمی آشتیانی و فرهنگ برگرفته از آن‌ها، ادای دین به ایشان که جان‌ش را بر سر ایمان و اعتقادش برای پیشرفت علمی کشورمان گذاشت، است. ترویج و اشاعه تلاش‌های این جهادگر برجسته که با جهاد خستگی‌ناپذیر خود، پژوهشگاه رویان را تأسیس کرد و امروز در درمان ناباروری و دانش سلول‌های بنیادی چون برلین در داخل و خارج از کشور می‌درخشد، ضروری است. علاوه بر این، معرفی ابعاد شخصیتی و مدیریتی زنده‌یاد دکتر کاظمی آشتیانی و الگوسازی و الگودهی از ایشان به جوانان به ویژه دانشجویان، محققان و نخبگان لازم است.

میراث دکتر کاظمی آشتیانی برای جهاد دانشگاهی و کشورمان چیست؟

توسعه تحقیقات در زمینه باروری و ناباروری، تولید، تکثیر و انجماد سلول‌های بنیادی جنینی و بهره‌گیری از آن که نویدبخش افقی جدید در درمان بسیاری از بیماری‌های صعب‌العلاج است، از مهم‌ترین دستاوردهای علمی و تحقیقاتی زنده‌یاد دکتر کاظمی آشتیانی است.

دکتر کاظمی آشتیانی نه تنها پژوهشگاه رویان را تأسیس کرد، بلکه سعی و تلاش وافر برای به حرکت در آوردن چرخ علمی سایر مراکز علمی و تحقیقاتی کشورمان داشت. به همین خاطر است که رهبر معظم انقلاب درباره این چهره علمی گفته بودند: «دکتر کاظمی یکی از فرزندان صالح انقلاب و از رویش‌های مبارکی بود که آینده درخشان علمی در کشور را نوید می‌دهند.»

آن چیزی که آدم دوست می‌دارد و آرزو دارد... نکات بسیاری از جنبه‌های مدیریتی ایشان وجود دارد؛ وی قاری و حافظ قرآن کریم بود و تکیه و توجه زیادی به قرآن کریم داشت. ایمان و باور عمیق به توانستن و توانایی‌های داخلی داشت، به حدی که از تحصیل در خارج از کشور نیز گذشت و تحصیلات خود را در داخل کشورمان انجام داد؛ تلاش و جهاد شبانه‌روزی داشت و بلندهمت و بلندنظر بود و افق‌نگاهش آنقدر بلند بود که به اهمیت راهبردی تسلط بر علوم ناشناخته و پیشرفته پی برده و دغدغه‌مند بود.

مسئولیت‌پذیر بود؛ مسئولیت را نه به عنوان یک مقام و پست بلکه به عنوان قبول یک چالش نگاه می‌کرد. دغدغه خدمت به مردم را داشت و بیشتر به دنبال علمی نافع برای مردم بود تا نیازی از آن‌ها را برطرف کند. اشراف علمی و هوش بالا و توجه به کاربردی کردن علم در راستای حل مشکلات کشورمان؛ شناخت، کشف، جذب استعدادها و شکوفاسازی و استفاده از توان محققان جوان با تشکیل گروه‌های علمی و پژوهشی در شاخه‌های مختلف علوم پزشکی؛ قدرت روابط عمومی بالا و ارتباط با گروه‌های مختلف و شوخ‌طبعی از ویژگی‌های وی بود.



خود ادامه داد و به مصداق آیه «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا» با دست‌خالی، ولی ایمان و اخلاص واقعی، سرمایه عظیم علمی و درمانی را در حوزه ناباروری و شبیه‌سازی برای کشور به ارمغان آورد. جهادی عمل کردن در عرصه‌ی علم، بر ناظر بودن آن به «مبارزه با دشمن» تأکید ویژه دارد و این عنصر را عامل اساسی تمایز حرکت جهادی با حرکت غیرجهادی معرفی می‌کنند. جهاد علمی همچون دیگر حوزه‌ها و عرصه‌های مختلف جهاد، نیازمند «میدان» و «مبارزه» است. مبارزه علمی به معنای «تلاش همه جانبه مخلصانه برای تولید علم» است. جهاد علمی در حقیقت زیرمجموعه جهاد فرهنگی است که در قرآن کریم از آن تحت عنوان «جهاد کبیر» یاد شده است.

رهبری انقلاب در خصوص «جهاد علمی» می‌فرمایند: «هر تلاشی جهاد نیست مجاهدت با نفس، مجاهدت در مقابل شیطان، جهاد در میدان نظامی، مواجهه با یک دشمن است؛ مواجهه با یک معارض است. امروز کشور نیازمند یک جهاد علمی است، امروز ما در زمینه علم نیاز داریم که اینجور تلاشی در کشور بکنیم؛ احساس کنیم موانعی وجود دارد، باید این موانع را برداریم؛ دارد معارضه‌هایی می‌شود، باید این معارضه‌ها را در هم بشکنیم؛ در زمینه عرضه امکانات علمی، خست‌هایی از سوی کسانی که صاحبان آن هستند که کشورها را پیشرفته علمی است وجود دارد، باید در مقابل این خست‌ها از خودمان عزت و جوشندگی و فوران از درون نشان بدهیم».

ایشان با تأکید بر لزوم جهاد علمی، بیانیه گام دوم انقلاب را ترسیم و طرح کردند تا براساس این بیانیه ضمن رفع موانع و مشکلات، مسیر اصلی دنبال و قله‌های عزت و سربلندی علمی نیز به دست جوانان انقلابی دانش‌پژوه فتح شود.

در همین راستا روحیه، تلاش‌ها و دستاوردهای کاظمی آشتیانی در مسیر حرکت علمی کشور و جبران عقب‌ماندگی‌های تاریخی، مدل و الگویی قابل تکرار است به شرط آنکه اولاً به ضرورت جهادی عمل کردن رسیده باشیم، ثانیاً به شناخت و درک درست و اصولی از تعریف کار جهادی و ویژگی‌های آن واقف باشیم و ثالثاً با عزم و ایمان و تلاش خستگی‌ناپذیر برای عملیاتی‌سازی آن به میدان بیاییم.

یکی از مؤلفه‌های مهمی که رهبری عزیز انقلاب، بر آن تأکید دارند کار جهادی برآمده از ایمان به خدا و به قدرت ملی است. ایشان با تأکید بر حفظ قدرت ایمان و جهاد می‌فرمایند: «راه پیروزی نهائی و کامل ملت ایران این است که این خط مستقیم، خط ایمان؛ ایمان به خدا، ایمان به خود، ایمان به قدرت ملی، اعتماد به نفس ملی و راه حرکت و مجاهدت در همه اشکالش؛ مجاهدت علمی، مجاهدت عملی و آنجائی که لازم است، مجاهدت نظامی و ایمان و جهاد را از دست ندهند» (۱۳۸۷/۱۱/۱۹)

از دیگر نکات، ضرورت دستیابی به خودکفایی است: «پیشرفت علمی، اگرچه که با فراگیری علم از کشورها و مراکز پیشرفته‌تر علمی حاصل خواهد شد بخشی از آن بلاشک این است اما فراگیری علم یک مسئله است، تولید علم یک مسئله دیگر است. نباید



دکتر علیرضا کلاتر مهرجردی، معاون فرهنگی جهاد دانشگاهی

خادم بی‌منت و خدمت‌گزار راستین جامعه

یادداشت

دکتر علیرضا کلاتر مهرجردی دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی سیاسی از دانشگاه علامه طباطبائی است. از جمله سوابق اجرایی او می‌توان به مدیرکلی دفتر مطالعات فرهنگی جهاد دانشگاهی اشاره کرد. وی استاد دانشگاه و هم‌اینک به عنوان معاون فرهنگی جهاد دانشگاهی فعالیت می‌کند.

علیرضا کلاتر مهرجردی، معاون فرهنگی جهاد دانشگاهی در یادداشتی در رابطه با زنده‌یاد دکتر سعید کاظمی آشتیانی که در اختیار مجله رایحه گذاشته است به توصیف این شخصیت تأثیرگذار پرداخته است که در ادامه آن را می‌خوانید.

پیرامون زندگی‌نامه، تلاش‌ها و دستاوردهای علمی و مدیریتی زنده‌یاد سعید کاظمی آشتیانی کتاب‌ها و آثار گوناگونی به رشته تحریر درآمده، ولی این شخصیت ذواب‌عده هنوز آنگونه که باید و درخور تأکیدات و توصیفات پیرامون ایشان و نام بلند جهاد دانشگاهی است، شناخته نشده و ما در گفت‌وگوهای علمی و معرفتی ایشان به نسل جوان کاستی‌های فراوانی داریم. مقام معظم رهبری چندین مرتبه در سخنرانی‌های مختلف در خصوص این دانشمند وارسته توصیفات بی‌پایان داشتند که بسیار جالب توجه است؛ اینگونه بیانات وظیفه فرهنگی دانشگاه و نهاد علم را دوچندان می‌کند. جهاد دانشگاهی دو میراث از این بزرگ‌مرد به یادگار دارد که می‌توان به میراث علمی در حوزه علوم زیستی و درمان ناباروری و میراث فرهنگی به عنوان مدیریت جهادی اشاره کرد. با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و در مسیر تمدن‌نوین اسلامی، وظیفه پاسداری و انتقال این دو میراث گران‌بها به نسل‌های

آینده بر عهده ماست. امروز یکی از راهبردهای اصلی، جهاد تبیین و گفت‌وگو سازی در این مسیر است. مقام معظم رهبری در سخنرانی‌های متعددی به ویژگی‌های زنده‌یاد سعید کاظمی آشتیانی اشاره کرده‌اند که عبارتند از: «اگر بخواهم این الگوی مطلوب را در یک جمله معرفی کنم، عبارت است از ترکیب علم، ایمان، تلاش. هم علم را جدی گرفتند، هم ایمان و پایبندی و تقوا را؛ نه به صورت یک سربار، بلکه به شکل یک عنصر اصلی در بافت مجموعه و در بافت کار و هم خستگی را فراموش کردند» (۹۳/۱۰/۱۳)

«اینجانب زنده‌یاد کاظمی آشتیانی را نمونه کامل یک جهادگر دانشگاهی و نماد و نمود فرهنگ و حرکت جهادی می‌دانم که نه تنها الگو و سرمشق همه ما جهادگران عرصه علم و دانش، که الگوی مدیران و مسئولان و مردم نیز است» (۱۴۰۲/۰۹/۰۸)

برگرفته از توصیفات فوق که در زبان عالی‌ترین مقام جاری شده است؛ زنده‌یاد کاظمی آشتیانی مدیر و دانشمندی جهادگر بود و به معنای تمام کلمه؛ برای خدا، با خدا و در خدمت خلق خدا بود. اخلاص عمل و تلاش خستگی‌ناپذیر و با برنامه از ویژگی‌های بارز ایشان است که علیرغم کاستی‌های فراوان و بی‌مهری‌های گوناگون، استوار به هدف

ما در مسئله علم، واگن خودمان را به لوکوموتیو غرب ببندیم. البته اگر این وابستگی ایجاد بشود، یک پیشرفت‌هایی پیدا خواهد شد؛ در این شکی نیست؛ لیکن دنباله‌روی، نداشتن ابتکار، زیر دست بودن معنوی، لازمه قطعی این چنین پیشرویی است؛ و این جایز نیست». (۱۳۸۷/۰۷/۰۳)

اگر جوان ایرانی بخواهد مأموریت خود را دریابد، باید ببیند در محور مختصاتی با دو محور عمودی و افقی «ایمان» و «انقلاب اسلامی»، در کجا ایستاده‌است؟ آنچه روشن است، این که «وظیفه‌شناسی» و «عمل مبتنی بر آن» بیش از آن که مسئله‌ای انتزاعی باشد، یک واقعیت عینی و مصداقی است. یعنی مأموریت و وظایف هر کسی و هر جوانی با جوان دیگر به فراخور زندگی و حیات آن‌ها تفاوت دارد. اما این نکته که رهبر معظم انقلاب اسلامی همزمان با وضعیت و شرایط امروز از جوانان کشور توقع افزون‌تری دارد، به هیچ استدلال و دلیلی نیاز ندارد. کافی است میزان مخاطب قرار دادن، دفاع کردن، حمایت کردن و مطالبات ایشان از جوانان را دید. از جمله مطالبات و توصیه‌های مهم سال‌های اخیر، می‌توان به لزوم توجه بیش از پیش به پژوهش و توسعه علم و دانش فرهنگ‌بنیان اشاره کرد. با همین لزوم جهاد علمی، بنیانه گام دوم انقلاب صادر شده است.

رهبر انقلاب اسلامی در موارد متعددی اهمیت جهاد در نبرد فرهنگی را مهم‌تر از جهاد نظامی دانسته و بر هوشیاری نسبت به آن تأکید داشته‌اند: «کارزار فرهنگی از کارزار نظامی اگر مهم‌تر نباشد و اگر خطرناک‌تر نباشد، کمتر نیست». (۱۳۹۲/۰۹/۱۹)

«کشور امروز خوشبختانه درگیر جنگ نظامی نیست اما درگیر جنگ سیاسی است، درگیر جنگ اقتصادی است، درگیر جنگ امنیتی است و بالاتر از همه درگیر جنگ فرهنگی است؛ یعنی یک جنگ است. یعنی این را اگر کسی نداند، آن وقت خواب خواهد ماند». (۱۳۹۴/۰۲/۱۴)

جهاد در تمام عرصه‌های مورد نیاز جبهه حق، موجب نزول رحمت الهی و امدادهای خداوند خواهد شد. عرصه جهاد علمی نیز از این قاعده مستثنی نیست: «باید دانست که رحمت الهی و کمک الهی بستگی دارد به حرکت و تلاش انسان مؤمن؛ به عمل صالح او. باید در میدان باشیم، باید احساس وظیفه را فراموش نکنیم؛ مجاهدت را فراموش نکنیم؛ جهاد در صحنه‌های مختلف، وظیفه ماست و ضامن پیشرفت و پیروزی ماست. در صحنه سیاسی هم جهاد هست، در صحنه فرهنگی هم جهاد هست، در صحنه تبلیغاتی و ارتباطاتی هم جهاد هست، در صحنه‌های اجتماعی هم جهاد هست. جهاد فقط جهاد نظامی نیست؛ انواع و اقسام عرصه‌های زندگی بشر، عرصه جهادند». (۱۳۸۶/۰۵/۲۸)

اما این جوان مؤمن انقلابی برای پیشرفت در مصداق زنده‌یاد سعید کاظمی آشتیانی (سعید ایران) در گفتمان رهبری انقلاب اسلامی واجد کدامین ویژگی‌ها است؟ در ادامه، این ویژگی‌ها به صورت مختصر ذکر می‌شود.

اثرگذاری بر محیط با تقویت معنویت: «یک جوان

گاهی اوقات می‌تواند مجموعه‌ی پیرامونی خودش را، کلاس را، استاد را و حتی دانشگاه را زیر تأثیر شخصیت معنوی خودش قرار دهد. البته این کار با سیاسی‌کاری به دست نمی‌آید؛ با معنویت به دست می‌آید، با صفا به دست می‌آید، با استحکام رابطه با خدا به دست می‌آید» در این معنا زنده‌یاد کاظمی آشتیانی محیط را تغییر داد و خدمت او به محیط، تغییر آن بود.

فضیلت و اصالت خیر عامه؛ «دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط فرهنگ فساد و فحشا سعی می‌کند جوان‌های ما را از ما بگیرد. امروز دشمن این کار را با ما می‌کند. چه کسی می‌تواند از این فضیلت‌ها دفاع کند؟ آن جوان مؤمنی که دل به دنیا نبسته، دل به منافع شخصی نبسته و می‌تواند بایستد و از فضیلت‌ها دفاع کند. لذا، چندی پیش گفتم همه امر به معروف و نهی از منکر کنند» زنده‌یاد کاظمی آشتیانی به فراتر و جهان بالاتر می‌اندیشد آنچه حرکت او را می‌سازد خیر عامه و اصالت داشتن آن بر هر خیر دیگری است.

مطالعه تاریخ و رصد آینده؛ «من همه دغدغه‌ام این است که جوان انقلابی امروز، نداند ما بعد از چه دورانی، امروز در ایران مشغول چنین حرکت عظیمی هستیم. تاریخچه این صدوپنجاه، دویست سال اخیر از دوران اواسط قاجار به این طرف؛ از دوران جنگ‌های ایران و روس به این طرف را بخوانید و ببینید چه حوادثی بر این کشور گذشته است» اطلاع از زمان، شناخت گذشته و رصد افق از ویژگی‌های بارز زنده‌یاد کاظمی آشتیانی است به این معنا، او به زمان خدمت کرد.

کار و تلاش فرهنگ بنیان؛ «آن جوان‌هایی که در تهران، در شهرهای گوناگون کار فرهنگی می‌کنند کار را هر چه می‌توانند به‌طور جدی دنبال کنند و ادامه بدهند. بدانند که همین گسترش کار فرهنگی در بین جوان‌های مؤمن و انقلابی، نقش بسیار زیادی را در پیشرفت این کشور و در ایستادگی ما در مقابل دشمنان این ملت ایفا کرده است» زنده‌یاد سعید کاظمی آشتیانی در معنای اصیل، فرهنگ و کار فرهنگی را نه در حاشیه که در متن کار دیده و دنبال می‌کند. تحلیل سلطه و عمل پیش‌دستانه؛ «نظام سلطه را با تمام ابعاد و لایه‌هایش بشناسید و اهداف و راهبردهای واقعی آن را تحلیل کنید و برای رویارویی با آن، تمام ظرفیت‌های خودتان را به کار گیرید و در این مسیر به وعده‌های خداوند اطمینان داشته باشید» پیش‌دستانه عمل کردن با درک شرایط تحمیلی سلطه علمی، از مختصات زنده‌یاد سعید کاظمی آشتیانی است.

تحمل مشکلات و ناملایمات؛ «باید شور انقلابی را حفظ کنید. باید با مشکلات هم بسازید. باید از طعن و دق دیگران هم روگردان نشوید، اما باید خامی هم نکنید. مراقب باشید، مأیوس نشوید. در صحنه بمانید اما دقت کنید و مواظب باشید رفتار بعضی از کسانی که به نظر شما جای اعتراض دارد، شما را عصبانی نکنند، شما را از کوره در نبرد» صبوری بر مشکلات و تحمل زخم‌زبان دیگران و تسلیم جو نشدن از ویژگی‌های بارز زنده‌یاد کاظمی آشتیانی است.

مراقبت در مقابله با دیگران؛ «جوان‌های انقلابی و مؤمن و عاشق امام، که حرف می‌زنند، می‌نویسند، اقدام می‌کنند؛ کاملاً رعایت کنید. این جور نباشد که مخالفت با یک کسی ما را وادار کند که نسبت به آن کس از جاده‌ی حق تعدی کنیم، تجاوز کنیم، ظلم کنیم؛ نه، ظلم نباید کرد. به هیچ کس نباید ظلم کرد.» زنده‌یاد سعید کاظمی آشتیانی علی‌رغم تمام مواجهات -که بالاترین آن عدم باور و تلقین «همین که هست» بود- در قول و عمل مواجهه با دیگران مراقبه فراوان داشتند.

بلندکردن پرچم عدالت؛ «یک لحظه از درخواست و مطالبه عدالت کوتاهی نکنید؛ این شأن شماست. گفتمان عدالت‌خواهی را فریاد کنید، اما انتقاد شخصی و مصداق‌سازی نکنید. شما پرچم را بلند کنید. وقتی پرچم را بلند کردید، آن کسی که مجری است؛ همه حساب کار خودشان را می‌کنند» عدالت‌خواهی در میانه میدان عمل، از شاخصه‌های کنشگری زنده‌یاد سعید کاظمی آشتیانی است.

صبوری در تحقق اهداف؛ «بر اثر تجربه روزگار فهمیده‌ایم که یک مقداری باید انسان تحمل و صبر کند، شما جوانید و تازه از راه رسیده و پرشور و بی‌صبر! همه‌اش خوب است، غیر از این بی‌صبری. همه این چیزهایی که شما گفتید و شعارش در این کشور داده شده، به حول و قوه الهی و بآذن الله تحقق پیدا خواهد کرد» تجسم این صبوری، زنده‌یاد سعید کاظمی آشتیانی است. او که رهبری انقلاب در شنیدن اقدامات او می‌فرماید «بمان تا که صبح دولتت بدمد»

تقویت بنیه انقلابی با معنویت؛ «نقش معنویت را دست کم نباید گرفت. با توجه به خدا و تقرب به خدا، با توسل به دامن قدس الهی و ذیل عنایت الهی می‌توان خیلی کارهای دشوار را انجام داد. با خدای متعال رابطه برقرار کنید. با نماز، با نافله، با تلاوت قرآن، با دعا، با صحیفه‌ی سجادیه. با این کار بنیه دینی و انقلابی خودتان را هم محکم می‌کنید.» زنده‌یاد سعید کاظمی آشتیانی در این مینا الگویی زبانزد است کسی که برای احداث بنای فعالیت علمی نذر چند هزار تایی صلوات داشت.

دوستی و رفاقت؛ «انقلابی بودن فقط در «أَشِدَّاءَ عَلَى الْكُفَّارِ» بودن نیست؛ «رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ» هم می‌خواهد. موتور محرکه انقلاب اسلامی را سومین دهه حیات خود که نه، بلکه در همه طول عمر خود صمیمیت هم می‌طلبد؛ باید مراقب بود. باید بین خود و دیگران، بین دوست و دشمن فرق گذاشت. نباید نیروی این موتور محرکه خودش را خنثی کند». زنده‌یاد سعید کاظمی آشتیانی علی‌رغم همه مصائب و مشکلات مرز خود و دیگری را می‌شناخت. عدم درک و کم‌توجهی اطرافیان دور و نزدیک را به منزله دشمنی قلمداد نمی‌کرد بلکه خود را در جهت حرکت و هم‌پیوندی می‌ساخت. در پایان اگرچه توفیق زیارت این جهادگر فقیه فقط یک‌بار، رزق این حقیر بود ولی به روایت با واسطه براساس شنیده‌ها و گفته‌ها از جمله عالی‌ترین زبان‌ها در وصف‌اش، می‌توان او را فرزند زمان، خادم بی‌منت و خدمت‌گزار راستین جامعه نامید.



از نگاه حجت الاسلام رستمی

رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها

دکتر کاظمی آشتیانی برای همیشه الگویی ماندگار و درخشان در عرصه دانش و پژوهش است و شجره طیبه‌ای به نام رویان که امروز به درختی تنومند و پرثمر بدل شده، یادگار و ثمره مجاهدت آن دانشمند برجسته و مومن است. کار و فعالیت او به راستی مصداق برجسته جهاد علمی، توکل و امید به یاری و مدد الهی بود که این گونه ماندگار و مثمر ثمر شد و نسل‌های گوناگون از آن بهره‌مند شده و خواهند شد. رهبر معظم انقلاب اسلامی، دکتر کاظمی آشتیانی را دانشمندی مومن و جهادگر و مدیری انقلابی توصیف کردند و ایشان را فرزند صالح انقلاب نام نهادند و در تعریفی دیگر، ایشان را ترکیب علم و ایمان و تلاش خواندند. در واقع او پرورش یافته مکتب انقلاب اسلامی بود و با روحیه جهادی و بینش انقلابی، قله‌های علم و دانش را فتح کرد و باور ما می‌توانیم را به معنای واقعی کلمه، معنا کرد.

دکتر آشتیانی با فعالیت خود و دستاوردهای شکل‌دهی به مجموعه رویان، خودباوری را در محیط علمی و پژوهشی کشور برجسته و نه‌اینه ساخت و شهامت و جسارت ورود به حوزه‌های علمی جدید و پیچیده همچون نانو که در کنترل چند کشور معدود غربی بود، در میان دانشگاهیان و پژوهشگران کشور ایجاد کرد.

در واقع او در جامعه دانشگاهی ما امید و انگیزه قابل توجهی را برای فتح قله‌های جدید علمی ایجاد کرد؛ از طرفی دیگر ایشان شبکه‌ای از دانشمندان انقلابی و دغدغه‌مند را پیرامون فعالیت‌های علمی و بنیادی ایجاد کرد که بعدها این شبکه گسترش یافت و اکنون این شبکه علمی و نخبگانی، سرمایه عظیمی برای پیشرفت و تعالی ایران است. همچنین ایشان فرهنگ کار گروهی و هم‌افزایی در محیط علمی را نشر و گسترش داد. از دیگر الزامات ادامه راه بزرگوارانی چون ایشان، آن است که در نظام علمی و دانشگاهی در کنار تخصص محوری و نوآوری، بیش از گذشته به مسئله پرورش و تقویت روحیه جهادی و دغدغه‌مندی توجه کنیم. بی‌تردید بنایی که ایشان برپا و راهی که آغاز کردند، با قدرت و جدیت توسط جوانان انقلابی و دانشمند در گام دوم انقلاب حفظ و تداوم خواهد یافت.



گفت‌وگو با حجت الاسلام والمسلمین صدیقی امام جمعه موقت تهران

الفبای سعادت در زندگی سعید ایران

گفت‌وگو

امام جمعه موقت تهران ضمن اشاره به ویژگی‌های شخصیتی دکتر کاظمی آشتیانی از جمله ولایی بودن، آرمان‌خواهی و جهادگری گفت: این موارد برای جامعه ما الفبای سعادت است و این مرد در این جهت الگو بود. حجت الاسلام والمسلمین کاظم صدیقی، امام جمعه موقت تهران در گفت‌وگو با خبرگزاری ایکن، به مناسبت هجدهمین سالروز درگذشت زنده یاد دکتر سعید کاظمی آشتیانی گفت: دکتر سعید کاظمی آشتیانی یکی از مفاخر کشور ما بود که ولایی بودن یکی از مهمترین ویژگی‌های او بود. ایشان ویژگی‌های بسیاری داشت از جمله اینکه آرمان‌خواه بود، به معنای واقعی کلمه جهادگر بود، در نظام می‌گنجید و آدم تک‌روی نبود، انضباط‌پذیر بود، اگر مقتضی بود مسئولیتی از ایشان گرفته شود و به کسی دیگر واگذار شود عکس‌العمل مثبت نشان می‌داد و ناراحت نمی‌شد و در کار دیگرش تمرکز پیدا می‌کرد و آن را فرصتی برای خودش تلقی می‌کرد. اینها اموری است که برای جامعه ما الفبای سعادت است و این مرد در این جهت الگو بود.

توجه خاص مقام معظم رهبری به دکتر آشتیانی

ایشان به سبب همین آرمان‌خواهی، جهادگری و بی‌تعلقی به سمت و مسئولیت خاص و عشق به ولایت فقیه هم در حال حیاتش و هم پس از درگذشت مورد توجه خاص مقام معظم رهبری بود و حضرت آقا خصوصاً از این کار بدیع، ماندگار، عزت‌ساز، نسل‌ساز و ثروت‌ساز یعنی سلول‌های بنیادین و شبیه‌سازی رویان حمایت می‌کردند. این از کارهایی است که نادری از کشورها در این امر به توفیقات رسیدند و این مرد نورانی، متدین، خستگی‌ناپذیر، آرمان‌خواه، جهادی، انقلابی و ولایت‌مدار در این زمینه تلاش زیادی کرد. من از رفقای ایشان شنیدم که ایشان در این توفیقات و پیروزی‌های علمی که برای جامعه توحیدی به ارمغان آورد و به سبب آن در جهان علم و دانش ممتاز شد و جزء چهره‌های مطرح دنیای علم شد علاوه بر مسئله جهادی بودن و بالنگیزه بودن و تقید به اینکه یک کاری کنم پرچم ولایت برافراشته‌تر و موثرتر باشد، اهل دعا و نیایش و قرآن بود. گفتند در برخی طرح‌های علمی گاهی ده هزار صلوات نذر می‌کرد و خدا هم قولش را در حقش عملی کرد که فرمود «ادعونی استجب لکم». او خدا را می‌خواند، خدا هم کمکش می‌کرد. همچنین خداوند متعال فرمود «ان تنصروا الله ينصركم» یعنی اگر خداوند را یاری کنید، خدا نیز شما را یاری خواهد کرد.

پژوهشگاه رویان، لبیک بزرگ به خون شهیدان بود

تلاش‌های دکتر کاظمی آشتیانی برای شخص خودش نبود بلکه می‌خواست برای جبهه توحید برجستگی و افتخار و خودکفایی به ارمغان بیاورد. خدا هم در حد اعلی دستش را گرفت و نصرتش داد و امروز سلول‌های بنیادین و موسسه رویان جزء برجسته‌ترین رهاوردهای انقلاب اسلامی به حساب می‌آید. این لبیک بزرگی به خون شهیدان ما بود، لبیک بزرگی به مقام معظم رهبری بود لذا ایشان هم در پیشگاه خدا منزلت معنوی بالایی داشت و هم توفیقات علمی او معلول قداست باطنی و معنویت و این ویژگی‌هایی بود که در مورد ایشان عرض شد. امیدواریم ایشان برای ما یک الگو باشد و در سنگرهای علم و دانش مخصوصاً در دانش‌بنیان‌ها شاهد باشیم پیروان این محقق بزرگ و دانشمند نستوه و این انسان خداجو و این روشن‌بین ولایت‌مدار تشویق شوند این خط را ادامه دهند و ضمن جهادگری و پرتلاشی سیم ارتباطی با خدا و پیامبر (ص) و آل پیامبر چاشنی کارشان باشد.

سرمقاله

پرونده ناتمام یک مرد تمام

بزرگ بود

و از اهالی امروز بود

و با تمام افق های باز نسبت داشت

و لحن آب و زمین را چه خوب می فهمید

...به شکل خلوت خود بود

و عاشقانه ترین انحنای وقت خودش را برای
آینه تفسیر کرد.

در اول فروردین ۱۳۴۰ از پدر و مادری اهل
آشتیان زاده شد. کودکی و نوجوانی را در
تهران گذراند. تحصیلات دانشگاهی خود را
در سال ۱۳۵۸ در رشته فیزیاوتراپی دانشگاه
علوم پزشکی ایران آغاز کرد و همزمان به
تدریس ادبیات و بینش اسلامی در هنرستان
فنی و نمونه دولتی «آزادی فلسطین» - واقع
در خیابان دماوند - همت گماشت و در کسوت
معلم قرآن به آموزش قرآن به دانش آموزان
مدارس و کودکان و نوجوانان روی آورد. انسی
که تا پایان با او بود و هرگز قطع نشد.

همزمان با دوستانش به تاسیس مدرسه ای در
یکی از شهرهای اطراف تهران روی آورد و به تربیت
دانش آموزان محروم همت گماشت. درس آموختگان
آن روزهایش خاطرات شگرفی از اخلاص و تلاشش
در سنگر آموزش گزارش کرده اند.

تعطیلی دانشگاه ها همزمان با انقلاب
فرهنگی اندکی در روند تحصیلاتش وقفه ایجاد
کرد. این وقفه با حضور در جبهه های جنگ
ایران و عراق طولانی تر هم شد. دوره ای که با
رشادت و اخلاص او در ذهن همدوره ها و هم
سنگرهایش حک شده است. خاطرات باقی
مانده از او در ایام حضور در جبهه حاکی از
اخلاص مجاهدی است که در دو قدمی شهادت
سیر می کرد. با پایان جنگ، از سنگر مبارزه
به سنگر علم برگشت و یک سال بعد در سال
۱۳۶۹ مدرک کارشناسی ارشدش را اخذ کرد و
از دانشکده علوم توانبخشی فارغ التحصیل شد.
اما مردی نبود که در این مدت بیکار بنشیند:

در سال ۱۳۶۱ با همکاری دو تن از همکارانش
جهاد گروه پزشکی را در دانشگاه علوم پزشکی
ایران تأسیس کرده بود. گروهی که در واقع
هسته اولیه جهاددانشگاهی علوم پزشکی
ایران بود و در سال ۱۳۶۵ صورت رسمی به
خود گرفت و تا سال ۱۳۷۰ مسئولیت بخش
طرح ها و تحقیقات آن را شخصاً برعهده
داشت. از سال ۱۳۷۱ همراه با تغییرات ساختار
مدیریتی جهاد دانشگاهی، در سنگر ریاست
جهاد دانشگاهی واحد علوم پزشکی ایران به
ادامه خدمت پرداخت؛ خدمتی که تا آخر
عمرش ادامه داشت. در همین منصب بود که
مراکز درمانی متعددی را تأسیس و گروه های
مختلف پژوهشی راه اندازی کرد. یکی از این
مراکز پژوهشکده رویان بود که می رفت که
به مهم ترین ثمره عمر او تبدیل شود.

همزمان با خدمت و مدیریت در مقطع دکترای
تحصیلات خود ادامه داد و در سال ۱۳۷۶ درجه
دکترایش را در رشته علوم تشریح با گرایش
جنین شناسی از دانشگاه تربیت مدرس اخذ کرد.
او علاوه بر ریاست پژوهشکده رویان و
جهاددانشگاهی واحد علوم پزشکی ایران،
همزمان حضوری پررنگ در فعالیت های
علمی داشت. چاپ ده ها مقاله در مجلات
علمی داخلی و بین المللی، انجام چندین
طرح تحقیقاتی ملی، تدریس در دانشکده ها،
نگارش کتاب، راه اندازی گروه های پژوهشی
در شاخه های مختلف علوم پزشکی، برگزاری
چند دوره جشنواره بین المللی رویان، دآوری
جشنواره های علمی و سردبیری مجله علمی
پژوهشی یاخته بخشی از فعالیتهای او است.
فعالیتی که تنها تا ۱۴ دیماه ۱۳۸۴ ادامه
داشت چرا که در این روز زمانی که برای
انجام تست ورزش به بیمارستان بقیه الله
جماران مراجعه کرده بود، بر اثر سکته قلبی،
سبکبال و آرام درگذشت.

و او به شیوه باران پر از طراوت تکرار بود

و او به سبک درخت

میان عافیت نور منتشر می شد

همیشه کودکی باد را صدا می کرد

همیشه رشته صحبت را

به چفت آب گره می زد

برای ما، یک شب سجود سبز محبت را چنان

صریح ادا کرد

که به عاطفه سطح خاک دست کشیدیم

و رفت تا لب هیچ

و پشت حوصله نورها دراز کشید

و هیچ فکر نکرد

که ما میان پریشانی تلفظ درها

برای خوردن یک سبب

چقدر تنها مانديم.

آنچه خواندید سطور نخست پرونده ناتمام
مردی است که مرد تمام بود و آنچه پیش
روی دارید، تلاشی است برای شناختن و
شناساندن یک مرد تمام. مردی که در تمام
مراحل زندگی خویش اخلاص و اخلاق را
پیش چشم داشت. گزارش هایی که یاران
و نزدیکانش به روایت نشستند، مملو از
جلوه های اخلاقی ارزشمند و کمیاب است.
چیزی که به عمر او برکت داده است، نه فقط
توفیقات علمی که توفیقات عملی است: انس
با قرآن، مداومت بر اعمال عبادی، دستگیری
از نیازمندان، بسط روحیه جهادی، مردم داری
تا آخرین حد ممکن و بیش از همه تلاش
برای اعتلای سطح علمی کشور، در جهت رفع
نواقص و برطرف کردن محرومیت ها. در واقع،
تاریخ شهادت می دهد که زنده یاد آشتیانی
مرد میدان تکلیف بود. مرد میدان ساختن،
افزودن و گستردن سایه سار مهربانی. یادش
گرامی و راهش پررهرو.

تحریریه رایحه



ویژنه‌نامه، جهادگر فقید سعید کاظمی آشتیانی | سال نوزدهم | شماره ۱۵۱ | آذر ۱۴۰۳

نگاهی از درون

حاکم بر سازمان محل خدمتش بود، البته در عین اینکه به سازمان خود وفادار بود اما هیچ واهمه‌ای برای بیان پیشنهادات یا نظرات خود نداشت. اینطور نبود که به خاطر پست یا مقام از بیان سخنی دریغ کند. در جلسات، بسیار صریح و رک صحبت‌های خودش را مطرح می‌کرد. برای مثال ایشان معتقد بود: «باید برای شرایط رفاهی و امکانات دوستانی که در جهاد دانشگاهی کارهای برجسته می‌کنند فکری بکنیم».

بازگردیم به آقای دکتر کاظمی.

گفتیم که خستگی ناپذیر بود، دلسوز مجموعه افرادی بود که با او کار می‌کردند، مدیریت افقی داشت و به سازمان خودش وفادار بود.

نقطه آغاز او برای کاظمی شدن چه بود؟

کاظمی ذوب در انقلاب بود. به دنبال این بود که به عنوان یک نیروی انقلابی و جهادگر برای حل یکی از مشکلات و مسائلی که بعضی از خانواده‌ها با آن درگیر هستند، اقدام انجام بدهد. به همین خاطر با کمک اعضای جهاد دانشگاهی واحد علوم پزشکی ایران، مرکزی را برای ارائه خدمات به زوج‌های نابارور تأسیس کرد. نقطه آغاز این فعالیت علاقه به نظام و انقلاب بود. ایشان احساس کرد که یکی از مسائل و مشکلاتی که امروز کشور با آن مواجه است، بحث زوج‌های نابارور است که برای درمان به خارج از کشور می‌روند و ناچارند مقادیر زیادی ارز از کشور خارج کنند و در کشورهای خارجی - عمدتاً در انگلستان - به درمان بپردازند.

نکته دردناکتر این است که افراد سودجویی در این میانه پیدا شده بودند که از زوج‌های نابارور سوء استفاده می‌کردند. به آنها می‌گفتند ما تمام امکانات را در انگلستان برای شما فراهم می‌کنیم؛ اما وقتی این زوج‌ها به آنجا می‌رفتند، هیچ خبری از وعده‌دهندگان نبود. تمام زندگی و پولشان را از دست می‌دادند و بدون اینکه بتوانند درمان کنند، به کشور بازمی‌گشتند. کسانی هم که مورد سوء استفاده قرار نمی‌گرفتند عمدتاً از نتایج درمانی راضی نبودند. همین اتفاق‌ها انگیزه‌ای شد که دوستان ما تصمیم بگیرند درمان‌های پیشرفته ناباروری را در کشور خودمان آغاز کنند و به تدریج توانایی علمی و فنی آن را به دست بیاورند. در یک دوره زمانی دیگر، آنها به پژوهش و عرصه‌های علمی روی آوردند. اینجا بود که پژوهشکده علوم سلولی به جای مؤسسه رویان تأسیس شد. یعنی وجه آکادمیک یافت. همین وجه آکادمیک موجب شد آقای دکتر کاظمی افراد شایسته‌ای از جمله آقای دکتر بهاروند را جذب کند. آنها به تحقیق و پژوهش تمرکز کردند، خداوند هم به کارشان برکت داد. البته بستر و حمایت‌های لازم، هم در جهاد دانشگاهی



گفت وگو با دکتر علی منتظری، رئیس اسبق جهاد دانشگاهی

رسم کاظمی را اعتلا بخشیم

گفت وگو

دکتر علی منتظری استاد بهداشت عمومی و همه‌گیرشناس ایرانی در مرکز تحقیقات سنجش سلامت وابسته به پژوهشکده علوم بهداشتی جهاد دانشگاهی است. او از ابتدای تأسیس جهاد دانشگاهی در این نهاد مشغول به فعالیت بوده و سه دوره ریاست این نهاد را به عهده داشته‌است. او همچنین عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۵-۱۳۷۶) و عضو پیوسته فرهنگستان هنر از آغاز تأسیس بوده‌است. او سردبیر نشریه پایش و ویراستار نشریه‌های نتایج سلامت و کیفیت زندگی و پلوس وان است.

دکتر کاظمی با اعضای مجموعه خود مثل برادر و رفیق صمیمی رفتار می‌کرد. این ویژگی از خصیصه‌های مدیریت جهادی است که او نیز با خود داشت. نه تنها مجموعه خود را به طور افقی مدیریت می‌کرد، بلکه دلسوز و پیگیر مشکلات همکارانش نیز بود. اطلاع دقیق دارم که اگر کسی مشکل شخصی داشت، با روی باز او را می‌پذیرفت و مشککش را برطرف می‌کرد. در گذشته، زمانی که آقای دکتر کاظمی در جهاد دانشگاهی واحد علوم پزشکی ایران و پژوهشکده علوم سلولی - که بعدها به پژوهشگاه رویان تبدیل شد - مسئولیت داشتند، با مجموعه خود چنین برخوردی داشتند.

بفرمایید که رابطه آقای دکتر کاظمی با مافوق چقدر بود؟

تا جایی که من نسبت به آقای دکتر کاظمی شناخت پیدا کردم، نسبت به چارچوب‌های سازمانی کاملاً وفادار بود. حتی یکبار ندیدم که ایشان بدون اجازه کاری را انجام بدهد. اگر اجازه هم نمی‌گرفت، اتفاقی نمی‌افتاد، ولی این رفتار، نشان دهنده اوج اعتقادش به مجموعه جهاد دانشگاهی و مجموعه نظامات

آقای دکتر منتظری، ما تمام حرف‌های رسمی و غیررسمی شما درباره زنده یاد کاظمی آشتیانی را شنیده‌ایم. می‌خواهیم بدانیم که در قامت یک جهادی - نه رئیس اسبق جهاد - این اسم برای شما یادآور چیست و چه چیزی را در ذهن شخص شما تداعی می‌کند؟

تمام ویژگی‌های قابل تصور برای یک مدیر جهادی در وجود او جمع بود. این ویژگی‌ها بارزترین وجه وجودی او بود. دکتر کاظمی انسانی سختکوش بود که هیچ کاری را قبل از به اتمام رسیدن رها نمی‌کرد. سختی‌ها، حریف او نبودند. گمان می‌کنم که او برای رسیدن به قله‌های پیشرفت لحظه‌ای فوت وقت نمی‌کرد. ویژگی دیگر سبک مدیریت او، داشتن رابطه افقی با اعضا مجموعه‌اش بود. حتماً شنیده‌اید که وقتی پیامبر(ص) در جمعی بودند، اگر کسی از قبل ایشان را نمی‌شناخت، نمی‌توانست تشخیص بدهد که کدام یک از حضار پیامبر است. شأن پیامبر(ص) بر کسی پوشیده نیست ولی در جمع، دایره‌وار می‌نشستند؛ نه در صدر مجلس. مدیریت جهادی یعنی این، یعنی مدیریت افقی، یعنی مدیریت دایره‌ای، نه مدیریت عمودی.



توجه داشت. فوق العاده به قرآن علاقه مند بود. قرآن را خوش صوت قرائت می کرد. قرآن ابتدای جلسات را یا آقای دکتر کاظمی تلاوت می کرد، یا آقای دکتر ایمانی که هر دو هم بسیار خوش صوت بودند و هستند. به خاطر همین اعتقادات قرآنی و تدینی که داشتند اهل تضرع و راز و نیاز هم بودند. به همین جهت، برای موفقیت در کارها توسل می کردند. قبل از اینکه سلول های بنیادی به نتیجه برسند، این طور که در ذهن دارم، گفتند ده هزار صلوات نذر کرده ایم، هزار صلوات را هم شما بفرستید. زنگ زدند و گفتند: هزار صلوات هم شما بفرستید. به خاطر گذشت زمان فراموش کرده ام که چند صلوات نذر کرده بودند اما اینقدر در خاطر دارم که هزار صلوات را به من محول کردند، یا صد تا؛ تعدادش را درست به خاطر ندارم. به هر حال به توسل، تضرع و راز و نیاز بسیار معتقد بودند. علیرغم اینکه در چهره او غم و اندوهی نمی دیدید، در درون غم و اندوه داشت. امام علی (ع) درباره صفات مؤمنین فرموده اند: «بِشْرُهُ فِي وَجْهِهِ وَخُرْنُهُ فِي قَلْبِهِ» وقتی به چهره مؤمنین نگاه می کنید آنها را شاد می بینید ولی در درون، اندوه و غم دارند. کاظمی واقعاً اینطور بود.

هیچگاه در مورد کم و زیاد حقوق خودش با شما صحت نکرد؟

هیچگاه. اصلاً و ابداً! حتی یکبار هم نه چنین حرفی به من گفتند و نه به مجموعه خودشان گفتند که چنین کاری نکنند. در مورد آقای دکتر کاظمی یا ندیدم، یا کم دیدم یا کمتر از آن چیزی که باید می بود گزارش می کرد.

لحظه ای که خبر فوت ایشان را دریافت کردید، چگونه بود؟

آن روز ساعت ده شب تازه به منزل رسیده بودم که یکی از دوستان زنگ زد و گفت: «آقای دکتر کاظمی به رحمت خدا رفت» خبر برای من غیرقابل باور بود. با اینکه قلب ایشان از کار افتاده بود و تیم احیا به دنبال این بودند که قلب را دوباره به کار بیندازند، اما موفق نشدند. ما از لحظه ای که حادثه روی داد، در جریان بودیم و تعقیب می کردیم. حتی رگ های پای ایشان را برداشتند تا عمل قلب باز کنند؛ یعنی امید داشتند که برگردد. از صبح مطلع شدم که حالشان وخیم شده و به اتاق عمل رفته اند. ساعت ده شب، تازه به خانه رسیده بودم که این خبر را شنیدم. آن شب تا اذان صبح بیدار بودم و بعد از نماز به بیمارستان رفتم: «الذین إذا أصابهم مصيبة قالوا إنا لله وإنا إليه راجعون». خوشا به حالش! از شما چه پنهان، بعد از سال ها حضور و خدمت با افتخار در جهاد دانشگاهی، از عاقبتم می ترسم. و ان شاء الله که خداوند به آبروی کاظمی ها و شهدا ما را عاقبت بخیر کند.

دکتر کاظمی ذوب در انقلاب بود. به دنبال این بود که به عنوان یک نیروی انقلابی و جهادگر برای حل یکی از مشکلات و مسائلی که بعضی از خانواده ها با آن درگیر هستند، اقدامی انجام بدهد.

به همین خاطر با کمک اعضای جهاد دانشگاهی واحد علوم پزشکی ایران، مرکزی را برای ارائه خدمات به زوج های نابارور تأسیس کرد

که در مورد آقای دکتر کاظمی، پزشک هم باید دقت بیشتری می کرد. کسی را که با درد قفسه سینه به پزشک مراجعه می کند، روی تردمیل نمی فرستند. اول باید اکو می گرفتند، وضعیت قلب را بررسی می کردند و پس از آن اگر لازم بود تست ورزش می گرفتند. البته اگر آقای دکتر کاظمی به خودش رسیدگی می کرد، دیگر کاظمی آشتیانی نمی شد. منتظری باید به کاظمی می رسید. امثال منتظری باید به او می گفتند سلامت جسم و روح تو مهم است و از آن غفلت نکن. اما بهر حال تقدیر این بود.

بهترین خاطره شما از آن فقید سعید چیست؟
خوب ترین خاطره ما دستیابی به فناوری تولید، تکثیر و انجماد سلول های بنیادی بود. این رویداد، بهترین خاطره ای است که از آقای کاظمی دارم و آن را در همان زمان به حضور رهبر معظم انقلاب طی دیداری اختصاصی گزارش کردیم. همانطور که شاید گفته باشند و شنیده باشید، آقای دکتر کاظمی انسان شوخ طبعی بود، مثل من خشن و بداخلاق نبود. هر چند به وقت خودش قاطع بود ولی در مجموع شوخ طبع بود. از این جهت هم در میان دوستان مورد توجه بود. کاظمی مثل همگان زندگی می کرد اما مثل همگان کار نمی کرد؛ در کار، یک جهادگر واقعی بود.

از روحیه تدبیر ایشان گزارشات مفصلی داریم، از اعتقاد دکتر کاظمی به ذکر و دعا و ختم و نذر صلوات و مهمتر از آن ابعاد قرآنی، برای ما در این زمینه صحبت کنید!

به نکته خوبی اشاره کردید. فراموش کردم در این باره صحبت کنم. آقای دکتر کاظمی فوق العاده متدین بود. بسیار به شرعیات

و هم بیرون از مجموعه جهاد دانشگاهی فراهم بود؛ از جمله عنایات ویژه رهبر معظم انقلاب. وقتی که ما یعنی دوستان ما در پژوهشکده علوم سلولی یا همان رویان به تولید و تکثیر و انجماد سلول های بنیادی که اولین سلول هم سلول قلب بود توفیق یافتند، نتیجه کار را به محضر رهبر انقلاب ارائه کردند؛ ایشان در پاسخ گزارش آقای دکتر کاظمی فرمودند: باش تا صبح دولتت بدم!

کین هنوز از نتایج سحر است. خاطرم هست آقای دکتر کاظمی، وقتی این سخن را شنید، نتوانست تحمل کند و گریه اش گرفت.

این گریه به خاطر چه بود؟

به خاطر شوق و البته فشارها و زخم زبان ها. می دانید که زخم زبان از تیر سه شعبه هم دردناک تر و کشنده تر است. بخشی از آن گریه، گریه ذوق بود، بخشی هم سر باز کردن زخم ها بود.

به عنوان کسی که از نزدیک با او بودید قبول دارید که آن فقید سعید با بی خوابی های ممتد به خودش آسیب زد؟

نباید خدای ناکرده آقای دکتر کاظمی را سرزنش کنیم که چرا به خودت نرسیدی. برای اینکه دیگران باید به او می رسیدند. امثال من باید به او رسیدگی می کردیم، ما غفلت کردیم. کسانی که در سپهر مدیریت کشور هستند باید رصد کنند و ببینند آنهایی که خودشان را وقف کار کرده اند، مرده اند یا زنده هستند. در مورد کاظمی ما باید اینکار را می کردیم. تا قبل از اینکه ایشان برای آزمایشات قلب به بیمارستان مراجعه کنند، اصلاً اطلاع نداشتیم که مشکل قلبی دارد. ایشان هر روز صبح از ساعت ۷:۰۰ تا ۷:۳۰ صبح با من تماس می گرفت. گاهی فقط احوال پرسی می کرد، گاهی هم گزارش کار می داد. شب قبل از اینکه برای درمان قلب به بیمارستان مراجعه کند، تماس گرفت و گفت: «اگر فردا صبح با شما تماس نگرتم بدانید که برای آزمایش قلب به بیمارستان می روم» گفتیم: «مگر شما مشکل قلبی دارید؟» گفت: «بله، مدتی است قلبم تیر می کشد و قفسه سینه ام درد می کند». پرسیدم: «الآن کجا هستید؟» گفت: «الان ماشین را کنار اتوبان پارک کرده ام که به شما زنگ بزنم». پرسیدم چرا صدایتان ناراحت است؟ گفت: «بعضی مسائل به آدم فشار می آورد». در همان ایام بعضی ها داشتند علیه ایشان فضا سازی می کردند و او به همین خاطر خیلی مکدر بود. به او گفتیم: «ناراحت نباشید، اینها که کسی نیستند. ما از پس اینها برمی آیم. چرا تا الان به من نگفته بودید؟» طبیعی است که این فشارهای روحی، جسم را هم تحت تاثیر قرار می دهد. البته این نکته را هم باید بگوییم

مهمترین حمایت
رهبر معظم انقلاب
از مجموعه رویان
باور به دستاوردهای
رویان بود
که حتی مجموعه
علمی کشور
اعتقاد به
این دستاوردها نداشت
و بعدا برای آنها
صحت دستاوردهای رویان
اثبات شد



گفت‌وگو با دکتر حمیدرضا طیبی، رئیس پیشین جهاددانشگاهی

مهم‌ترین کار او روحیه خودباوری بود

گفت‌وگو

سیدحمیدرضا طیبی متولد ۱۳۳۷ و فارغ‌التحصیل دکتری برق در سال ۱۳۷۶ است. وی پیش از این در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ و همچنین از سال ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۱ رییس جهاددانشگاهی بوده است. از سوابق اجرایی او می‌توان ریاست جهاددانشگاهی واحد علم و صنعت، ریاست پژوهشکده برق جهاددانشگاهی را نام برد.

همان حمایت‌های معنوی است که با تدبیر مدیران رویان به ردیف بودجه تبدیل شد؛ کار بسیار درستی هم کردند. عملکرد بسیار ارزنده پژوهشگاه رویان در درمان ناباروری و اینکه در یک تحقیق علمی بیان شده که رویان جز ۱۰ مرکز موفق علمی و فناورانه در درمان ناباروری است و همچنین سایر دستاوردهای فناورانه در زمینه سلول درمانی از جمله تبعات خوب اقدامات زنده‌یاد دکتر کاظمی آشتیانی است. چنانکه وقتی فعالیت‌های جهاددانشگاهی برای رهبر انقلاب ارائه شد بسیار خوشحال شدند.

به باور جنابعالی، میراث علمی زنده‌یاد کاظمی آشتیانی برای توسعه اقتصادی و فرهنگی کشور چیست؟

میراث زنده‌یاد دکتر سعید کاظمی آشتیانی زمانی ماندگار می‌شود که مورد باور مسئولان ارشد و مدیران جامعه قرار بگیرد و تکثیر شود. تکثیر آن هم فقط زمانی امکان پذیر است که اراده کنیم کشوری الگو بسازیم که دارای اقتدار اقتصادی و اقتدار دفاعی دانش بنیان باشد. اقتداری که منجر به رفاه و امنیت داخلی و خارجی و قدرت سیاسی کشور شود. اقتدار اقتصادی دانش بنیان ما منجر به این شود که زیرساخت اقتصادی بسیاری از کشورها و به ویژه کشورهای دوست بر مبنای توسعه اقتصادی دانش بنیان جمهوری اسلامی شکل بگیرد. اگر این کار صورت نگیرد در بهترین حالت دکتر سعید کاظمی آشتیانی نیز به تک ستاره‌ای در آسمان ایران تبدیل می‌شود که اگرچه در زمان خود مهم بود و کار مهم کرد ولی کار او تأثیری در تحقق یک جامعه پیشرفته و مقتدر نداشت.

جهاددانشگاهی علم و صنعت به عنوان دو واحد جهاددانشگاهی در حوزه‌های پزشکی و مهندسی برمی‌گردد.

رهبر معظم انقلاب چه حمایت‌های ویژه‌ای از مجموعه رویان داشتند؟
مهمترین حمایت ایشان باور به دستاوردهای رویان بود که حتی مجموعه علمی کشور اعتقاد به این دستاوردها نداشت و بعدا برای آنها صحت دستاوردهای رویان اثبات شد؛ طبیعی هم بود. حمایت‌های معنوی رهبر معظم انقلاب با هوش و ذکاوت دکتر کاظمی و بعدها توسط همکاران خویش به دستاوردهای بسیار خوب مادی نیز منجر شد که باعث سرعت بیشتر توسعه رویان گردید.

حمایت‌های معنوی رهبر معظم انقلاب از مجموعه رویان منجر به این شد که مدیر بسیار باهوش و با ذکاوتی مثل زنده‌یاد کاظمی آشتیانی آن را تبدیل به حمایت مادی کند. بودجه امروز رویان حاصل

دکتر سعید کاظمی آشتیانی برای شما یادآور چیست؟

انسانی جهادی، مدیر و مدبر، مؤمن، انقلابی، شوخ طبع، خود باور و کاربلد. در آخرین جلسه شورای علمی جهاددانشگاهی ما کنار هم نشسته بودیم. دکتر کاظمی آشتیانی قدری احساس ناراحتی می‌کردند. پرسیدم چیزی شده؟ گفتند: «قدری ناراحتی معده دارم». به ایشان گفتم: من مهندس هستم و شما پزشک ولی گمان می‌کنم ناراحتی از قلبتان باشد، نه معده. مدتی بعد که مشخص شد ناراحتی قلبی دارند برای تست ورزش به بیمارستان رفتند که روی دستگاه تردمیل قلب‌شان به قدری تحت فشار گرفت که فریز شد ولی تیم احیاء نتوانست کاری از پیش ببرد. دکتر کاظمی آشتیانی و من از ابتدای تأسیس جهاددانشگاهی در این نهاد حضور داشتیم؛ اما ارتباط نزدیک ما به دوران ریاست ایشان بر جهاد علوم پزشکی ایران و پژوهشگاه رویان و دوران مسئولیت من در



مرحوم کاظمی آشتیانی
با تأسیس رویان به نوعی یکی از
آرزوهای کشور را
تحقق عینی و عملی بخشید.
چون راهگشایی بزرگی انجام داد؛
رویان یک کار گزین و بزرگ بود
که اعتماد به نفس نیاز داشت.
ورود به این حوزه به عزم جدی،
همت بالا، خستگی ناپذیری
و تلاش مستمر نیاز داشت.
چون رویان یک کار علمی بود
و در زمره جهاد علمی قلمداد می شود



گفت و گو با دکتر سعید پورعلی، معاون اسبق فرهنگی جهاد دانشگاهی

الگوی مطلوب به جای اسطوره

گفت و گو

این است که نام، آثار، ساختار سازی و فعالیت زنده یاد کاظمی آشتیانی نه تنها برای کشور و نظام علمی کشور بلکه برای جهاد دانشگاهی و جهادگران هم مایه غرور، مباهات و افتخار است. ما مفتخریم که زنده یاد سعید کاظمی آشتیانی به عنوان یکی از اعضای جهاد دانشگاهی این انتخاب گزین را انجام داد و این حوزه را به سرانجام رساند و ثمرات آن همچنان استمرار و ادامه دارد.

ویژگی های مدیریتی دکتر کاظمی آشتیانی چه بود؟

برای تحلیل شخصیت فردی مثل سعید کاظمی آشتیانی باید به چهار حوزه توجه کنیم؛ اول فرهنگ جهاد و جهاد دانشگاهی، دوم بسیج و فرهنگ بسیجی، سوم ساختار سازی در مؤسسه رویان و چهارم ویژگی شخصی و فردی ایشان. بخشی از ویژگی های شخصیتی فرد، وراثتی است و دکتر کاظمی آشتیانی در خانواده ای بسیار متدین، مذهبی و سالم رشد کرد که آن خمیرمایه وجودی خانواده همیشه در طول زندگی همراهش بود. بخشی از ویژگی ها هم به شرایط محیطی و زیستی فرد بازمی گردد.

نمی خواهم از استنباط های خودم صحبت کنم زیرا شاید این استنباط ابعاد وجودی کاظمی آشتیانی را به صورتی رسا بیان نکند به همین منظور از دیدگاه عالی ترین مقام معنوی، دینی و سیاسی کشور به این موضوع می پردازم تا ببینیم در دیدگاه مقام معظم رهبری فردی مثل کاظمی آشتیانی چه جایگاهی پیدا کرده است. مقام معظم رهبری در طول حیات عمر جهاد دانشگاهی هشت بار با جهادگران جهاد دانشگاهی دیدار داشته اند اما در سال ۱۳۸۶ طی اتفاقی ایشان به جهاد دانشگاهی تشریف آوردند و از پژوهشگاه رویان دیدار کردند. سعید کاظمی آشتیانی سال ۱۳۸۴ به رحمت خدا رفت و مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۶

کرده بود به گوش می رسید؛ اساساً این کار در یک فضای آرام و به دور از هیاهوهای رسانه ای دنبال شده بود زیرا آقای کاظمی آشتیانی اهل کار و پرتیرینی و نمایش نبود و تا کاری به نتیجه نمی رسید، آن را رسانه ای نمی کرد. پژوهشگاه رویان در سال ۱۳۸۲ گزارش فعالیت ها و پیشرفت های خودش را در حوزه ناباروری و سلول های بنیادی مطرح کرد و بسیاری از مردم از فعالیت های پژوهشگاه رویان مطلع شدند. بعد از انتشار این گزارش ها بود که نام دکتر کاظمی آشتیانی هم بیشتر رسانه ای شد. این رویداد به قدری مهم بود که وزیر علوم وقت در دیدار با مقام معظم رهبری گزارش پیشرفت کار را ارائه دادند و فضای علمی کشور تحت تأثیر این اتفاق قرار گرفت. پس از این رویداد موضوع رویان و مدیریت دکتر کاظمی آشتیانی و پیشرفت ها بیشتر مطرح شد و جهادگران جهاد دانشگاهی مفتخر به این همت جهادی، بیشتر پیگیر فعالیت های دکتر کاظمی آشتیانی بودند اما متأسفانه در سال ۱۳۸۴ دکتر کاظمی آشتیانی در یک اتفاق شهادت گونه دار فانی را وداع گفت. من بر اتفاق شهادت گونه، تأکید دارم زیرا به خاطر دارم که مقام معظم رهبری در یکی از بیانات لفظ شهید را در مورد زنده یاد کاظمی به کار بردند.

از چه زمانی با دکتر سعید کاظمی آشتیانی آشنا شدید؟

هسته اصلی و مرکزی جهاد دانشگاهی، حوزه فعالیت های فرهنگی است. من قبل از مسئولیت در مدیریت ارشد جهاد دانشگاهی با دکتر سعید کاظمی آشتیانی آشنا شدم. دیدگاه زنده یاد دکتر کاظمی آشتیانی در مورد جایگاه فعالیت های فرهنگی در جهاد دانشگاهی برای من همیشه جذاب بود. ایشان در جهاد دانشگاهی جزو مدیرانی بود که به اصالت کار فرهنگی در جهاد باور عمیق داشت. کشش و جذابیت دکتر کاظمی آشتیانی در حوزه های فرهنگی جهاد دانشگاهی بسیار برجسته بود زیرا نشان دهنده جامعیت نگاه ایشان به جهاد بود. طبیعتاً در این نگاه دانشجویان و فعالیت های دانشجویی و ایجاد محیط مستعد برای بروز و ظهور خلاقیت دانشجویان جایگاه ویژه داشت تا این نهاد به عنوان یک مجموعه حل کننده مسائل و مشکلات کشور معرفی شود. محیط دانشگاهی باید به گونه ای باشد که در آن مسئله یابی و حل مسئله حرف اول را بزند؛ همین موضوع سبب شد که دیدگاه ها و فعالیت های دکتر کاظمی آشتیانی را پیگیری کنم. به یاد دارم قبل از سال ۱۳۸۲ زمزمه های یک کار بزرگ که کاظمی آشتیانی در جهاد دانشگاهی شروع



در بازدید از رویان در مورد جهاد دانشگاهی، مؤسسه رویان و سعید کاظمی آشتیانی سخنان مهم و اساسی را ایراد کردند. اگر در رابطه با ویژگی‌های مدیریتی سعید کاظمی آشتیانی بخواهیم تحقیق و بررسی کنیم می‌توان از درون این صحبت‌ها ویژگی‌های مدیریتی ایشان را فهمید.

کاظمی آشتیانی یک جهادگر بود؛ کلمه «جهاد» و مشتقات آن در قرآن کریم ۳۱ بار و کلمه «حرب» و «قتال» به معنای جنگیدن چهار بار آمده است. بنابراین تفاوتی بین جهاد، قتال و جنگیدن وجود دارد. جهاد از ریشه جهد است ولی هر جهدی جهاد نیست اما هر جهادی قطعاً جهد است. جهد یک تلاش و کوشش شبانه‌روزی است که هر کسی برای رسیدن به اهدافش باید دنبال کند ولی جهاد فراتر از اینهاست چون جهد مشتق ریشه جهد است ولی جهد نمی‌تواند تمام ماهیت جهاد را بیان کند. جهد به عنوان ریشه معنایی یعنی فردی تمام وسع و توان خود را برای دستیابی به هدف خرج کند. وقتی دشمن مانع رشد، پیشرفت و تعالی فرد یا جامعه شود و عنصر ایمان و تقوا و معنویت در ضمیر فرد جهد کننده وجود داشته باشد و با باور به سنت‌های الهی حرکت کند؛ جهد تبدیل به جهاد می‌شود.

ما با دو مفهوم جهاد اکبر و جهاد اصغر آشنا هستیم و مقدس‌ترین وظیفه پیامبران (ع) هم جهاد است نه حرب و قتال. مقام معظم رهبری با جهادگران برای این نکته بسیار حرف دارند؛ می‌گویند شما نامتان جهاد دانشگاهی است و جهاد دانشگاهی یک جهت‌گیری و فرهنگ است و سازمان نیست. به باور من معنویت هم خمیرمایه این فرهنگ است یعنی فرهنگ جهادی یکی از آبشخورهای شخصیت سعید کاظمی آشتیانی به عنوان یک عضو جهاد دانشگاهی است و اگر این آبشخور را بشناسیم به سعید کاظمی آشتیانی بیشتر می‌توان نزدیک شد.

حلقه وصل همه دیدارهای مقام معظم رهبری با جهادگران مفهوم فرهنگ جهادی است؛ زمانی این استنباط تحقق عینی پیدا می‌کند که ایشان رویان و کاظمی آشتیانی را الگوی تبلور یافته فرهنگ جهادی معرفی می‌کنند.

به یاد دارم در دیدار سال ۱۳۸۶ مقام معظم رهبری در توصیف جهاد دانشگاهی بیان کردند که ما این نهاد را از اول براساس تقوا یافتیم و تا الان هم براساس تقوا بوده، تلاش کنید که در آینده هم براساس تقوا حفظ شود. به آیه ۱۰۸ سوره توبه استناد کردند که در مورد دو مسجد صحبت می‌کند؛ یک مسجدی که به پیامبر (ص) می‌گوید در آن نماز نخوان و یک مسجدی که به پیامبر (ص) می‌گوید برو و در آن نماز بخوان؛ چون اساس مسجد قبا بر تقوا بوده است. رهبری این چنین فضای معنوی جهاد دانشگاهی را تصویرسازی کردند که باید در این فضای فرهنگی بتوانید تنفس کنید.

در مورد آبشخور دوم شخصیت سعید کاظمی آشتیانی می‌توانیم به بسیج و فرهنگ بسیجی

که اعتماد به نفس نیاز داشت.

ورود به این حوزه به عزم جدی، همت بالا، خستگی‌ناپذیری و تلاش مستمر نیاز داشت. چون رویان یک کار علمی بود و در زمره جهاد علمی قلمداد می‌شود و به همین دلیل مؤسسه رویان تا امروز چه در ساختار و فضای سازمانی و چه در ارائه خدمت به مردم از نفس و روح کاظمی آشتیانی به عنوان یک سرمایه اجتماعی استفاده می‌کند.

تأثیر دکتر کاظمی آشتیانی بر جهاد دانشگاهی و فضای علمی کشور چه بوده است؟

مهم‌ترین پیام کاظمی آشتیانی برای جهاد دانشگاهی این بود که در فعالیت‌های جهادی انتخاب‌های گزین داشته باشید. انتخاب مسئله‌دار یعنی اینکه جهاد دانشگاهی به عنوان یک نهاد جهادی مسائلی را حل کند که برای کشور راهگشا و پیشران است و بتواند به توسعه کشور کمک کند و به مردم خدمات ارائه دهد. این عناصر را در کنار باور به علم، ایمان و تقوا قرار دهیم و به تعبیر مقام معظم رهبری کارهایی گزینی را انتخاب کنیم و با ترکیب علم، ایمان و تلاش آن کارهای گزین را جلو ببریم.

همانطور که از اسم جهاد دانشگاهی پیدا است باید بتواند حوزه‌های پیشرفت کشور را بازگشایی کند و نگذارد که دشمنان از جهت نیاز به کشور فشار وارد کند و این شاید یکی از مهم‌ترین پیام‌های کاظمی آشتیانی برای جهاد دانشگاهی بود.

زنده‌یاد کاظمی آشتیانی یک زیست مؤمنانه داشتند و با قرآن مأنوس بودند؛ به نظر شما این مبانی قرآنی در شکل‌گیری شخصیت ایشان چه تأثیری داشته است؟

یکی از اصلی‌ترین محورهای شکل‌گیری شخصیت کاظمی آشتیانی فرهنگ قرآنی بوده است. ریشه آبشخورهایی که بیان شد در فرهنگ قرآنی و انقلابی است. ایشان در کنار اینکه بسیار با قرآن مأنوس بودند و در مقطعی از زندگیشان علاوه بر تدریس قرآن به ادبیات و مسائل فرهنگی هم توجه داشتند و با شعر و ادبیات آشنا بودند زیرا یکی از تجلی‌گاه‌های برجسته قرآن کریم در شعر فارسی است.

انس با قرآن در شکل‌گیری شخصیت فردی، علمی و خانوادگی کاظمی آشتیانی بسیار تأثیرگذار بوده و این انس همراه با فهم و تدبیر بود. همانطور که مقام معظم رهبری در حوزه فعالیت‌های قرآنی اشاره کردند فعالیت‌های قرآنی شما باید همراه با فهم قرآن برای جامعه دانشگاهی باشد.

آیا خاطره‌ای از کاظمی آشتیانی دارید؟

در نشست‌ها و جلسات جمع جهادگران جهاد دانشگاهی همیشه ویژگی‌های کاظمی آشتیانی برای من جذاب بود؛ ایشان بسیار پر نشاط، اهل تعامل و صحبت‌های دقیق و راهگشا بودند. کاظمی آشتیانی در هر جمعی که بود به خاطر نشاطی که به لحاظ روحی داشت صدای آن جمع بلند بود.

اشاره کنیم. مقام معظم رهبری براساس مخاطب در جمع نخبگان، دانشگاهیان، جهادگران و به ویژه بسیجیان در دیدارهایی که هر ساله طی هفته بسیج در آذرماه با بسیجیان داشته‌اند به ذکر نام دکتر کاظمی آشتیانی استناد کرده‌اند که در خصوص شناخت شخصیت ایشان راهگشا است. ارکان و عناصر فرهنگ بسیجی عبارت است از مردمی بودن، تعهد داشتن، احساس مسئولیت، پرهیز از کارهای نمایشی و ویتروینی، اهل ابتکار عمل، امید به آینده، احساس توانایی کردن و پرهیز از عجز و ناتوانی از انجام کارهای بزرگ، اهل تدبیر و طراحی و در عین حال اهل ورود به میدان و عملیات میدانی بودن، نظم‌پذیری، عدم قانون‌گریزی، قدردان انقلاب و فضای انقلابی بودن، خدمتگزاری صادقانه و بی‌منت، طلبکار نبودن، تکلیف‌مداری، امانت‌داری و امین بودن، عقیف در مقام مسئولیت‌داری و زندگی، مقاوم در برابر فشارهای بیرونی به ویژه فشارهای که از ناحیه زورگویان، مستکبران و زیاده‌خواهان وارد می‌شود، پرهیز از تکبر و غرور، انقلابی بودن و در مقابل مسائل کشور بی‌تفاوت نبودن؛ اینها بخشی از ویژگی‌هایی است که مقام معظم رهبری برای فضای فرهنگ بسیجی قائل هستند.

در مورد رویان هم به عنوان یکی دیگر از آبشخورهای شکل‌گیری شخصیت کاظمی آشتیانی و به عنوان مؤسس می‌توانیم صحبت کنیم. اوج صحبت‌های مقام معظم رهبری در مورد ویژگی‌ها و شخصیت مدیریتی کاظمی آشتیانی را می‌توانیم در این صحبت خلاصه کنیم که ایشان در خصوص رویان گفتند که رویان و کاظمی آشتیانی مجموعه کاملی بود از آن چیزی که آدم دوست داشت و آرزو می‌کرد. کاظمی آشتیانی با تأسیس رویان به نوعی یکی از آرزوهای کشور را تحقق عینی و عملی بخشید. چون راهگشایی بزرگی انجام داد؛ رویان یک کار گزین و بزرگ بود



آیا منش و روش زنده‌یاد کاظمی آشتیانی تکثیر شد؟

الگوها باید تکثیر شوند ولی من معتقدم ما در این حوزه کارها و راه‌های نرفته زیادی داریم. خوشبختانه کاظمی آشتیانی از جمله شخصیت‌هایی بود که در زمان حیات خود به عنوان چهره ماندگار معرفی شد و اتفاقاً وقتی ایشان به عنوان چهره ماندگار معرفی شد رفتار بسیار درس‌آموز و ماندگاری داشت و جایزه خود را نتیجه کار گروهی قلمداد کرد حتی نیروهای خدماتی را در این توفیقی که به نام جهاددانشگاهی و کاظمی آشتیانی ثبت شد بی‌سهم نمی‌دید. ایشان رفتاری انجام داد که مقوم کار جمعی، جهادی و گروهی بود.

راه‌های نرفته وجود دارد؛ همین الان در رویان شخصیت‌های برجسته‌ایی هستند که پا جای پای سعید کاظمی آشتیانی گذاشته‌اند. خیلی‌ها که در اتمسفر وجودی سعید کاظمی آشتیانی غوطه‌خوردند و الان از آن روح الهام‌بخش همچنان متأثر هستند و تلاش می‌کنند که فضای کار و کوشش در رویان را متناسب با روحیات سعید کاظمی آشتیانی انجام دهند ولی راه نرفته و کار نکرده زیاد است.

به خاطر دارم خانم مرضیه برومند در مراسم تجلیل از دکتر منتظری در نقش ایشان در پیشرفت تئاتر کشور کار جالب و جذابی به منظور تقدیر انجام داد، به این صورت که وقتی دکتر منتظری روی سن آمد، با همان کت و شلواری که او پوشیده بود، شش تصویر تمام قد از دکتر منتظری طراحی کرده و دست شش هنرمند دادند که روی سن بیایند و شما همزمان روی صحنه هفت دکتر منتظری می‌دیدید. آقای منتظری از خانم برومند سؤال کرد چرا این کار را کردید؟ ایشان پاسخ داد: پیام من این است که شیوه مدیریتی فردی مثل دکتر علی منتظری در فضای هنر و فرهنگ کشور باید تکثیر شود. پیام کسانی مثل کاظمی آشتیانی باید تکثیر شود و جهاددانشگاهی، حوزه علمی و فناوری، آموزش و پرورش، مؤسسه رویان فضای این تکثیر است.

میراث کاظمی آشتیانی برای جهاددانشگاهی و کشور چیست؟

من فکر می‌کنم مهم‌ترین میراث کاظمی آشتیانی این است که اعتماد به نفس و امید داشته باشید و کارهای گزین را انتخاب کنید زیرا دوبار به کسی عمر داده نمی‌شود. برای اینکه مؤثر زندگی کنید باید کارهای گزین و راهگشا انتخاب کنید و با امید، اعتماد و اتکا به حمایت‌ها و هدایت‌های الهی پیش بروید.

ویژگی‌های شخصیتی سعید کاظمی آشتیانی را باید به صورت جامع دید تا بتوان سرمشقاً و سرچشمه‌های شکل‌گیری او را به خوبی شناخت و تبیین کرد. این نگاه جامع تحقق پیدا نمی‌کند مگر اینکه بتوانیم لایه‌های وجودی این شخصیت را شناسایی کنیم و الهام‌ها و ابلاغ‌های هر لایه را تبیین و در حقیقت بازنمایی کنیم.

کاظمی آشتیانی در مورد جهاددانشگاهی بسیار با غیرت و تعصب برخورد می‌کرد. یادم است در یک مقطعی کسی به ایشان گفته بود: شما دیگر سرت به سقف جهاددانشگاهی رسیده است و بهتر است که جای دیگری را برای خدمت انتخاب کنی؛ ایشان گفته بودند ما جهاددانشگاهی را ترک نمی‌کنیم بلکه سقف جهاددانشگاهی را جابه‌جا می‌کنیم

آشتیانی نوید آینده علمی کشور، فرزندان صالح انقلاب و از رویش‌های مبارک انقلاب بوده است. کاظمی آشتیانی بارها خود را به عنوان پیرو امام تعریف کرده بود و عنصر خدمت، با ارزش، جوان پاک، مؤمن، فاضل، کارآمد و ترکیب علم، ایمان و تلاش خستگی‌ناپذیری بود. او مجموعه کاملی را درست کرد که آرزوی کشور بود و هر کشوری دوست داشت که چنین مجموعه‌ای را داشته باشد. ما بعد از تلاش و کوشش‌های کاظمی آشتیانی جز ۱۰ کشور پیشران این حوزه علمی در سطح جهان شدیم.

او افتخار ملی است و هیچ کدام از این ویژگی‌ها جنبه‌های اسطوره‌ای را ندارد. زیست کاظمی آشتیانی اینطور بوده که در این محورها و چارچوب‌ها باید نگاهشان کرد. کاظمی آشتیانی در خانواده هم همین ویژگی‌ها را داشت یعنی انسانی اهل خانواده بود و در رفاقت هم فردی بود که فضای رفاقت را می‌شناخت و رفیق بود. ویژگی‌های مدیریتی او می‌تواند برای هر مدیری درس‌آموز باشد.

نگاه اسطوره‌ای به کاظمی آشتیانی وجود ندارد بلکه این نگاه برآمده از واقعیت‌های وجودی کاظمی آشتیانی است و اینها بیان مکرری از کسانی است که او را می‌شناختند و با او زیست کرده بودند. ایشان آرزو می‌کرد که این کشور از نفت فروشی رها شود و به سمت تولید علم، فناوری و دانش برود.

کاظمی آشتیانی جان نوین در تن حرف کهن است. اگر نگاه معاصر به کاظمی آشتیانی می‌کنیم یا حرف اندیشیده و مبتنی بر مبانی نظری می‌زنیم فراموش نکنیم که جان کهن کاظمی آشتیانی منبع این نگاه است. کسی در مورد کاظمی آشتیانی حرف غلوآمیز، فرازمینی و فرا انسانی نمی‌زند بلکه حرفی مبتنی بر تجربه زیسته است. خوشبختانه کاظمی آشتیانی مانند سردار قاسم سلیمانی تجربه زیسته ما است.

در مورد جهاددانشگاهی بسیار با غیرت و تعصب برخورد می‌کرد. یادم است در یک مقطعی کسی به ایشان گفته بود: شما دیگر سرت به سقف جهاددانشگاهی رسیده است و بهتر است که جای دیگری را برای خدمت انتخاب کنی؛ ایشان عبارتی به کار برد که نشان دهنده نوع چشم‌اندازشان بود؛ گفت ما جهاددانشگاهی را ترک نمی‌کنیم بلکه سقف جهاددانشگاهی را جابه‌جا می‌کنیم. اگر سقف کوتاه شود، باید سقف را بالا برد.

ایشان پیشنهادهای بسیار زیادی برای مسئولیت داشتند ولی هیچ وقت فعالیت در جهاددانشگاهی را انتخاب دوم یا سوم خودشان قرار ندادند. البته همزمان در راه‌اندازی برخی مؤسسات و نهادها در نقاط مختلف کشور هم نقش داشتند مثلاً بیمارستان کیش را بنیان‌گذاری کرد.

بنابراین ایشان هرکجا که بود منشأ نشاط، فعالیت، فضای تعامل و جابه‌جا کردن سقف برای و فضا سازی و فعالیت‌های نو بود. کاظمی آشتیانی از فرصت‌های جلسات استفاده می‌کرد تا جهاددانشگاهی را گام به گام به صورت تدریجی به سمت مرزهای جدید هدایت کند. پژوهشگاه رویان مرزهای دانش را جابه‌جا کرد و در حقیقت نگاه ایشان به جهاددانشگاهی جابه‌جایی مرزها و بالا بردن سقف‌ها بود.

راه و منش کاظمی آشتیانی چگونه تکثیر می‌شود تا شاهد حضور کاظمی آشتیانی‌های بیشتری باشیم؟

ما در مورد شخصیتی صحبت نمی‌کنیم که قرن‌ها از ما فاصله داشته است بلکه در کنار ما بوده و با او نشست و برخاست داشتیم. کاظمی آشتیانی یک انسان بود با تمام ویژگی‌های یک انسان. البته یکی از کارکردهای اسطوره، ایجاد انگیزه حرکت، تلاش و چشم‌اندازی است ولی آقای کاظمی آشتیانی بیش از اینکه یک اسطوره باشد یک الگوی مطلوب است. نمونه‌ای از کسی که در فضای جهاددانشگاهی نفس کشید و در فضای رویان رشد کرد و در چنبره‌ای از فرهنگ بسیج حرکت انجام داد.

سخن گفتن از کاظمی آشتیانی هیچ‌وقت رنگ و بوی سخن گفتن از یک اسطوره را هیچ‌وقت پیدا نکرده است. رهبر انقلاب درباره شخص کاظمی آشتیانی نزدیک به ۲۰ ویژگی را برشمردند. به نظرم این لفظی که کاظمی آشتیانی یک الگوی بزرگ، دانشمند مؤمن و جهادگر بوده یک لفظ اسطوره‌ای نیست. ما ویژگی‌های فرازمینی را به کاظمی آشتیانی ندادیم و نمی‌دهیم.

یعنی می‌فرمایید که نباید از ایشان اسطوره‌سازی کرد؟

قطعاً باید مراقبت کنیم که به عنوان یک انسان دست نیافتنی مطرح نشود. ایشان بلند همت، نخیه برجسته، کانون امید و ابتکار آفرینی بود و آثار ایشان در قالب فعالیت‌های علمی و ساختار سازی مشخص است. کاری مثل رویان را نمی‌توان بدون ابتکار و امید پیش برد. کاظمی

چگونه وارد جهاد دانشگاهی شدید و آشنایی شما با زنده یاد کاظمی آشتیانی چگونه آغاز شد؟

آقای دکتر کاظمی آشتیانی قبل از انقلاب در دانشگاه پذیرفته شده بودند اما من اولین ورودی بعد از انقلاب در دانشکده علوم توانبخشی بودم. وقتی برای ثبت نام به دانشگاه آمدم، دکتر کاظمی آشتیانی مسئول امور دانشجویان دانشکده توانبخشی بود. همزمان با تحصیل و طی کردن دوران دانشجویی، این مسئولیت اجرایی را هم داشت. اولین آشنایی ما در همان دانشکده آغاز شد. بعد از ادغام دانشکده توانبخشی با مرکز پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران ایجاد شد. آقای دکتر وثوق و آقای دکتر گورابی از مرکز پزشکی، آقای دکتر کاظمی و من از دانشکده پزشکی در جهاد دانشگاهی واحد علوم پزشکی ایران باهم همکاری شدیم. جهاد دانشگاهی یک ظرف است. مدیران اجرایی باید بستری ایجاد کنند که جوانان رشد کنند. زنده یاد دکتر سعید کاظمی آشتیانی فضایی ایجاد کرد که دانشجویان و فارغ التحصیلان مستعد بتوانند استعدادشان را بروز بدهند.

شاید برای شما عجیب باشد ولی هر روز که وارد این مجموعه می شوم احساس می کنم جای او خالی است؛ انگار به تازگی از بین ما رفته است. پژوهشگاه رویان صدقه جاریه زنده یاد دکتر کاظمی آشتیانی است. امروز از ثمرات نهالی استفاده می کنیم که دکتر کاظمی آشتیانی سال ها پیش کاشت. عده ای گمان می کنند که رویان با حمایت های بیرونی آغاز شد اما در واقع، آقای کاظمی اول کاظمی شد، بعد از آن رویان شد. این نکته بسیار مهم است.

اینطور نبود که رهبر انقلاب زنده یاد دکتر کاظمی را بشناسند و به او بگویند بروید جلو من پشت سر شما هستم. اینطور نبود که بگویند این پول این ساختمان این حمایت و... بروید بی دغدغه کار کنید؛ اصلاً اینطور نبود. شخصیت و موقعیت علمی، فرهنگی و مدیریتی دکتر کاظمی همراه با پیگیری ها و تلاش های شبانه روزی منجر به شکل گیری این مجموعه شد. کسی به ایشان نگفت بروید مرکز ناباروری راه بیندازید ما هم پشت سر شما هستیم. مرکز ناباروری راه افتاد و جان گرفت، بعد مورد حمایت واقع شد. ما هم قدردان این حمایت ها هستیم. زمین حاصلخیزی بود که از خودش آب داشت؛ متوجه عرض هستید؟

چشمه بود!

بله چشمه بود. انصافاً آقای دکتر منتظری هم در این مسیر اعتماد کردند. رهبر معظم انقلاب سنگ تمام گذاشتند. اما نکته مهمی که نباید از آن غافل شوید این است که اگر با خدا معامله کنید، اوست که عزت می دهد. «قُلِ اللَّهُمَّ مَلِكُ

**گفت و گو با دکتر عبدالحسین شاهرودی
رئیس پژوهشگاه رویان**

نهالی که باغ شد

◆ گفت و گو ◆

دکتر عبدالحسین شاهرودی متخصص جنین شناسی و عضو هیات امنای جهاد دانشگاهی است که مسئولیت معاونت پژوهشی و آموزشی رویان و فعالیت در حوزه از بدو شکل گیری و تاسیس پژوهشگاه را در کارنامه دارد.





میراث او موسسه‌ای است که از حیث آموزشی و پژوهشی، جایگاه بین‌المللی دارد. رسیدن به این هدف، بستگی به دو چیز دارد: توفیق الهی و همت بلند که خداوند هر دو را به زنده‌یاد دکتر کاظمی آشتیانی داده بود. او باور داشت وقتی که می‌خواهیم کار بزرگی بکنیم، باید تیمی هم‌صدا داشته باشیم. یکی از دغدغه‌های او تشکیل همین تیم هم‌صدا بود. دکتر کاظمی آشتیانی با گذشت از خودش، وقتش و وقت خانواده‌اش، انرژی صرف کرد تا این تیم را همراه کند. این نهال مبارکی که شما امروز شاهد آن ثمرات آن هستید، سال‌ها پیش با نیت خیر و همت بلند آن زنده‌یاد کاشته شد که درمان ناباروری یکی از شاخه‌های آن است. مرکز درمان ناباروری رویان در سطح جهانی شناخته شده است. در کنار مرکز درمان ناباروری، پژوهشکده تولید مثل در زمان حیات زنده‌یاد کاظمی آشتیانی شکل گرفت. تمام پژوهش‌های مرتبط با درمان ناباروری در همین پژوهشکده انجام می‌شود.

درمان‌های پیشرفته ناباروری از نظر علمی توسط دو گروه به طور هم‌زمان در ایران آغاز شد. شاید قبل از آن هم بعضی متخصصین قدم‌هایی برداشته بودند ولی از نظر علمی با ادبیات جدید، جهاد دانشگاهی واحد علوم پزشکی ایران و دانشگاه علوم پزشکی یزد با هم این کار را آغاز کردند. چون شرایط مالی دانشگاه علوم پزشکی یزد بهتر از جهاد دانشگاهی بود، زودتر افتتاح شد ولی مجموعه رویان اولین در تهران بود.

تفاوت نگاه دکتر کاظمی با دیگران اینجا مشخص می‌شود که ما الآن بیش از ۱۰۰ مرکز درمان ناباروری در کشور داریم. اگر به این مراکز مراجعه کنید خواهید دید که بچه‌های فعال در این مراکز یا پایان‌نامه‌شان را یا در رویان گذارده‌اند یا در دوره‌های تخصصی کوتاه مدت رویان شرکت کرده‌اند یا دانشجوی رویان بوده‌اند. این بچه‌ها هر کدام به نوعی در توسعه این دانش با رویان ارتباط داشته‌اند. ما این حس را داریم که در توسعه این دانش سهیم هستیم.

فرمودید: زنده‌یاد کاظمی آشتیانی در دهه شصت برای پاسخ به یک نیاز ملی، با همراهی یک تیم هم‌صدا فعالیتش را آغاز کرد...

بله این کار با عظمت را آغاز کرد. در خردادماه سال ۱۳۷۰ با حضور وزیر وقت بهداشت درمان و آموزش پزشکی مرکز درمان ناباروری افتتاح شد. نهالی که ۳۲ سال پیش کاشته‌شد، امروز مجموعه معتبری در سطح ملی و بین‌المللی است. مجموعه رویان، خودش هم در زمینه‌های پژوهشی و تحقیقاتی زایش‌هایی داشته است. یکی از این رویش‌ها، پژوهشکده سلول‌های بنیادین است.

یاد گرفتید؟ حاصل سه سال رفت و آمد شما به اینجا چه بود؟ یک تکنیک یاد گرفتید؟ در یک مبحث علمی حرف اول را می‌زنید؟ بلند هستید حرف بزنید؟» یکی از منش‌های زنده‌یاد دکتر کاظمی آشتیانی این بود که در دل کار از شاگرد، استاد می‌ساخت. کسی که با او همکاری می‌کرد، کار یاد می‌گرفت و یک توانمندی به توانمندی‌های او اضافه می‌شد.

پژوهشگاه رویان در حال حاضر چه خدماتی را ارائه می‌دهد؟

رویان برای پاسخ به یک نیاز جامعه در دهه ۶۰ شکل گرفته است. مسائل فرهنگی و شرعی بر مسیر درمان ناباروری سایه می‌اندازد. قبل از شکل گیری رویان بیماران نابارور مجبور بودند برای درمان به خارج از کشور مراجعه کنند. البته رفتن به خارج از کشور برای درمان این، برای عموم مردم به خاطر هزینه‌های گزافی که داشت مقدور نبود. دکتر کاظمی آشتیانی در ابتدا مسئول پژوهش و تحقیق جهاد دانشگاهی واحد علوم پزشکی ایران بود و بعدها رئیس واحد شد. در آن دوران درمان ناباروری را در دستور کار قرار داد و با تعدادی از دوستان کار را پیش برد.

گام نخست، درمان بود. اما مزیت دکتر کاظمی آشتیانی این بود که بلند بلند فکر می‌کرد و ایده‌هایش را با دیگران به اشتراک می‌گذاشت. این به اشتراک گذاری موجب می‌شد که ایده‌هایش پخته شوند. رویان ماموریتی نبود که به دکتر کاظمی آشتیانی محول بشود. بلکه او احساس کرد که این یک نیاز است. یک وقت هست که شما وزیر بهداشت و درمان کشور هستید. موظفید که برای حوزه بهداشتی و درمانی فکر کنید، کار کنید، رصد کنید و در یک کلام تمام جوانب حوزه مسئولیتی خود را مدیریت کنید؛ چون این وظیفه را به شما سپرده‌اند. اما یک وقت هست که بر مبنای خلاقیت خودتان کار می‌کنید. علاوه بر این، رویکرد او صرفاً ارائه خدمات نبود. بلکه می‌خواست این علم را بشناسد و بشناساند. به همین خاطر، آموزش و پژوهش را هم در کنار خدمات تخصصی پیگیری کرد.

اگر کشوری در یک زمینه به لبه فناوری برسد، فوت و فن‌های دانش فنی خود را منتشر نمی‌کند. این مقالات و کتاب‌هایی که منتشر می‌شوند مطالبی هستند که به صورت مدیریت شده بیرون می‌آیند. زنده‌یاد کاظمی هم می‌دانست که اگر بخواهد به لبه دانش برسد، باید خودش پژوهش کند. یکی از اهداف پژوهش، پرورش نیروی انسانی بود تا هر کدام از آنها به تنهایی کانون یک حرکت علمی جدید در کشور بشوند.

رسالت جهاد دانشگاهی این است که دانشجویان را از دانشگاه تحویل بگیرد، به آنها مهارت بیاموزد و به جامعه تحویل بدهد. گام بزرگ رویان با این دیدگاه‌ها برداشته شده است.

شاید برای شما عجیب باشد ولی هر روز که وارد این مجموعه می‌شوم حس می‌کنم جای او خالی است؛ انگار به تازگی از بین ما رفته است. پژوهشگاه رویان صدقه جاریه زنده یاد دکتر کاظمی آشتیانی است. امروز از ثمرات نهالی استفاده می‌کنیم که دکتر کاظمی آشتیانی سال‌ها پیش کاشت

أَلْمَلِكُ تُوتِي أَلْمَلِكُ مَن تَشَاءُ وَتَنْزِعُ أَلْمَلِكُ مِمَّن تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَن تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَن تَشَاءُ بِيَدِكَ أَلْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (آل عمران/۲۶)

بسیاری افراد بودند که نمی‌خواستند کاظمی رشد کند. تعداد کسانی که حمایت کردند از تعداد کسانی که راه رویان سنگ انداختند بسیار کمتر بود، در سطوح مختلف؛ اما خداوند به نیت خیر و همت عالی برکت می‌دهد. عزت رویان بخاطر زنده یاد کاظمی آشتیانی است؛ برای کار کردن از هیچکس اجر و مزد نمی‌خواست. حالا چند سال از فوت ایشان گذشته است؟

۱۸ سال.

با اینکه تا به حال دکتر کاظمی آشتیانی را ندیده‌اید، چه حسی از صحبت ما به شما منتقل شد؟ حس می‌کنید که او چه وقتی از جمع ما رفته است؟

حس می‌کنیم حاضر است.

نه تنها شما این حس را دارید، ما هم این حس را داریم. هر کسی وارد این مجموعه می‌شود حس می‌کند دکتر کاظمی آشتیانی اینجا است. این حضور کار کیست؟ کار من و دیگران است؟ با حضور کار خیر خود اوست؟ متأسفانه هنوز نتوانسته‌ایم این مفهوم را به فرزندانمان منتقل کنیم. نتوانسته‌ایم چنین نسلی تربیت کنیم. ما اعضای جهاد دانشگاهی که ادعا داریم در یک ساختار مقدس و انقلابی کار می‌کنیم، باید این مفاهیم را به تعداد بیشتری از جوانان منتقل کنیم. البته نه تنها مجموعه ما بلکه نهاد تعلیم و تربیت و دانشگاه‌های ما باید چنین باشند. پژوهشگاه‌ها و پژوهشکده‌های ما هم اینطور باشند. همیشه از دانشجویهای رویان سوال می‌کنم: «در مدتی که اینجا بودید چه چیزی

شده است. بعد از فوت دکتر کاظمی آشتیانی این بحث مطرح شد که در زمینه بیولوژی و سلول‌های بنیادی جایزه‌های مثل نوبل در اندازه خودمان اختصاص بدهیم. این جایزه در سطح بین‌المللی به افراد مؤثر در این حوزه اعطا می‌شود. تمام پنج برنده این جایزه، دانشمندان بزرگ و طراز اول این حوزه در دنیا هستند.

کاربرد انسانی این دانش چیست؟

بسیاری از بیماری‌ها را با همین تکنیک‌های دستکاری ژنتیکی می‌توان درمان کرد. اگر این دانش را داشته باشید، می‌توانید این درمان را انجام دهید. حیوان یک بهانه و تمرین است تا در مراحل بعدی همین فرآیند درمانی را روی انسان انجام بدهیم. این عرصه بسیار نو و جدید است. بسیاری از این موضوعات در سطح جهانی در حد تحقیق هستند. زمانی که کار درمان ناباروری آغاز شد تمام پروتکل‌های ما، ابتدایی و اولیه بودند. اما امروز پروتکل‌های پیشرفته در حال جایگزینی‌اند. در ابتدا با IVF یا لقاح خارج از رحم بیماران را درمان می‌کردیم. یک مرحله پیشرفته‌تر این است که هم تخمک و هم اسپرم را در محیط آزمایشگاه با هم ترکیب کنیم. از این هم فراتر، انتقال یک اسپرم به درون یک تخمک است. بعد که چنین شکل گرفت، می‌خواهید بدانید که سالم است یا ناسالم. اگر یک سلول جنین را خارج کنید و از نظر ژنتیکی بررسی کنید، خواهید دانست که سالم است یا نه. این دانش، روز به روز در حال گسترش است. اینطور نیست که بگوییم ما به دانش فنی درمان ناباروری رسیده‌ایم، حالا دیگر پژوهش تمام شد، برویم سراغ درمان. پژوهش و درمان در کنار هم هستند. امروز همین تکنیک درمان ناباروری که روزی فقط برای درمان ناباروری استفاده می‌شد، کاربردهای دیگر هم دارد. کسانی که به سرطان مبتلا می‌شوند قبل از شیمی درمانی سلول‌های جنسی شان را منجمد می‌کنند تا بعدها از آن استفاده کنند. این علم هر روز یک زایش جدید دارد و جریانی پویاست. این مطالب مربوط به پژوهش‌های حوزه تولید مثل بود. تجربیات این حوزه منجر به ایجاد پژوهشکده مجزایی به نام سلول‌های بنیادین شد. اگر تجربه درمان ناباروری نبود، به دانش دستکاری سلول هم نمی‌رسیدیم. کاربرد این علم هم درمان بیماری صعب‌العلاج است. از یک سلول بنیادین می‌توان یک سلول قلبی ساخت؛ حتی یک قلب ساخت. البته هنوز ساخته نشده ولی گفته می‌شود که تا سال ۲۰۵۰ قطعات یدکی انسان ساخته خواهد شد. چه کسی می‌تواند قلب تولید کند؟ کسی که از سال‌ها قبل در این علم سرمایه‌گذاری کرده باشد. این علم، دانشی نیست که بتوانید در مدت کوتاهی به آن برسید. قابل واردات هم نیست. چه کسی این کار را در کشور آغاز



کارها در حد میکرون است.

ناباروری، بیوتکنولوژی و سلول بنیادی از موضوعات جدید علم هستند. یکی از الطاف خداوند این بود که فعالیت در این حوزه را روزی ما کرد. دقت و دوراندیشی دکتر کاظمی به جای خود ولی نباید فراموش کنیم که علم، رزق است. مراکز درمان ناباروری بسیاری در کشور وجود دارند که کارهای روتین انجام می‌دهند. تفاوت رویان با باقی مراکز این است که تلاش می‌کند خودش را به روز نگه دارد. زمانی که جشنواره رویان را راه انداختیم، اولین کشوری بودیم که اعلام کردیم به تحقیقات مهم این حوزه جایزه می‌دهیم. این نگاه موجب می‌شود به روز باقی بمانیم. با این نگاه است که برای فعالیتی پژوهشی مثل مجله و کتاب هزینه می‌کنیم. تا امروز ۲۳ دوره جشنواره رویان برگزار شده است. پنج دوره هم کاظمی پرایز برگزار

پژوهشکده بیوتکنولوژی یکی دیگر از آنهاست. این دو پژوهشکده از تجربه درمان ناباروری و تولید مثل رویدند.

در کنار پژوهشکده سلول‌های بنیادین، مرکز سلول درمانی هم ایجاد شد. در کنار پژوهشکده بیوتکنولوژی، مرکز بیوتکنولوژی قرار گرفت. هنر دکتر کاظمی آشتیانی این بود که به کسانی که با او کار می‌کردند، نگاه سیاسی نداشت. با کسانی کار می‌کرد که اولاً توانمند باشد، ثانیاً دلسوز کشور باشد و بخواهد خدمتی به مردم ارائه کند. اگر چنین کسی را پیدا می‌کرد، بستری برای رشد استعدادهای او مهیا می‌کرد تا بالنده شود. تعدد این بالندگی‌ها، منجر به بالندگی کشور می‌شود. برای مثال آقای دکتر نصر به عنوان متخصص در اصفهان مشغول به کار بودند. دکتر کاظمی آشتیانی به ایشان گفتند نیروی ما باشید آنجا کار کنید. حاصل فعالیت‌های آقای دکتر نصر در اصفهان پژوهشکده تولید مثل است که امروز بیش از ۸۰ نفر در آن مشغول به کار هستند. آقای دکتر نصر اولین شبیه‌سازی و حیوانات تراریخت و تکثیر حیوانات با پتانسیل ژنتیکی خوب را در منطقه غرب آسیا به ثبت رساندند.

این پژوهشکده‌ها چه دانش‌هایی تولید کرده‌اند؟ وقتی می‌گوییم یک ماهواره ایرانی موفق شد از جو خارج شود، شاید برای ما خبر چندان مهمی باشد ولی برای اهل آن علم بسیار معنادار است. مشتاقم بفرمایید فعالیت پژوهشکده‌های ذیل رویان چه هستند؟

در میانه دهه ۸۰ گوسفند شبیه‌سازی شده‌ای به نام رویان در پژوهشکده اصفهان تولید شد. آن گوسفند یک سمبل بود، یک حرکت و یک قدم. محصولی ملموس اما در پشت صحنه دانش بیوتکنولوژی خوابیده است. این دانش از کجا آمد؟ از تجربه جنین شناسی که در ابتدای راه درمان ناباروری و تولید مثل شکل گرفت. اگر تجربه درمان ناباروری و تحقیق بر تولید مثل را نداشتیم شاید هیچگاه به دانش تولید گوسفند شبیه‌سازی شده نمی‌رسیدیم. علاوه بر این، دانش جنین شناسی و دانش تولید مثل این اعتماد به نفس را به این جوانان دانشمند داد که بتوانند در این عرصه کار کنند. البته نقش دکتر کاظمی آشتیانی در شناسایی این جوانان بسیار مهم بود. اولاً جوانان مستعد را شناسایی می‌کرد، به آنها اعتماد می‌کرد، میدان می‌داد و حمایت می‌کرد. شبیه‌سازی یعنی یک سلول را از یک گوسفند بردارید، هسته‌اش را جدا کنید، آن را در یک تخمک بدون هسته قرار بدهید تا یک جنین شکل بگیرد. بعد از اینکه جنین شکل گرفت، به یک گوسفند حامل منتقل می‌شود؛ اصطلاحاً به یک رحم اجاره‌ای. یعنی از یک سلول، می‌توان یک موجود ساخت. تمام این

اگر تجربه درمان ناباروری نبود، به دانش دستکاری سلول هم نمی‌رسیدیم. کاربرد این علم هم درمان بیماری صعب‌العلاج است. از یک سلول بنیادین می‌توان یک سلول قلبی ساخت؛ حتی یک قلب ساخت. البته هنوز ساخته نشده ولی گفته می‌شود که تا سال ۲۰۵۰ قطعات یدکی انسان ساخته خواهد شد



رسالت جهاد دانشگاهی
این است که دانشجویان را
از دانشگاه تحویل بگیرد،
به آنها مهارت بیاموزد
و به جامعه تحویل بدهد.
گام بزرگ رویان
با این دیدگاه‌ها برداشته شده است.
میراث او موسسه‌ای است که
از حیث آموزشی و پژوهشی،
جایگاه بین‌المللی دارد.
رسیدن به این هدف، بستگی به
دو چیز دارد: توفیق الهی و همت بلند

بزرگی است. کار رویان صرفاً ارائه خدمات نیست. اینجا هم نیروی انسانی متخصص تربیت می‌شود، هم دانش تولید و منتشر می‌شود. طبق تحقیقات ۲۰ ساله یک مجله آمریکایی در سال‌های اخیر، ده مرکز علمی به عنوان سرآمدان علم معرفی شدند که یکی از آنها رویان است. آن مجله دوست و رفیق ما نبود، گزارشش بر مبنای مستندات بود. این عزت چطور برای رویان، برای جهاد دانشگاهی و برای ایران به دست آمد؟ با یک تلاش مستمر جهادگونه. همواره به دوستان می‌گویم: رمز موفقیت ما معنویت توأم با تلاش است. باید ظاهر و باطن ما همصدا باشد، نه تنها در فرد بلکه در جمع یعنی یک جمع صادق و ساعی. البته نباید گمان کنید که این راه به سادگی و راحتی طی شده است. در این مسیر با چالش‌های بسیار زیادی مواجه بودیم.

مهم‌ترین چالشی که با آن مواجه شدید چه بود؟

همان مثال معروف قطار! که وقتی ایستاده است کسی کاری به کار قطار ندارد اما امان از وقتی که حرکت کند، همه سنگ بر می‌دارند. روزی که بانک خون بند ناف راه افتاد بسیاری از پیشکسوتان این رشته علیه رویان صحبت کردند. چون در همان سال یعنی سال ۱۳۸۲ بیش از ۶۰۰ میلیون تومان بودجه دولتی به این کار تخصیص داده شده بود اما رویان این کار را با ۵۰ میلیون انجام داد. جالب اینکه با همان ششصد میلیون هم نتوانستند بانک خون را راه بیندازند. بانک خون بندگانف مربوط به بخش خصوصی است که شریک رویان است. منافع خوبی هم دارد. ما الان بیش از ۱۰ شرکت دانش بنیان در زیر مجموعه رویان داریم. چالش دیگری که با آن مواجهیم گران شدن ارز است که البته از مشکلات عمومی کشور است.

برقرار کرد. دکتر کاظمی احساس می‌کرد اگر این ارتباط را با علما ایجاد نکند، ممکن است در میانه راه مشکلاتی پیش بیاید که منجر به انحراف شود. در واقع، از زمانه خودش جلوتر بود. قبل از اینکه مشکلات بخواهند او را به چالش بکشند، برای حل و فصل آنها تدبیر می‌کرد. الحق و الانصاف حمایت معنوی رهبر معظم انقلاب از مجموعه جهاد دانشگاهی و رویان بی‌نظیر است. رهبر انقلاب، دکتر کاظمی را دوست داشت. این نکات را از این باب گفتم که بدانید یک سری از دلایل دست به دست هم می‌دهند تا یک کار خیر اتفاق بیفتد. بعد از اینکه اولین گام‌های سلول‌های بنیادین برداشته شد، خیلی‌ها تلاش کردند که علیه این فعالیت فضا سازی کنند. آنها دستیابی به چنین دانشی را از اساس منکر شدند. اما رهبری به خوبی دریافتند که ادعای مجموعه رویان کذب نیست و ما به دانش روز رسیده‌ایم. ایشان آینده علم را در این کارها می‌دیدند و می‌بینند. شاید انتظار رهبری را برآورده نکرده باشیم ولی تلاش کردیم و می‌کنیم که اعتماد ایشان به مجموعه از بین نرود. نظر رهبر معظم انقلاب این است که جهاد دانشگاهی باید کارهای گزین انجام بدهد. در کار گزین هم اصرار دارند که عمیق وارد بشویم. اصطلاحی که رهبری درباره موضوع سلول‌های بنیادین به کار بردند بسیار جالب است. فرمودند: «هر کار جدیدی که شما به آن می‌رسید یک جبهه علمی جدیدی است». زنده‌یاد دکتر سعید کاظمی آشتیانی با تلاش برای درمان ناباروری کار را آغاز کرد؛ اما امروز علاوه بر درمان ناباروری در درمان سرطان، در سلول درمانی، در درمان دیابت در بیوتکنولوژی در آموزش فعالیت می‌کنیم. دو هزار دانشجو از رویان فارغ التحصیل شده‌اند. این عدد برای همچین موسسه‌ای با سه دهه فعالیت عدد

کرد؟ دکتر کاظمی! الان ما مرکز ژن درمانی داریم و مرکز درمان دیابت. ما از یک اتاق اجاره‌ای در کوچه آرژانتین در خیابان حافظ به یک ساختمان در زعفرانیه رفتیم. امروز یک مجموعه بزرگ داریم که شعب، پژوهشکده، مراکز و دفاتر متعددی در سطح کشور دارد. هر عمل خیری که در این مجموعه اتفاق بیفتد، به زنده‌یاد کاظمی می‌رسد. یکی از آرزوهای دکتر کاظمی این بود که ما بتوانیم روزی کتاب‌هایی بنویسیم که در رشته خودمان مرجع دانش جهانی باشد. الان به مرحله‌ای رسیده‌ایم که انتشارات رویان کتاب‌های مرجع منتشر می‌کند. دکتر کاظمی آرزو داشت به جای اینکه ما برای مجلات معتبر خارجی مقاله بفرستیم، دانشمندان خارجی برای مجله ما مقاله بفرستند. الان دو مجله داریم که در سطح بین‌المللی ایندکس می‌شوند و دانشمندان خارجی به مجله ما مقاله می‌دهند.

حمایت‌های رهبر معظم انقلاب از مجموعه رویان از چه زمانی آغاز شد؟

جهاد دانشگاهی، مجموعه‌ای مقدس است. ممکن است فرهنگ‌ها و زمان تأثیراتی بر این نهاد بگذارند ولی اگر با دیدگاهی کلان نگاه کنید خواهید دید که این مجموعه بسیار مقدس است. دکتر کاظمی آشتیانی در این محیط ساخته شد. نوع کار ما با مسائل دینی، شرعی و فرهنگی ارتباطات ویژه‌ای داشت. الان بعد از بیش از ۳۰ سال از شروع کار بعضی از مسائل شرعی جدید در حال پیش آمدن است؛ مثل اهدای جنین، اهدای گامت، اهدای اسپرم، اهدای تخمک. چون این مسائل به اصطلاح مستحده هستند، نیازمند فتاوی جدیدند. دکتر کاظمی آشتیانی به خاطر این حساسیت‌های شرعی، از ابتدای کار با رهبر انقلاب و دیگر علما ارتباط

رویان با دست خالی،
توکل به خدا و اعتماد به
توان دانشمندان داخلی ایجاد شد.
همه به ما می گفتند شما را چه
به این کارها؟
زنده یاد دکتر کاظمی آشتیانی
و دیگر دوستان
بی توجه به این حرف های
دل سرد کننده ایستادند و گفتند:
«ما می توانیم».
نه تنها در بحث درمان ناباروری،
بلکه در ژن درمانی، شبیه سازی و ...



گفت و گو با دکتر احمد وثوق، معاون درمان پژوهشگاه رویان

به نذر صلوات و روزه اعتقاد داشت

گفت و گو

دکتر احمد وثوق در فروردین ماه سال ۱۳۴۱ به دنیا آمد. به درس خواندن علاقه زیادی داشته و در دوران دبیرستان مشغول به خواندن رشته ریاضی و فیزیک بود اما به دلیل اینکه اولین کنکوری که پس از پیروزی انقلاب اسلامی برگزار شد مختص پزشکی بود؛ در کنکور تجربی شرکت کرد و در رشته پزشکی پذیرفته شد. ایشان به همراه دکتر کاظمی آشتیانی از اولین موسسان پژوهشگاه رویان بوده است و خدمات فراوانی در زمینه درمان ناباروری ارائه کرده است. او در معرفی خود می گوید: «من را جهادگر دانشگاهی و سرباز جمهوری اسلامی ایران صدا بزنید».

ناباروری پرداخته بود. در حین برگزاری این کنگره با آقای دکتر صفا الحسنی، دوست شدیم. ایشان در رفاقتی که با ما پیدا کرد، گفت: «کار درمان ناباروری، کار سختی نیست. شما می توانید این کار را در ایران انجام دهید». جرقه آغاز رویان از همین جا آغاز شد. در ابتدا برای ما سنگین می نمود، چون درگیر جنگ و پشتیبانی از جبهه ها بودیم.

آقای دکتر کاظمی آشتیانی در آن دوره مسئول بخش طرح ها و تحقیقات جهاد دانشگاهی علوم پزشکی بودند. چنین کارهایی از قبیل پژوهش یا خدمات تخصصی مربوط به حوزه ایشان می شد. بعد از اینکه آقای دکتر صفا الحسنی این ایده را به ما داد، آن را بین خودمان طرح کردیم. آقای دکتر کاظمی آشتیانی این ایده را پسندید و مدیریت کرد. از همین جا بود که کار شروع شد.

شروع شد یعنی چه شد؟

یعنی جرقه اولیه زده شد. این ایده در مجموعه جهاد دانشگاهی علوم پزشکی ایران

چه شد که وارد جهاد دانشگاهی شدید؟ من در سال ۱۳۶۱ - اولین دوره پس از انقلاب فرهنگی - وارد دانشگاه وارد شدم. همکاری ام با جهاد دانشگاهی از سال ۱۳۶۲ آغاز شد. بهانه ورودم، به جهاد دانشگاهی پشتیبانی از جبهه های جنگ بود. وظیفه ما آماده کردن دانشجویان برای اعزام و پشتیبانی پزشکی و پزشکیاری از جبهه ها بود. به طور همزمان با معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی هم در زمینه برگزاری کلاس های معارف اسلامی همکاری می کردم.

سال ۱۳۶۵ جهاد دانشگاهی واحد علوم پزشکی ایران مسئول اجرایی اولین کنگره بین المللی درمان های پیشرفته ناباروری شد. آن زمان درمان ناباروری محدود به درمان های سرپایی و اقدامات اولیه از قبیل دارو درمانی بود. روش های پیشرفته در کار نبودند. سه مهمان خارجی در آن کنگره حضور داشتند. یکی از این مهمان ها، پزشکی عراقی الاصل و شیعه از کشور آلمان به نام دکتر صفا الحسنی بود. به دلیل فشارهایی که در عراق وجود داشت به آلمان مهاجرت کرده و آنجا به حوزه درمان های پیشرفته

پذیرفته شد. زنده یاد آقای دکتر مهدی پور، رابط ما با آقای دکتر صفا الحسنی بود. لیستی از تجهیزات را از آقای صفا الحسنی گرفتند و یک کلتی از ویژگی های مکان مورد نیاز. این پیگیری ها در مجموعه جهاد دانشگاهی همزمان با دانشگاه علوم پزشکی یزد آغاز شد. البته ایده راه اندازی چنین مرکزی از جهاد دانشگاهی به دانشگاه علوم پزشکی یزد منتقل شد اما چون آنها دولتی بودند و امکانات مالی بهتری داشتند، زودتر از ما شروع کردند. ما در حال مذاکره با دولت برای تخصیص ارز بودیم که دولت تغییر کرد. تا ما بتوانیم با دولت تازه مستقر شده بحثمان را به سرانجام برسانیم قدری زمان صرف شد. ولی نهایتاً در بهمن ماه ۱۳۶۹ مرکز درمان ناباروری جهاد دانشگاهی به طور غیر رسمی افتتاح شد و پروسه درمان اولین بیمار نابارور که باید با روش پیشرفته درمان ناباروری درمان می شد را آغاز کردیم. اما قبل از آن روز در یکی از ساختمان های دانشکده علوم توانبخشی در چهارراه کالج اتاقی را گرفته بودیم که در آن بیماران نابارور را پذیرش می کردیم. متخصصانی که بنا بود با ما همکاری داشته باشند کلینیک را راه انداختند و شروع به ثبت نام و پذیرش بیماران نابارور کردند.

اینجا هنوز از دانش وارداتی استفاده می کنیم؟
آیا هنوز به تولید علم نرسیده ایم؟

وقتی کار را شروع کردیم، می دانستیم که قرار است چه کاری انجام بدهیم. افرادمان را به آلمان فرستاده بودیم که مدت کوتاهی نزد آقای صفا الحسنی آموزش ببینند ولی چون خودشان هم اطلاعات اولیه را داشتند به سرعت توانستند کار را یاد بگیرند.



دولت چه کمکی کرد؟

مقداری ارز تخصیص دادند که تجهیزات وارد شد. هزینه‌های ریالی هم توسط خیرین و جهاددانشگاهی تامین شد. ساختمانی هم که به ما دادند، از املاک بنیاد مستضعفان بود که متصرف داشت. بنیاد گفت به شرطی که اولاً متصرفین را خارج کنید، ثانیاً در عرض حداکثر شش ماه مرکز درمان پیشرفته ناباروری را راه بیندازید، این ساختمان را به شما می‌دهیم. یعنی اتاق عمل داشته باشد، کلنیک درمانگاه داشته باشد، آزمایشگاه داشته باشد و... زنده‌یاد دکتر کاظمی آشتیانی در عرض شش ماه این کار را کرد. یک ساختمان مسکونی را به یک مرکز درمانی پیشرفته تبدیل کرد.

این ساختمان با توصیه مقام معظم رهبری در اختیار رویان قرار گرفت؟

برای گرفتن آن ساختمان اینطور نبود که از ارتباطات استفاده نشود. زمانی که این ساختمان در اختیار ما قرار گرفت، عزیزی به ما کمک می‌کرد. رهبر معظم انقلاب به بنیاد سفارش کردند، بنیاد هم این ساختمان را در اختیار ما گذاشت. مقام معظم رهبری در اختصاص ساختمان زعفرانیه نقش مؤثری داشتند. توضیحات خوبی که در این خصوص به رهبری داده شد، نقش بسیار زیادی داشت. قبل از ایجاد این مرکز، زوج‌های ایرانی برای درمان ناباروری مجبور بودند به خارج از کشور سفر کنند. دومین مشکل پزشکی کشور که ارز بری داشت درمان ناباروری بود. اول، بیماری‌های قلبی و دوم، درمان ناباروری بود.

مقصد درمانی چه کشور‌های بودند؟

آمریکا، انگلستان، بلژیک، آلمان و استرالیا. بعد از اینکه کار درمان ناباروری در ایران شروع شد باز هم کسانی به خارج از کشور مراجعه می‌کردند ولی بعد از مدت کوتاهی توانستیم کاملاً خودکفا بشویم. امروز به جایی رسیده‌ایم که هیچ نیازی به اعزام زوج‌های نابارور به خارج از کشور برای درمان نداریم. تمام کارها در داخل کشور انجام می‌شود و نتایجش هم قابل قبول است. همانطور که الان در بیماری قلبی هیچ نیازی به اعزام بیماران به خارج از کشور نداریم، در درمان ناباروری هم به خودکفایی و دانش روز دنیا رسیده‌ایم.

جریان گردشگری درمانی معکوس شده است یا صرفاً در حد خودکفایی است؟

بعد از سال ۷۶ یعنی کمتر از ۱۰ سال پس از آغاز فعالیت رویان، جریان معکوس شروع شد. به این نحو که حالا از کشورهای دیگر برای درمان ناباروری به ایران می‌آیند. کشورهای عربی، آسیای میانه که تازه از شوروی مستقل شده بودند، ایرانیان مقیم خارج، حتی زوج‌هایی داشتیم که مسلمان بودند ولی

اسم برای فعالیت ما بسیار با مسما بود. آن شب در آن جلسه این اسم مصوب شد. بعد هم این موسسه را به همین نام ثبت کردیم.

جایزه کاظمی آشتیانی (پرایز) چطور ایجاد شد؟

ماجرای شکل‌گیری کاظمی پرایز یک پیشینه دارد. زمانی می‌خواستیم که کنگره درمان ناباروری خاورمیانه را در ایران برگزار کنیم، یعنی یک دوره میزبان باشیم. به دبیرخانه مرکزی پیشنهاد دادیم که ما آمادگی میزبانی یک دوره از این کنگره را داریم. چون این کنگره برای خاورمیانه است و ایران هم یکی از کشورهای این منطقه است. حال که موفقیت‌های ایران در این زمینه غیر قابل انکار است بیایید یکی از کنگره‌های سالیانه را در ایران برگزار کنید. مصر، اردن، بحرین، امارات متحده عربی،

ساکن استرالیا، آمریکا یا اروپا بودند ولی به خاطر اینکه مسلمان بودند ترجیح می‌دادند که در یک کشور مسلمان درمان بشوند. بعد از اینها آرام آرام پای ما به کنگره‌های جهانی باز شد. دانشمندان و متخصصین ما در کنگره‌های بین‌المللی که در این زمینه کار می‌کردند شرکت کردند، حاصل فعالیت‌های علمی‌شان را ارائه دادند.

اسم رویان چطور انتخاب شد؟

در منزل یکی از دوستان جلسه‌ای برگزار شد که اسم موسسه را انتخاب کنیم. یکی از پیشنهادها رویان بود. رویان دو معنی دارد: اولاً اسم فاعل است به معنی کسی که می‌روانند و رویش درست می‌کند؛ که با کار ما تناسب داشت. یک معنی دیگر آن هم جنین است به فارسی. جنین در فارسی می‌شود رویان. این

رویان با دست خالی،
توکل به خدا
و اعتماد به توان
دانشمندان داخلی ایجاد شد.
همه به ما می گفتند
شما را چه به این کارها؟
زنده یاد دکتر کاظمی آشتیانی و
دیگر دوستان
بی توجه به این حرف های
دلسرد کننده
ایستادند و گفتند:
«ما می توانیم»



می شد و بعد از آن به سطح انسانی می آمد، تیم ما وارد حوزه شبیه سازی شد. هر چند شبیه سازی علمی به روز بود ولی برای ما غیر قابل دسترس نبود. پشتوانه ای که گروه های پژوهشی برای رویان ایجاد کردند موجب شد بتوانیم به حوزه های مختلفی ورود کنیم. ورود به حوزه های نو نیازمند سه چیز بود: نیروی انسانی دانشمند، امکانات و مدیریت. در حوزه نیروی انسانی مشکلی نداشتیم، چون آقای دکتر کاظمی آشتیانی از ابتدای مسیر به رشد و تعالی و نگهداشت نیروی انسانی اهمیت بسیار زیادی می دادند. از حیث تجهیزات هم کار با کمترین امکانات شروع شد ولی توکل به خدا و این روحیه که ما خواهیم توانست این کار را انجام بدهیم به ما توان داد. وقتی کار انجام شد، اعتبار و تجهیزات روز دنیا به موسسه آمدند. رویان با دست خالی، توکل به خدا و اعتماد به توان دانشمندان داخلی ایجاد شد. همه به ما می گفتند شما را چه به این کارها؟ زنده یاد دکتر کاظمی آشتیانی و دیگر دوستان بی توجه به این حرف های دلسرد کننده ایستادند و گفتند: «ما می توانیم». نه تنها در بحث درمان ناباروری، بلکه در ژن درمانی، شبیه سازی و ... هم به ما می گفتند که شما دروغ می گوئید. یا خیلی کار بزرگی انجام داده اید یا اینکه دروغ می گوئید.

دوستان داخلی باور نمی کردند؟

بله. تا از آن طرف دنیا نیامدند و روی کار ما صحنه نگذاشتند بعضی دوستان باور نکردند که ما توانسته ایم این کار را انجام بدهیم.

چرا باور نمی کردند؟

به دو دلیل. اول اینکه به این دانش مسلط نبودند. دوم، حس خود کم بینی. گمان

ما کشوری عقب افتاده هستیم که توان چاپ پوستر هم نداریم، چه برسد به درمان های پیشرفته های ناباروری! در نهایت این شجاعت، شهامت و درایت دکتر کاظمی آشتیانی باعث شد که این کار در ایران و رویان آغاز شود. کنگره بین المللی باروری و درمان ناباروری در شهریورماه هر سال در تقویم جهانی به نام ایران ثبت شد. شهریورماه امسال، بیست و چهارمین دوره آن برگزار شد. حتی در دوران کرونا به طور مجازی برگزار شد. وقتی از خارج از کشور به ایران آمدند، تعجب کردند که ما چنین کلینیک هایی در کشور داریم.

رویان مرکزی خدماتی بود که با دانشی وارداتی کارش را آغاز کرد ولی بعد از مدتی به تولید کننده علم تبدیل شد. در کجای این مسیر بیش از ۳۰ ساله این اتفاق افتاد؟

بنای ما از روز اول این نبود که مرکزی خدماتی تاسیس کنیم. هدفمان صرفاً ارائه خدمات و کسب درآمد هم نبود. هدف موسسه رویان از ابتدای مسیر، سه کار بود: آموزش، پژوهش و درمان. از ابتدای کار، این سه موضوع را توامان مورد توجه قرار دادیم. شاهد این ادعا هم برگزاری دوره های آموزشی و ایجاد گروه های پژوهشی ما بلافاصله بعد از شروع فعالیت های درمانی بود. نتیجه این پژوهش منجر به این فکر شد که ما می توانیم به حوزه سلول های بنیادی، ژن درمانی و شبیه سازی ورود کنیم. تمام این حوزه های نوین، زاینده رویانی بودند که کارش با درمان ناباروری شروع شده بود.

چون بسیاری از درمان های ما در مسیر تحقیق و توسعه باید ابتدا روی حیوانات تست

قطر، عربستان سعودی، لبنان و ... پیش از این میزبان بوده اند، حالا ما می خواهیم میزبان باشیم. دبیرخانه به ما گفت: «مگر در کشور شما می شود اسلاید پخش کرد؟ سالن نمایش دارید؟» بهانه بعدی شان محدودیت مسئله حجاب در ایران بود.

مخاطبان این کنگره چه کسانی بودند؟ دانشمندان کشورهای خاورمیانه یا به تعبیر مقام معظم رهبری غرب آسیا که قریب به اتفاق آنها مسلمان هستند یا دانشمندان کل دنیا؟

مدعوین از همه جای دنیا بودند؛ حتی رژیم صهیونیستی! چنین چیزی برای ما قابل پذیرش نبود. گفتیم میزبانی می کنیم ولی شرایط مهمانان باید با موازین ما سازگار باشد. نهایتاً به خاطر شرایطی که داشتیم، میزبانی این کنگره را به ایران ندادند.

محل استقرار دبیرخانه دائمی کجاست؟ لبنان. البته این کنگره تقریباً در تمام کشورهای منطقه برگزار شده بود.

که احتمالاً هیچ کدامشان در سطح ایران این دانش را نداشتند.

بله، هیچ کدامشان در سطح ما نداشتند. وقتی دیدیم شرایط اینطور است با خودمان گفتیم بد نیست کاری کنیم که آن کنگره را تحت الشعاع قرار بدهیم. این هم از آن ابتکارات دکتر کاظمی آشتیانی بود. آمدیم و برای اولین بار کنگره بین المللی درمان ناباروری رویان را در سال ۱۳۷۹ برگزار کردیم. وقتی پوسترهای کنگره بین المللی رویان به کنگره خاورمیانه بردیم، حتی باور نمی کردند که در ایران چنین کیفیت چاپی وجود داشته باشد. فکر می کردند



این آیه بود: «يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا» (مریم/۷) ولی فرزند اول رویان دختر بود. رهبر انقلاب فرمودند: «کار بزرگی انجام داده‌اید. این کار از دو جنبه بسیار مهم است. اول اینکه شجاعت و شهامت به خرج داده‌اید و وارد کار بزرگی شده‌اید؛ ثابت کردید که می‌شود در کشور کارهای بزرگ کرد. اما جنبه دوم که از اولی هم مهم‌تر است، این است که چنین کاری توسط شما انجام شده است».

منظورشان این بود که جوانان مومن، متدین و زنان محجبه دانشمند و متخصص به این حوزه ورود کرده‌اند. مقام معظم رهبری نسبت به مجموعه ما اعتمادی قلبی پیدا کرده بودند که بعد از این جلسه بیشتر شد. حمایت رهبر انقلاب از مجموعه رویان غالباً معنوی بود. البته دو سه نوبت تبرک کردند. یعنی بودجه بسیار محدودی در حد تبرک به رویان اختصاص دادند.

با توجه به خیل مراجعان نیازی به دریافت بودجه دارید؟

ارائه خدمات درمانی ما خودگردان است و مازاد درآمد آن برای پژوهش هزینه می‌شود. یکی از محل‌های تامین هزینه‌های پژوهشی ما درآمد مرکز خدمات تخصصی است. با تمام محدودیت‌هایی که در تعرفه‌های درمانی داریم چون تعرفه ما مربوط به نهادهای عمومی است. تعرفه نهاد عمومی تقریباً نصف تعرفه بخش خصوصی است. با تمام این تنگناها هر چه اضافه بیاورد برای پژوهش هزینه می‌شود.

چه توصیه‌ای برای نسل جوان دارید؟

به فرمایش مقام معظم رهبری، موضوع رویان باید به یک فرهنگ تبدیل بشود. فرهنگ خودباوری، فرهنگ اتکا به توان داخلی، فرهنگ اینکه می‌توانیم کارهای بزرگ انجام بدهیم. رسانه‌ها، ساختارهای آموزشی باید روی این زمینه کار کنند. رهبری مدتی پیش فرمودند: «جوانان ما چقدر رونالدو را می‌شناسند؟ چقدر زنده‌یاد کاظمی آشتیانی را می‌شناسند؟»

این ضعف سیستم آموزشی و رسانه‌ای ماست که نتوانسته‌ایم این شخصیت‌ها را به مردم و به خصوص به نسل جوان بشناسانیم. مشکل دیگر ما حس رقابت است که خدا نکند به حسادت تبدیل شود. وقتی پای این حس به میان بیاید، موجب می‌شود سانسور بشویم. در موضوعاتی که به طور مستقیم جزو تخصص‌های ماست، به جای اینکه ما را به بقیه معرفی کنند، پارچه روی ما می‌کشند که کسی کارمان را نبیند. نباید به جای آنکه سقف‌ها را بلند کنیم تا انسان‌های بزرگ وارد شوند، درها را کوچک کنیم که کوتوله‌ها راحت باشند.

ارائه خدمات درمانی ما خودگردان است و مازاد درآمد آن برای پژوهش هزینه می‌شود. یکی از محل‌های تامین هزینه‌های پژوهشی ما درآمد مرکز خدمات تخصصی است. با تمام محدودیت‌هایی که در تعرفه‌های درمانی داریم چون تعرفه ما مربوط به نهادهای عمومی است. تعرفه بخش خصوصی است

مطالعات ژنتیکی. تمام اینها در بازه‌های زمانی بسیار کوتاه و پشت سر هم روی دادند.

در شهر چنین شهرت دارد که رهبر معظم انقلاب حمایت‌های ویژه‌ای از مجموعه رویان داشته‌اند و رویان مانند نانو تکنولوژی، صنعت موشکی، دانش هوافضا و امثالهم با توجه و حمایت ویژه رهبری پیش رفته است. این سخن واقعیت دارد؟

در هر زمینه‌ای اگر احساس کردید که کسی مستعد است، قدری به او امکانات می‌دهید تا او را امتحان کنید. ما ادعا داشتیم که می‌توانیم مرکزی برای درمان‌های پیشرفته نابرابوری راه اندازی کنیم. بنیاد مستضعفان مکانی را در اختیار ما قرار داد. ساختمانی که چند متصرف داشت را در اختیار ما گذاشت. گفتند: «اول متصرفان را بیرون کنید، بعد از آن هم در عرض شش ماه تغییر کاربری بدهید». بعد از این که ساختمان تخلیه و تجهیز شد، کار را شروع کردیم. گزارش کار هم مرحله به مرحله خدمت مقام معظم رهبری ارسال می‌شد.

گزارش مستقیم می‌دادید؟

در ابتدای کار نه؛ ولی بعد از مدتی به گزارش مستقیم تبدیل شد. به طور مرتب خدمتشان گزارش می‌دادیم، ایشان هم پیگیری می‌کردند تا اینکه در سال ۱۳۷۰ حضوری خدمتشان رسیدیم. حسینی‌ام خمینی (ره) هنوز آجر بود. کف خاک بود و دیوارها آجری. اولین گروهی از بانوان که به طور رسمی با رهبر انقلاب دیدار کردند، متخصصین رویان بودند. دکتر کاظمی آشتیانی در ابتدای گزارش کار به رهبر انقلاب گفتند: «وقتی می‌خواستیم کار را شروع کنیم، به قرآن تفال زدیم، آیات ابتدایی سوره مریم آمد. منظور آقای کاظمی آشتیانی

می‌کردند فقط بعضی از کشورها مثل امریکا و... می‌توانند به چنین دانشی دست پیدا کنند. الان در رویان کارهایی انجام می‌شود که مراکز معدودی در دنیا دانش آن را دارند. در زمینه سلول‌های بنیادی و علوم مرتبط با آن هم علیرغم تمام محدودیت‌ها و کمبودها در لبه علم دنیا هستیم.

زنده‌یاد زنده یاد کاظمی آشتیانی شخصیتی علمی بود یا اجرایی؟

آقای دکتر کاظمی آشتیانی شخصیتی علمی، فرهنگی و اجرایی بود. من هیچگاه نتوانستم بگویم که شخصیت علمی ایشان بر شخصیت فرهنگی ایشان غلبه دارد یا فرهنگی بر اجرایی. شخصیتی چندوجهی بود. وقتی وارد فعالیت‌های فرهنگی می‌شد، گمان می‌کردید اولین شخصیت فرهنگی است. وقتی وارد مباحث علمی می‌شد گمان می‌کردید دانشمندی است که هیچگاه جز دانش اندوزی کار دیگری نکرده است. وقتی وارد کار اجرایی می‌شد انگار در تمام عمرش مدیر بوده است. وارد هر کدام از این سه حوزه که می‌شد بسیار بسیار قوی بود. وقتی وارد کار فرهنگی می‌شد، هم ایده‌های خوبی داشت هم به خوبی آن را انجام می‌داد. وقتی وارد کار علمی می‌شد بسیار قوی کار می‌کرد؛ شاهد این ادعا هم پایان نامه ارشد و دکتری اوست. در حوزه اجرا هم رویان را از هیچ به اینجا رساند. اگر بخواهم در یک جمله جواب سوال شما را بدهم، باید بگویم که او شخصیتی چندوجهی بود.

شنیده بودم وقتی در کارهای تحقیقاتی به مشکلی برمی‌خوردند به تیم پژوهشی پیشنهاد می‌دادند که بیایید چند روز روزه بگیریم.

کلنگ ساختمان رویان در خیابان بنی‌هاشم در سال ۱۳۸۰ به زمین زده شد. روز کلنگ زنی به دوستان گفتند: همه نذر صلوات کنیم تا این ساختمان به نتیجه برسد. در به ثمر رسیدن نتیجه تحقیقات هم توجه زیادی به نذر صلوات داشتند و عبادتی که در آن ربا نیست.

روزه؟

بله، دوستان را به روزه توصیه می‌کردند؛ بدون تظاهر. واقعیت دارد. زنده‌یاد کاظمی آشتیانی به نذر صلوات و نذر روزه اعتقاد داشت. نتیجه‌ای که باید بعد از چند سال کار تحقیقاتی حاصل می‌شد، ما در زمان کوتاهی به دست آوردیم. اولین تخمک‌گیری رویان در بهمن ۱۳۶۹ انجام شد. اهل فن می‌دانند که سرعت پیشرفت رویان از تصور خارج بود. اولین فرزند IVF اولین فرزند حاصل از انجماد اسپرم بیمار مبتلا به سرطان، اولین فرزند حاصل از انجماد

در جهاددانشگاهی و تأسیس جهاد گروه پزشکی با ایشان بود و طبعاً ارتباط و مراوداتی بین دفاتر جهاد در دانشگاه‌ها و دفتر مرکزی جهاددانشگاهی وجود داشت باعث این آشنایی شد.

دکتر کاظمی آشتیانی دارای شخصیتی اجتماعی و تأثیرگذار و به لحاظ ارتباطی بسیار قوی بود که سریع می‌توانست با دیگران ارتباط برقرار کند و روی آنها تأثیر بگذارد. ایشان روحیه خیلی خاصی داشت و دوستانه، بدون تشریفات، صمیمی با افراد ارتباط برقرار می‌کرد. البته شرایط آن مقطع زمانی و فضای دهه شصت هم به گونه‌ای بود که در جهاددانشگاهی حال و هوای انقلاب و فضای خاص جهادی حاکم بود و طبعاً به همین دلیل فضای کاری بین همکاران بسیار صمیمانه، برادرانه و عاطفی بود.

این فاصله‌هایی که امروز به لحاظ اداری و برخی القاب و عناوین شاهد هستیم در آن موقع مطلقاً وجود نداشت. به هیچ عنوان ملاحظه خاصی در ارتباطات نبود و فضا خیلی عاطفی، برادرانه و جهادی بود و به همین دلیل افراد خیلی راحت در جهاددانشگاهی در کنار هم کارها را دنبال می‌کردند و این ارتباط هم به لحاظ آن جو صمیمی و عاطفی که بین همکاران وجود داشت به لحاظ پیشبرد کارها فوق‌العاده تأثیرگذار بود.

به نظر شما چه شد که سعید کاظمی آشتیانی به چنین جایگاهی که امروز می‌شناسیم رسید؟
مؤلفه‌های زیادی در شکل‌گیری شخصیت دکتر کاظمی آشتیانی وجود داشته که هر کدام می‌تواند تأثیرگذاری‌های خاص خود را داشته باشد؛ سعید کاظمی آشتیانی برابندی از مؤلفه‌های مهمی بود که هر کدام در جای خود توانسته بود این اثرگذاری را داشته باشد تا این شخصیت برجسته شکل گیرد. اول از همه و مهم‌ترین آن خانواده کاظمی آشتیانی بود چرا که ایشان در یک خانواده اصیل، مذهبی و پایبند به اصول پرورش یافته بود. در حقیقت چنین خانواده‌ای می‌تواند یک اصل و شاخص مهم برای شکل‌گیری چنین شخصیتی باشد. بنابراین فضای خانواده یکی از مؤلفه‌های خیلی مهم به جهت پایبندی به مذهب و اعتقادات اسلامی بود. وجه مهم دیگر در دوران شکل‌گیری شخصیت ایشان، آشنایی و حضور مستمر سعید کاظمی آشتیانی در مسجد و ارتباط او با این پایگاه خیلی مهم و سازنده در دوره قبل از انقلاب بود که باعث شد بنیه‌های اعتقادی و اسلامی محکمی در شخصیت ایشان شکل بگیرد.

قرار گرفتن در جریان انقلاب و آشنا شدن با تفکرات و اندیشه‌های امام خمینی (ره) و نهضت اسلامی با روحیه‌ای که آقای کاظمی آشتیانی داشت سبب شد تا او بتواند بین خود، امام (ره) و انقلاب ارتباط کاملی برقرار کند که از دیگر مؤلفه‌های بسیار مهم شخصیت ایشان بود. ایشان در اوایل انقلاب یک جوان ۱۸ ساله آگاه و رشد یافته و با روحیه مذهبی و اسلامی بود که در آن مقطع می‌توانست شاخص مهمی برایش باشد.



گفت‌وگو با عبدالحمید احمدی، معاون اسبق فرهنگی جهاددانشگاهی

الهام بخش و امید آفرین

گفت‌وگو

عبدالحمید احمدی از سال ۱۳۶۲ در مجموعه جهاددانشگاهی به عنوان یک عضو حضور دارد. از حوزه فرهنگی کار خود را شروع کرده و مسئولیت‌های مختلفی به فراخور شرایط و نیاز جهاددانشگاهی و بیرون از جهاددانشگاهی داشته است.

داشته‌ام که از جمله این آشنایی‌ها می‌توان به آشنایی با دکتر کاظمی آشتیانی اشاره کرد که تقریباً از همان اوایل حضور من در جهاددانشگاهی و در بخش فرهنگی شکل گرفت. با توجه به اینکه مسئولیت فرهنگی جهاد گروه پزشکی در همان ابتدای حضور دکتر کاظم آشتیانی

آشنایی شما با آقای کاظمی آشتیانی به چه زمانی بازمی‌گردد؟

من به جهت حضور در مجموعه جهاددانشگاهی از اسفندماه سال ۱۳۶۲ و فعالیت در دفتر مرکزی جهاددانشگاهی و در بخش فرهنگی، امکان آشنایی با همکاران مختلف جهاددانشگاهی در دانشگاه‌ها



قدم و گام بزرگ در یک حیطه علمی سخت برداریم. طبعاً این خودباوری با اخلاص، ایمان و تعهد نسبت به جامعه و مردم نیز همراه بود. این روحیه خودباوری به عنوان یک دستاورد به سایر مراکز علمی و دانشگاهی کشور نیز تسری پیدا کرد و فقط در محدوده جهاد دانشگاهی نماند و به سایر حوزه‌های علمی کشور رسید که با ایمان، خودباوری، تعهد، استقامت و درک درست از نیازها، داشته‌ها و ظرفیت‌ها می‌شود گره‌های بسته‌ای را باز کرد و افق‌های جدیدی را ایجاد کرد.

موضوع ناباروری، سلول‌های بنیادی، شبیه‌سازی و... در آن مقطع زمانی مرز دانش جهان بود و فاصله ما نسبت به آنچه که در جهان وجود داشت قابل توجه بود و اینکه بتوانیم در کوتاه‌مدت این فاصله قابل توجه را طی کنیم و به مرز دانش برسیم از کارهایی بود که خوشبختانه توسط دکتر کاظمی آشتیانی و همکارانشان در پژوهشگاه رویان به نتیجه رسید. وقتی که در رابطه با دلایل این موفقیت‌ها با دوستان نزدیک و همکاران دکتر کاظمی آشتیانی صحبت می‌شود و خاطرات خود را بیان می‌کنند؛ این ویژگی خیلی برجسته را بیان می‌کنند که ایشان به انجام کارهای بزرگ علاقه‌مند بود و راضی به انجام کارهای کوچک و حفظ وضع موجود و رفع تکلیف نبود.

کاظمی آشتیانی همیشه دوست داشت کارهای به ظاهر نشدنی را دنبال کند و به نتیجه برساند و به همین دلیل ذهن بسیار مستنجم، برنامه‌ریز و دقیقی داشت که بتواند در همین راستا آنچه می‌اندیشد را عملیاتی کند. زنده‌یاد کاظمی آشتیانی بر جزئیات دقت زیادی داشت و همین دقت و تأثیرگذاری را نیز در مجموعه همکارانش ایجاد کرده بود تا آنها هم در این راستا بتوانند آنگونه که باید، آمادگی کار جهادی و فعالیت در این زمینه‌های سخت را داشته باشند.

دکتر کاظمی آشتیانی ارتباط عمیقی با قرآن و معارف اسلامی داشت و به لحاظ فرهنگی به منابع دینی و اعتقادی مسلط بود و این تسلط و آمادگی برای ایشان یک مزیت به حساب می‌آمد. وقتی گفته می‌شود فرد جامعی بود به این معنا نبود که صرفاً یک فرد علمی صرف باشد بلکه پشتوانه فرهنگی و اعتقادی خیلی غنی و قوی داشت که دستش را برای حضور در عرصه‌های مدیریتی و علمی بازتر می‌کرد.

ایشان خودشان را وقف خدمت کرده بود؛ وقف خدمت به کشور، نظام، انقلاب، جهاد دانشگاهی و مردم؛ اینها موضوعات کوچکی نیست. یعنی اینکه انسان نه در ادعا بلکه در عمل خود را وقف کند و بتوان این وقف را کامل در همه فعالیت‌ها به وضوح دید، خیلی مهم است. یکی از ویژگی‌های خیلی برجسته‌ای که از ایشان به یاد دارم، شخصیت دادن به مجموعه و همکاران خود بود؛ یعنی جهاد دانشگاهی را جایی کمتر و کوچک‌تر از جاهای بزرگ دیگر نمی‌دید و نمی‌دانست. حتی وقتی از ایشان سؤال می‌شد که مثلاً حاضر هست عضو هیئت علمی فلان دانشگاه شوید؛

وجودی خود را به رشد و شکوفایی برسانند و بتوانند در بخش مدیریتی کارهای شاخصی انجام دهند. این رشد یافتگی در بخش‌ها و ابعاد مدیریتی و علمی حاصل رشد جامعی بود که به لحاظ شخصیتی در ابعاد مختلف پیدا کرده بودند. بنابراین وقتی دکتر کاظمی آشتیانی در آن مقطع زمانی در موضع مسئولیت در جهاد دانشگاهی علوم پزشکی ایران قرار گرفت و به واسطه پشتوانه، سرمایه و اندوخته جامعی که داشت، توانست به موتور محرکی تبدیل شود که این موتور محرک بتواند گروهی از افراد را با خود همراه و هدف‌گذاری‌های بلندمدت و افق‌های بلندی را نشانه‌گذاری کند و بعد هم به این اهداف دست یابد. اینگونه نبود که فقط آرزوهایی شکل بگیرد و این آرزوها در حد همان آرزو باقی بماند؛ در واقع این ظرفیت در کاظمی آشتیانی و از طریق او در همکارانش ایجاد شد که با هدف‌گذاری‌های دقیق، گام‌های بلندی در جهت رفع نیازهای اساسی کشور در حوزه‌ها و موضوعات علمی برداشته شود.

در عین اینکه ایشان سن خیلی زیادی نداشتند ما شاهد این بودیم که موفقیت‌های بزرگی را کسب کردند. وقتی به دوره کاری دکتر کاظمی آشتیانی برمی‌گردیم مشاهده می‌کنیم که پایه‌گذاری جهاد دانشگاهی گروه پزشکی در ۲۱ سالگی ایشان رخ داده و چهار سال بعد جهاد دانشگاهی علوم پزشکی ایران را تأسیس کرد و در سال ۱۳۷۰ که مؤسسه رویان را در جهاد علوم پزشکی ایران راه‌اندازی کرد، ۳۰ سال بیشتر نداشت. ولی در همان مقطع و با آن سن و سابقه مدیریتی نه چندان زیاد، چه افق دورنگری را هدف‌گذاری کرده بود و توانست گام بلندی را در جهت رفع یک نیاز اساسی کشور آن هم در یک حوزه علمی نوپا در جهان بردارد.

جالب است که حرکت کاظمی آشتیانی بعد از موفقیت در موضوع ناباروری، متوقف نمی‌شود و بلافاصله شروع می‌کند تا به حیطه‌ها و حوزه‌های علمی دیگر مانند سلول‌های بنیادی، بیوتکنولوژی، شبیه‌سازی و... ورود کند که در آن زمان در کشور حوزه علمی نوپا و ناشناخته‌ای محسوب می‌شد. وقتی آن زمان بحث سلول بنیادی در ایران مطرح شد همه با یک نگاه ناباورانه درباره این موضوع صحبت می‌کردند ولی تحقق این اهداف نشان داد که این حرکت‌ها و فعالیت‌ها کاملاً با دقت‌های علمی لازم و با برنامه‌ریزی‌های جامع و رعایت همه جوانب علمی و مطالعاتی انجام شده و به نتیجه رسیده است.

عملکرد زنده‌یاد کاظمی آشتیانی بر جهاد دانشگاهی و جریان علمی کشور چه تأثیری گذاشته است؟

تأثیرات زیادی را می‌توان در این رابطه مطرح کرد؛ اول از همه در بین گروه همکاران نزدیک ایشان ما این تأثیر را خیلی پررنگ می‌بینیم که روحیه خودباوری را توانست در بین همکاران خود به طور کامل ایجاد کند؛ اینکه ما می‌توانیم یک

پس از پیروزی انقلاب هم بلافاصله در کارهای مهمی که قرار بود به واسطه پیشبرد برنامه‌های انقلاب انجام شود مانند جهاد سازندگی، همراهی داشت. همچنین وقوع جنگ تحمیلی و شکل‌گیری دفاع مقدس همه شرایط را در کشور تحت‌الشعاع قرار داد و همه جوان‌های انقلابی به نحوی خودشان را در قبال جنگ مسئول می‌دیدند و به نوعی درگیر جنگ بودند و کاظمی آشتیانی نیز از این قاعده مستثنی نبود.

موضوع بعد ورود ایشان به دانشگاه در آن حال و هوای بعد از پیروزی انقلاب و شرایط خاص دانشگاه‌ها بود که می‌تواند از مؤلفه‌های مهم در شکل‌گیری شخصیت فردی مثل کاظمی آشتیانی باشد. بحث تشکیل جهاد دانشگاهی، فضای خاصی را برای دکتر کاظمی آشتیانی ایجاد کرد و سبب شد تا ایشان به عنوان مسئول گروه سه نفره مؤسس جهاد گروه پزشکی در سال ۶۱ ورود کند و مؤسس جهاد دانشگاهی در گروه پزشکی شود. این مسیر ادامه پیدا کرد تا در سال ۱۳۶۵ به تشکیل جهاد دانشگاهی دانشگاه علوم پزشکی ایران منجر شد. همه این موضوعات عواملی بود که می‌توانست به نوعی در شکل‌گیری جامع چنین شخصیتی تأثیرگذار باشد. ضمن اینکه آن خمیرمایه و جوهره شخصیتی دکتر کاظمی آشتیانی هم مؤلفه خیلی مهمی بود که همدیگر را تکمیل می‌کرد؛ یعنی آن خمیرمایه و جوهره اصلی و بعد هم جریاناتی که هم‌زمان با شکل‌گیری شخصیت ایشان اتفاق افتاد مانند انقلاب، وقایع بعد از پیروزی انقلاب و جنگ و حضور در جهاد دانشگاهی و... باعث شد که شاهد شکل‌گیری یک شخصیت جامع و متوازن در وجود فردی مثل سعید کاظمی آشتیانی باشیم.

دکتر کاظمی آشتیانی چطور مدیری بودند که سبب دستیابی به موفقیت‌های بزرگی شدند؟

به نظرم جامعیت و توازن شخصیتی دکتر کاظمی آشتیانی خیلی موضوع مهمی است؛ یعنی تک بُعدی نبودن یا تک بُعدی رشد نکردن و تک بُعدی بروز و ظهور نداشتن. یکی از اتفاقاتی که برای کاظمی آشتیانی و هم‌نسل‌های ایشان اتفاق افتاد به واسطه وجه اعتقادی و مذهبی که در خانواده وجود داشت و ارتباط با نهادهای مذهبی به خصوص مساجد، بعد هم قرار گرفتن در دوران انقلاب و پیروزی انقلاب و بعد مسئولیت‌هایی که بر عهده این نسل گذاشته شد؛ باعث شد تا تقریباً همه ابعاد وجودی شخصیت آنها با هم و به طور کامل و متوازن رشد کند.

این چند بُعدی و رشد یافته بودن وجه ممیزه اصلی دکتر کاظمی آشتیانی و هم‌نسلان او در این مقطع از زمان بود. امثال دکتر کاظمی آشتیانی را در رزمندگان و فرماندهان دفاع مقدس و افرادی که در جهاد سازندگی و بسیج مسئولیت داشتند می‌بینیم. یعنی گروهی از جوانان رشد و پرورش یافته در مکتب امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی که در این دوره زمانی، توانسته بودند همه ابعاد



برای افرادی باشد که دغدغه پیشرفت کشور را دارند. افراد معتقد و متعهدی که می‌خواهند در حیطه‌ها و حوزه‌های علمی و تحقیقاتی و فرهنگی و در جهت رفع عقب ماندگی‌ها و پیشبرد امور کشور کارهایی متفاوت و متمایز انجام دهند. خوشبختانه در کارنامه جهاددانشگاهی از این دستاوردها بسیار است که پژوهشگاه رویان یکی از آنها است؛ جهاددانشگاهی در کارنامه چهل ساله خود صدها کار فاخر، بزرگ و برجسته در حد پژوهشگاه رویان در حوزه‌های علمی، فناوری، فرهنگی و آموزشی دارد. اگر جهاددانشگاهی در گذر زمان و با اعمال سلیقه‌های تحمیلی از سوی دولت‌ها و دولتی‌ها محدود نشود و به اداره‌ای مثل سایر ادارات و دستگاه‌های موجود تبدیل نشود و آن فرهنگ انقلابی و جهادی همچنان حرف اول را در این نهاد بزند؛ بدون شک می‌توان به ادامه همین مسیر امیدوار بود.

میراث دکتر سعید کاظمی آشتیانی بعد از ۱۸ سال برای ما چیست؟

کاظمی آشتیانی یک شخصیت الهام‌بخش و امیدآفرین بود و این مهم‌ترین میراث ایشان است. ایشان از همان ابتدای تشکیل این نهاد در مجموعه جهاددانشگاهی حضور داشت و هنوز بعد از ۱۸ سال از درگذشت کاظمی آشتیانی می‌بینیم که الهام بخشی این شخصیت کم‌نظیر در همکاران و کل جهاددانشگاهی و سایر مراکز و مجموعه‌های علمی و پژوهشی کشور وجود دارد. این میراث بزرگی است که ما باید قدر آن را بدانیم و بتوانیم بهتر، مؤثرتر و ملموس‌تر آن را معرفی کنیم. این شخصیت‌ها می‌توانند علیرغم اینکه حضور فیزیکی ندارند همچنان زنده و تأثیرگذار باشند و باعث رشد، پویایی و پیشرفت علمی و فرهنگی کشور شوند.

سخن پایانی.

یک وجه پررنگ کاظمی آشتیانی وجه فرهنگی و اعتقادی و انقلابی ایشان بود و ما باید در جهاددانشگاهی همچنان به این اصالت فرهنگی و اعتقادی و انقلابی و در مسیر درست آن پایبند باشیم. اگر به دنبال جهاددانشگاهی جامع، متوازن، پایدار و پیشرو هستیم این اصالت دادن به حوزه اعتقادی و فرهنگی و پایبندی به فرهنگ جهادی بسیار اهمیت دارد.

جهادگر واقعی کسی است که به اعتقادات، فرهنگ، انقلاب، معنویات و آرمان‌ها پایبند باشد و اینها می‌توانند چراغ راه و تعیین کننده مسیر و جهت ما و تضمین کننده موفقیت‌ها باشند. اگر این بخش تضعیف شود هر چقدر که بخواهیم در حوزه‌های علمی جلو برویم پیشروی زیادی نخواهیم کرد زیرا رزم پویایی، الهام بخشی، ماندگاری و موفقیت سعید کاظمی آشتیانی این بود که پایه فرهنگی و اعتقادی او بسیار مستحکم و قوی بود؛ ما نیز باید به این مسئله فراتر از آنچه که امروز شاهد آن هستیم اهمیت بدهیم و براساس آن عمل کنیم.

آشتیانی ترسی از موانع و مشکلات نداشته باشد و به سمت انجام کارهای به ظاهر نشدنی برود. شاید کسی نتواند آن همت را برای انجام کارهای بزرگ در خود ایجاد کند اما این وصل بودن عمیق به ریشه‌های معنوی و اعتقادی خیلی در شخصیت دکتر کاظمی اثرگذار بود و این تأثیر را به دیگران هم منتقل می‌کرد. کاظمی آشتیانی کسی بود که اگر یک بار با فردی می‌نشست و صحبت می‌کرد قطعاً آن نشست، صحبت و ارتباط می‌توانست تأثیر عمیقی برای آن فرد ایجاد کند و این موضوع مزیت بزرگی است که کاظمی آشتیانی از آن برخوردار بود. به یاد دارم در روز افتتاح پژوهشگاه رویان، ایشان حتی به آیات قرآنی که قرار بود در ابتدای جلسه قرائت شود توجه داشت و آیاتی را انتخاب کرده بود که کاملاً با موضوع پژوهشگاه رویان ربط داشته باشد که این آیات در رابطه با خلقت انسان بود.

آیا راه زنده‌یاد کاظمی آشتیانی ادامه پیدا کرد و بستر کشور برای حضور کار کاظمی آشتیانی‌های دیگر فراهم است؟

جهاددانشگاهی نهادی بود که در راستای تربیت و پرورش افرادی مثل سعید کاظمی آشتیانی ایجاد شد تا کسانی که دغدغه کشور را داشته و دارند بتوانند در بستر جهاددانشگاهی منشأ خدمات گسترده علمی، فرهنگی، و جهادی به جامعه باشند. طبعاً تا زمانی که جهاددانشگاهی با همان اصالت انقلابی، فرهنگی و معنوی وجود داشته باشد، همچنان می‌تواند یک نهاد مولد شخصیت‌هایی مثل سعید کاظمی آشتیانی باشد اما اگر جهاددانشگاهی هم تبدیل به جایی مثل سایر ادارات و ساختارها شود که کار اداری، علمی، فرهنگی و آموزشی معمول را انجام می‌دهند باید نسبت به ادامه و آینده آن تأمل کنیم و البته نگران باشیم. جهاددانشگاهی در واقع از بدو تأسیس با این رویکرد و شاکله ایجاد شد که محیط و مکانی

ایشان یک نگاه خاصی به این گونه سؤالات و درخواست‌ها می‌کرد و اعتقاد داشت که مجموعه جهاددانشگاهی و مجموعه رویان، بسیار بزرگ‌تر و ارزشمندتر از این جاهایی است که به وی و همکارانش پیشنهاد می‌شود.

وقتی که مؤسسه رویان پایه‌گذاری شد ابتدا تبدیل به پژوهشگاه و سپس به پژوهشگاه ارتقا یافت و دیدیم که به سرعت مورد توجه دانشمندان داخلی و خارجی قرار گرفت. رویدادهایی که توسط رویان برگزار شد در ابعاد مختلف توسعه پیدا کرد و به سرعت رویان را به عنوان مرکز علمی و تحقیقاتی بین‌المللی در جهان مطرح کرد. این اتفاق کار بزرگ و نشان دهنده روحیه دورنگری و توان پیگیری و تحقق اهداف بزرگ دکتر کاظمی آشتیانی بود که توانست این گام‌ها را بردارد و این موفقیت‌ها را رقم بزند.

زیست قرآنی دکتر سعید کاظمی آشتیانی چه تأثیری در زندگی و رسیدن به موفقیت‌ها داشته است؟

وقتی دکتر کاظمی آشتیانی وارد جلسه‌ای می‌شد در صحبت‌ها و گفت‌وگوهای خود با استنادات قرآنی صحبت می‌کرد و یکی از لذت‌هایش گوش کردن به تلاوت قرآن بود. موج رادیوی ماشین ایشان همیشه بر روی رادیو قرآن تنظیم بود تا در فواصل کاری رسیدن به محل کار و جلسات، تلاوت گوش کند و در واقع از قرآن خیلی لذت می‌برد و واقعاً از گفته‌ها و حس و حالش کاملاً این لذت دریافت می‌شد.

عمق باور در اصول اعتقادی و فرهنگی می‌تواند وجه تمایز آدم‌ها با همدیگر باشد. وقتی می‌گویم توکل به خدا، این یک عبارت است اما وقتی کسی در عمل و به صورت کاملاً عمیق این توکل را داشته و به آن متکی باشد می‌تواند خیلی از کارهای نشدنی را انجام دهد. همین ارتباط با قرآن و الهام گرفتن از این گنجینه بزرگ باعث شده بود که دکتر کاظمی



ویژہ نامہ جہادگر فقید سعید کاظمی آشتیانی | سال نوزدہم | شمارہ ۱۵۱ | آذر ۱۴۰۳

یک چہرہ
قرآنی

کاظمی آشتیانی و سایر افراد مؤثر و تاریخ ساز دیگر نیز معمولاً اینگونه بودند و با عملشان توانستند دیگران را هدایت کنند و الگو باشند.

به نظر شما مؤانست با قرآن چقدر می تواند در شکل گیری شاکله شخصیتی فردی مثل کاظمی آشتیانی تأثیرگذار باشد؟ پایه و اساس شخصیتی زنده یار دکتتر کاظمی آشتیانی فرهنگی بود و قطعاً در فرهنگی که ایشان در آن شکل گرفته و شاکله شخصیتی آن تشکیل شده بود، فرهنگ برآمده از قرآن بوده و اتمسفر و جو حاکم بر زندگی ایشان فرهنگی و قرآنی بوده است. ایشان کلاس های قرائت قرآن و جلسات تفسیر داشته اند و هر جا که می نشستند از قرآن ذکر می کردند. این موضوعات مقوم شخصیتی ایشان بوده است؛ یعنی هم تأثیرگذاری قرآن را در شکل گیری شاکله شخصیتی زنده یار کاظمی آشتیانی و هم استمرار و تقویت این شخصیت را می توانیم ببینیم.

قاعدتاً باید بین دو واژه دین دار و دین دان تفاوت قائل شد؛ فرد دین دان ابعاد و زوایای دین را می شناسد اما الزاماً دین دار نیست؛ مثلاً ممکن است خیلی ها قرآن بخوانند ولی این قرآن خواندن منجر به استفاده و حظ معنوی و شناختی و معرفتی از قرآن نشود. خیلی ها قرآن می خوانند حتی یک زمانی قبل از انقلاب مجاهدین خلق و منافقین هم وقتی می خواستند با مردم صحبت کنند و جریان مذهبی را جذب خود کنند از قرآن کُند می دادند و قرآن هم می خواندند اما باوری به قرآن نداشتند و منظومه فکری حاکم بر قرآن را قبول نداشتند و می خواستند از قرآن به عنوان یک ابزار استفاده کنند.

وقتی شخصیت، گفتار، روش و منش دکتتر کاظمی آشتیانی را بررسی می کنیم متوجه می شویم که سرچشمه نحوه و شاخص های مدیریتی ایشان مؤانستی است که با قرآن داشته اند. تقوای فردی، علمی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آقای کاظمی آشتیانی برگرفته از قرآن بوده است.

تبیین و تشریح اندیشه و منش آقای دکتتر سعید کاظمی آشتیانی چقدر اهمیت و لزوم دارد؟

حتماً ضرورت دارد و نیاز است. شخصیت، منش و روش دکتتر کاظمی آشتیانی پرورش یافته فضیلت های بزرگ و در مسیر آنها بود. امروزه به طور کلی در برخی از محافل، منابع و فضاهای آموزشی و فرهنگی ما نسل جوان را بیشتر به فضیلت های کوچک تر و ناچیز ارجاع می دهند و از آنها می خواهند تا ذهنیت، شخصیت و رفتارشان را شکل دهند. ما به صورت ویژه و خاص نیاز داریم تا الگوهای محسوس و عینی که اتفاقاً با فضیلت های بزرگ رشد و نمو و اثربخشی داشتند و برای ۲۰۰ سال پیش نیست و برای همین دوره است را به جامعه و جوان معرفی و تبیین کنیم.

دکتتر حسن فارسی،

قائم مقام و معاون هماهنگی امور مجلس جهاد دانشگاهی

مدیریتش برگرفته از قرآن بود

گفت و گو

حسن فارسی متولد ۱۳۵۲ در ملایر است. وی دارای کارشناسی علوم سیاسی و حقوق از دانشگاه علامه طباطبائی است. فارسی کارشناسی ارشد خود را در حوزه روابط بین الملل در دانشگاه تهران دریافت کرد و دارای دکتری جامعه شناسی سیاسی از دانشگاه تهران است که رساله خود را در رابطه با موضوع «نقش نخبه پست ها در تحولات سیاسی و اجتماعی» نوشته است. حسن فارسی اکنون به عنوان قائم مقام معاون هماهنگی و امور مجلس جهاد دانشگاهی فعالیت می کند.

زنده یار سعید کاظمی آشتیانی را چقدر می شناختید؟

زنده یار کاظمی آشتیانی با توجه به فعالیت هایی که در حوزه سلول های بنیادی در مؤسسه و پژوهشگاه رویان داشت اگر کسی به اوضاع جاری جهاد دانشگاهی اندک توجهی داشت حتماً ذکر خیر دکتتر کاظمی آشتیانی را می شنید. بنده هم به عنوان کسی که سالیانی در جهاد دانشگاهی بودم ذکر خیر ایشان را با اوصافی مانند خستگی ناپذیری، تلاشگری، نوآوری، اثربخشی و کارآمدی علمی زیاد شنیده بودم.

واقعیت این است که افراد تأثیرگذار و تاریخ ساز تک بعدی نیستند. آنها معمولاً چندوجهی هستند و ابعاد شناختی، بینشی، منشی و رفتاری گسترده ای دارند. زنده یار دکتتر کاظمی آشتیانی از جمله افراد چندوجهی بود که شامل ابعاد مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی می شد. می توان هر کدام از این ابعاد را به صورت مفصل شرح داد. مثلاً وقتی سبک و سیره ایشان را مرور می کنیم از منظر مدیریتی می توان ظهور و بروز مدیریت جهادی را به نحو کامل در ایشان دید.

در رابطه با جنبه های مدیریتی زنده یار کاظمی آشتیانی بیشتر توضیح دهید.

طبیعتاً نمی توانیم شخصیت مدیریتی زنده یار دکتتر آشتیانی را جدای از فرهنگ و مدیریت جهادی تحلیل کنیم. اگر مدیریت جهادی را به عبارتی تلاش، کارآمدی، اثربخشی با اتمسفر جو اعتقادی، معنوی و دینداری تحلیل یا تعریف کنیم آن موقع خیلی راحت ویژگی های مدیریتی زنده یار کاظمی آشتیانی را می توانیم احصاء کنیم. از ایشان می توان به عنوان یک مدیر تحول خواه یاد کرد؛ مدیری تحول آفرین که با نگاه الهام بخشی و حرکت آفرینی به حداقل ها

در امکانات قناعت می کرد اما به دنبال حداکثر بازدهی و نتیجه بود.

در بحث های مدیریتی تقوای فردی، اجتماعی و علمی کاملاً محسوس است. در حقیقت مدیریت جهادی به معنای تلفیق خودباوری و خدمت به جامعه است که تجسم عینی این فرهنگ و نگاه مدیریتی بود.

ایشان خود را وقف مجموعه نگاه علمی و اعتقادی کرده بود. با قرآن مأنوس بود و طبیعتاً ویژگی های مدیریتی هم برگرفته از قرآن بود. اگر ویژگی های مدیریتی را از دل قرآن احصاء کنیم موقعیت های خشم، خوشحالی، قناعت، بذل و بخشش و... را درمی یابیم. از جمله ابعاد دیگر مدیریتی ایشان خستگی ناپذیری و امیدواری بود که می توان به آن اشاره کرد.

مسیر کار و اندیشه تحول آفرین گاهی اوقات ممکن است فراز و نشیب داشته باشد و یک جاهایی نیز به بن بست برخورد کند اما زنده یار کاظمی آشتیانی اینطور نبود که تسلیم موانع شود زیرا امید داشت و می کوشید تا موانع و مسیرهای ناهموار را پشت سر بگذارد و این امید را به دوستان و همکاران خود تزریق می کرد که این مسیرها را به راحتی می توانیم پشت سر بگذاریم. دکتتر کاظمی آشتیانی وجدان کاری زیادی داشت و از انضباط مالی برخوردار بود. بعضی از وقت ها فکر می کنیم چون می خواهیم کار کنیم نباید نسبت به ابعاد مالی توجه کرد و باید به هر قیمتی و به هر شکلی کار انجام شود در حالی که ایشان اینگونه نبود و به مسائل قناعت و انضباط مالی توجه ویژه ای داشت.

این موضوعات از جمله ابعاد مدیریتی ممتاز و متمایز کننده و فرهنگ جهادی است که زنده یار کاظمی آشتیانی نه در مقام حرف بلکه در مقام عمل اثبات کرده بود و تجسم «کُونُوا دُعَاءَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ الْمَسْنَةِ» بود. زنده یار



بر خط‌شکنی در پیشبرد یک موضوع اثرگذاری‌های بیشتری دارد. فعالیت زنده‌یاد کاظمی آشتیانی در مرزهای دانش بود یعنی کشور را در قله موضوع سلول‌های بنیادی و شبیه‌سازی و در ردیف چند کشور پیشرفته دنیا قرار داد و از طرفی به نوعی باعث هراس و نگرانی کشورهای که می‌خواهند همه ابزارهای پیشرفته را دست خودشان داشته باشد شد و آنها را با تهدید مواجه کرد به عبارتی این ویژگی حرکت جهادی ایشان است که می‌تواند برای کل جامعه در عرصه‌های مختلف به عنوان الگو مطرح شود.

میراث زنده‌یاد کاظمی آشتیانی برای جهاددانشگاهی و کشور چیست؟

میراث دکتر کاظمی آشتیانی برای جهاددانشگاهی و کشور در یک جمله، «خودباوری» و «مامی‌توانیم» است و اینکه با توکل، تلاش و تفکر خیلی از غیرممکن‌ها را می‌شود ممکن کرد.

به نظر شما راه دکتر سعید کاظمی آشتیانی ادامه پیدا کرد؟

بله راهشان ادامه پیدا کرده است. البته باید ببینیم که انتظار ما چیست. تا زمانی که خطی شکسته نشده و چنین شخصیت‌هایی معرفی نشدند مقداری سخت است. یعنی افق ذهنی انسان کوتاه است ولی زمانی که چنین افرادی پیدا می‌شوند و خط‌شکنی‌هایی می‌کنند و کارهای بزرگی انجام می‌دهند، انتظارات بیشتر می‌شود تا تعداد افراد این مسیرهای نو و اثربخش بیشتر می‌شود. طبیعتاً این افراد همیشه وجود داشته و خواهند داشت اما انتظارات جامعه این است که ادامه دهندگان این راه‌ها باید بیشتر باشند.

سخن پایانی.

دکتر کاظمی آشتیانی یک استاد، اندیشمند، دانشمند و مدیر تراز انقلاب اسلامی بود که در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در نگاه آینده به چنین شخصیت‌ها و افرادی نیاز داریم که بتوانیم در قد و قواره تمدن‌سازی حرکت کنیم. زنده‌یاد دکتر کاظمی آشتیانی تسلیم آنچه که هست نبود؛ ایشان ذهن نوآور و افق‌گشایی داشت و آینده را نگاه می‌کرد. علم نافع را به تمام کمال در واقع به ظهور و بروز رسانده بود و در یک جمله ایشان به عنوان یک انسان تاریخ‌ساز در کشور با استقامت و شکیبایی توانست شرایطی را ایجاد کند که بعد از رحلت ایشان در رابطه با او بگوییم و بنویسیم. دکتر کاظمی آشتیانی دنبال نوشتن از خود نبود و شخصیت‌های بزرگ معمولاً اینگونه هستند که مسئولیت‌شناس و متعهدند و به جامعه به اعتقادات دارند و خواهی نخواهی قلم‌ها برای نوشتن پیرامون چنین شخصیت‌های تاریخ‌سازی به حرکت درخواهد آمد.



که اینها شعار و تصور است اما عینیت پیدا نمی‌کند ولی ما این تصورناپذیرها را به صورت کاملاً محسوس، عینی و عملی در کارها و آثار زنده‌یاد دکتر کاظمی آشتیانی دیدیم البته ما الگوها و نمونه‌هایی دیگری را در جهاددانشگاهی داشته‌ایم اما قله آن دکتر کاظمی آشتیانی است. طبیعتاً ظهور و بروز چنین افرادی با آثار ماندگار، عمیق و تعیین کننده در جاهایی دیگر هم آثار خود را داشته است.

زمانی که ایشان کار بر روی سلول‌های بنیادی را شروع می‌کنند بعضی از افراد با شک و تردیدهایی به حرکت ایشان نگاه می‌کنند و حتی برخی تا مرحله انکار پیش می‌روند اما زمانی که با امید، توکل و تلاش به نتیجه دست می‌یابند برای جامعه علمی کشور حرکت و الهام بخشی ایجاد شد که چیزی که ما می‌گفتیم نمی‌شود را ایشان انجام دادند. ما در عرصه‌های مختلف، دانشمندان و بزرگان مختلفی را داشته و داریم که سبب پیشرفت می‌شوند و این پیشرفت‌ها مایه امید کشور هستند؛ مانند شهید طهرانی مقدم در صنایع موشکی، سعید کاظمی آشتیانی در عرصه ناباروری و مدیریت، حاج قاسم سلیمانی در عرصه نظامی و مدیریت که هر کدام از آنها تأثیرات و موج‌آفرینی خاص خود را داشتند. همین ویژگی است که باعث می‌شود در مجامع علمی و مدیریتی، کاری که قرار است اثربخش باشد از زبان رهبر معظم انقلاب ذکر نام، آثار ماندگار و نوآوری‌های سعید کاظمی آشتیانی را می‌شنویم زیرا اثربخش بود و توانست خط‌شکنی‌هایی کند که به راحتی قابل انجام نبود. ضمن اینکه این خط‌شکنی همراه با دشمن‌شکنی بود که باید در عرصه جهاد به آن توجه داشته باشیم.

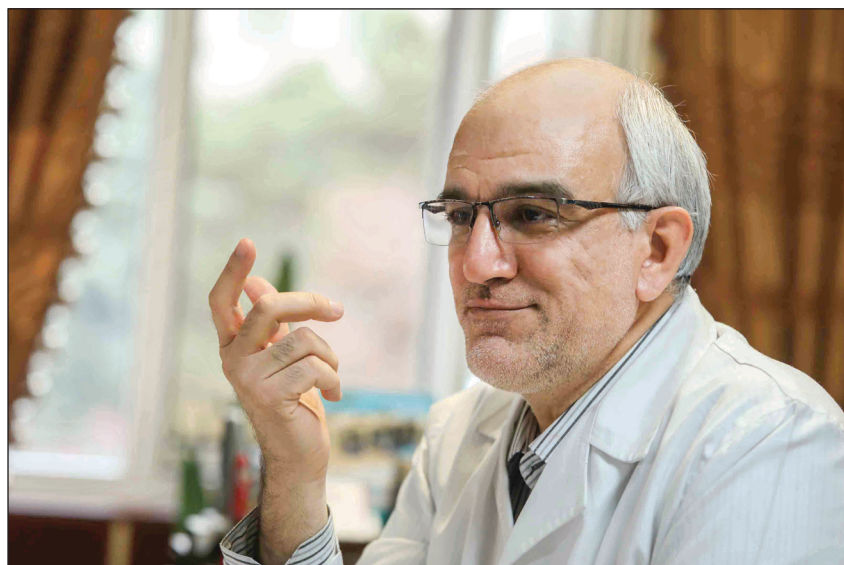
همه تلاش می‌کنند تا کار علمی، مدیریتی انجام دهند اما برخی از کارها علاوه

باید رابطه اثربخشی و کارآمدی ایشان با مؤانست با قرآن و رابطه الهام بخشی و تحول‌آفرینی با فرهنگ و مدیریت جهادی را تبیین کرد و منشأ ویژگی‌های شخصیتی ایشان به عنوان یک فرد تاریخ‌ساز در ایران، منطقه و در دنیا مطرح کرده کجا بوده است. باید بررسی کرد که دوراندیشی و افق‌هایی که ایشان می‌دیدند ناشی از چه بوده است؛ آیا ناشی از منافع شخصی، حزبی، سیاسی و جناحی بوده یا ناشی از خداواری و خدمت به جامعه بوده است. باید ارتباط بین ویژگی‌های شناختی، شخصیتی، و رفتاری و مدیریتی ایشان را با منظومه فکری‌ای که داشتند و براساس آن عمل کرده‌اند را نشان دهیم. زیرا جامعه و جوانان نیاز به الگو دارند و یکی از راه‌های تربیت نسل جوان معرفی الگوها است.

ضرورت دارد شخصیت فرهنگی و دانش‌بنیانی که در حوزه علم اثربخشی و کارآمدی داشته و منشأ خدمات فراوان و نوآوری‌هایی شده و خط‌شکنی‌های ویژه‌ای داشته که دوست و دشمن به آن اعتراف دارند را در حوزه مدیریتی و علمی را در دستور کار داشته باشیم و به جامعه معرفی کنیم.

تأثیر عملکرد آقای دکتر کاظمی آشتیانی بر جهاددانشگاهی و جریان علمی کشور چه بوده است؟

وقتی موجی ایجاد می‌شود یا یک اتفاق خاصی می‌افتد طبیعتاً اول محیط پیرامونی نزدیک به خود را متأثر می‌کند و بعد این موج ادامه پیدا می‌کند و سطوح مختلف را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همیشه شعار ما می‌توانیم، خودباوری، اتکا به داشته‌ها و دانش خود از شعارهای هدایت کننده در فرهنگ جهاددانشگاهی بوده است. بعضی وقت‌ها کسانی ممکن است بگویند



گفت و گو با دکتر مرتضی ضرابی، رئیس بانک خون پژوهشگاه رویان

می گفت مدیر عامل رویان خداست

◆ گفت و گو ◆

مرتضی ضرابی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه رویان جهاددانشگاهی و مدیر عامل بانک سلول های خون بنیادی بند ناف رویان است و دکترای تخصصی سلولی و مولکولی دارد و از سال ۱۳۷۱ وارد مجموعه جهاددانشگاهی و از اوایل دهه ۸۰ وارد مجموعه رویان شده است.

مدیریتی وی صحبت کنیم، ایشان چگونه مدیری بود که توانست چنین مجموعه ای را به وجود آورد که امروز شاهد درخشش بیش از پیش آن هستیم؟
آنچه از شاخص های مدیریتی می شناسیم، وی فردی تلاشگر و پیگیر بود و به خوبی می توانست ظرفیت و توان افراد را به کار گیرد. به تعبیر یکی از دوستان، گوهرشناس بود و خیلی خوب ظرفیت و درون مایه افراد را شکار می کرد و با ایجاد انگیزه و امید، جمع را به یک هدف واحد سوق می داد و این از جنبه های مهم مدیریتی بود که در دکتر کاظمی به عنوان مدیر موفق تجلی پیدا کرد. تعبیر دانشمند جهادگر که چندین بار هم مقام معظم رهبری درباره دکتر کاظمی آشتیانی به کار برده اند، کاملاً به جا است. وی روحیه حرکت رو به جلو داشت و با امید و ابتکار عمل کارها را دنبال می کرد، در همه کارها پیش قدم بود و به همین دلیل افرادی که با ایشان کار می کردند با جان و دل همراهش بودند و همه این ها باعث شد، همواره از دکتر کاظمی آشتیانی به عنوان یک مدیر جهادی موفق یاد شود.

در رابطه با زیست مؤنانه دکتر کاظمی

سعید کاظمی آشتیانی، چگونه سعید کاظمی آشتیانی شد و به چنین جایگاهی دست یافت که ما امروز می شناسیم؟
این سؤال بسیار پرسیده می شود و اینکه چرا ما دیگر مثل دکتر کاظمی را نداریم که این اندازه اثرگذار باشد. طبیعی است که بسیاری از افراد تأثیرگذار، توانمندی ها و ظرفیتشان در برهه ای ظهور و بروز پیدا می کند و شاید بعد از آن ها مشابه شان را نداشته باشیم؛ بنابراین مهم ترین مؤلفه ای که دکتر کاظمی داشت و خودش هم بر آن تأکید می کرد، بحث دین مداری و خدا باوری بود. اینکه در همه سطوح و کارکردها این مسئله را مورد توجه قرار می دهد و همچنین نسبت به کاری که آغاز کرده و حوزه ای که دانش آن را آموخته بود، عالم بود و آنچه توانست این دو را در کنار هم تقویت کند و اثرگذاری بیشتری داشته باشد، توان مدیریتی و جسارت در انجام فعالیت ها و مصمم بودنش در هر مسیری که قدم برمی داشت و هر حرکتی که می خواست آغاز کند، بود و همه این ها در به وجود آمدن چنین شخصیتی اثرگذار بود.

قبل از آنکه به زیست دینی دکتر کاظمی آشتیانی بپردازیم، می خواهیم درباره جنبه

آشتیانی بیشتر توضیح دهید.
ایشان به دلیل سابقه ای که داشت، معلم دینی و معارف ما در دوره دبیرستان در سال های ۶۴ - ۶۵ بود البته در آن مقطع او را نمی شناختم. بعد از اینکه وارد رویان شدم، در صحبتی که داشتم، متوجه شدم که در مدرسه علی بن موسی الرضا (ع) که بودم، ایشان در آنجا معلم دینی و قرآن بودند. با قرآن بسیار مانوس بود و در آن مقطع همکاری، ارتباط من و برخی از همکاران را با قرآن به ویژه رادیو قرآن برقرار کرد و همیشه هم رادیوی ماشینش روی موج رادیو قرآن بود و از راننده ها می خواست که موج رادیو را تغییر ندهند و اگر تغییر می دهند دوباره به همان مسیر برگردانند. در آن مقطع یکی از لحظات خوشمان این بود که بگوییم روز قبل، رادیو قرآن چه تلاوتهایی داشته و یا چه موضوعی مطرح بوده است و همه می گفتیم شاید دکتر کاظمی بیاید و از همین تلاوت ها سؤال پرسد. به یاد دارم ساعت ۱۱ شب تلاوت های ماندگار پخش می شد؛ یک روز که کارم در رویان طول کشیده بود، حدود ساعت ۱۱ بود که به منزل برمی گشتم که تلفنم زنگ خورد، دیدم دکتر کاظمی آشتیانی است؛ پرسید کجایی، گفتم در راه برگشت هستم. بعد گفتند رادیو روشن است؟ گفتم، بله، گفت؛ تلاوت یکی از اساتید قرآن در حال پخش است؛ یعنی تا این حد پیگیر بودند. تلاوتی که بسیار دوست داشت، مربوط به سوره فصلت از استاد محمود حسین منصور بود که نوار این تلاوت را هم به من دادند و هنوز هم آن را به یادگار دارم و هر سال در مراسم سالگردش این سوره را پخش می کنند و حتی جلسه ای نبوده که وی شروع کند و از آیات قرآن وام نگیرد و یا تلاوت نکند.
خدا رحمت کند، پدر ایشان هم معلم قرآن بود و دکتر کاظمی آشتیانی هم که معلم قرآن بود و چیزهای زیادی از ایشان یاد گرفتیم. در جلسه ای که پیرامون مجوز مرکز نابرابری خدمت مقام معظم رهبری رفت، گفته بود، من به قرآن تفأل زدم و آیه ۶۳ سوره شعرا آمد و یک بار هم تفأل زده بود و آیه ای که مربوط به بشارت به دنیا آمدن فرزند حضرت ابراهیم است، آمده بود و مقام معظم رهبری هم گفته بودند؛ پس احتمالاً اولین فرزند شما متولد خواهد شد.
اولین مسابقه سراسری قرآن دانشجویان را هم که می خواستیم برگزار کنیم، من دبیر مسابقات بودم و خاطرات زیادی از کمیته اجرایی داشتیم. در صحنه ای قرار بود، وقتی سوره قدر توسط استاد قره شیخو تلاوت می شود، قرآنی از بالا به پایین بیاید و در جایگاه قرار گیرد و تا سوره تمام می شد، قرآن در جایگاه قرار می گرفت. من مسئولیت این کار را داشتم و دکتر کاظمی می گفت، ضرابی نقش جبرئیل را در این مسابقات ایفا می کند یا اولین برنامه



کسی که با قرآن مأنوس است
و تلاش می کند از این سرچشمه
بی بدیل معنویت استفاده کند،
پشتوانه فکری و عملی قوی و غنی،
را به همراه دارد.
این مدد گرفتن از قرآن
باعث شده بود،
حالت مصمم بودن
در کارها را از او ببینیم
و وقتی کاری را شروع می کرد،
جدیت در کار و پشتوانه فکری را
در او احساس می کردیم

اختصاص یافت و دکتر کاظمی آشتیانی گفت؛
از فردا برای نماز خواندن به اتاق من بیایید
و همین هم شد. چون مصمم بودند که نماز
اول وقت برپا شود. البته بعد از مدتی فضای
دیگری به نمازخانه اختصاص یافت.

**این روزها نام و یاد دکتر کاظمی
آشتیانی بر سر زبانها است که ترس
این می رود از وی اسطوره سازی شده و
تبدیل به یک شخصیت دست نیافتنی
شود. نظر تان در این زمینه چیست؟**

این مسئله دغدغه من هم هست و بسیاری
از بزرگانی که در حوزه علم و یا معارف دینی
به عنوان الگو معرفی می شوند، برخی تصور
می کنند، این افراد خاص بودند و شخصیتی
بوده که رشد و نموش در شرایط خاصی اتفاق
افتاده است، به نحوی که برخی احساس
می کنند، جایگاه دست نیافتنی دارد. در حالی
که وقتی درباره دکتر کاظمی آشتیانی، با
دانشجویان و سایرین صحبت می کنم، تأکید
کرده ام که دکتر کاظمی آشتیانی هم آدمی
بود که در زندگی اش اشتباهاتی هم داشت و
مثل همه ما زندگی عادی داشت و یکسری
ویژگی ها در دکتر کاظمی، برجسته شده بود
و این ویژگی ها در هر کسی می تواند رشد کند
و برجسته شود.

دکتر کاظمی آشتیانی، در زندگی فردی به
یکسری مسائل قویا معتقد بود و شاید برای
برخی سؤال باشد که ایشان با این همه
درگیری کاری در زندگی شخصی و ارتباط با
خانواده اش چطور بود؟ در حالی که دکتر کاظمی
آشتیانی، به قدری شفاف بود که ما حتی در
جریان مسائل ریز زندگی ایشان بودیم، کما اینکه
ما هم با او به قدری ارتباط صمیمی داشتیم که
مسائل زندگی مان را مطرح می کردیم؛ بنابراین
موردی در زندگی ما نبود که پنهان باشد و

ایشان برای کارهایی که شروع می کرد، نذر
صلوات قرار می داد. زمانی که کلنگ زنی
ساختمان پژوهشگاه رویان بود، آنجا گفت؛
۵۰ هزار صلوات نذر کردم و از همه کسانی
که هستند، می خواهم که صلوات بفرستند.
یا زمانی که به مشکلی برخورد می کردیم،
هم نذر صلوات می کرد و هم دو رکعت نماز
می خواند تا مشکل حل شود. حتی در مورد
تلقیح هم تأکید داشت که با وضو باشد؛ چرا
که می گفت؛ شما در شکل گیری یک انسان
نقش دارید.

دکتر کاظمی آشتیانی واقعا اخلاص داشت و
کاری را برای مطرح کردن خود، انجام نمی داد
و همواره می گفت، ولله مدیرعامل رویان،
خداوند است. چرا که آنچه در اینجا تحقق
می یابد، صرفا اراده انسانی نیست و خداوند
هدایتگر است و دکتر کاظمی آشتیانی به
این مسئله باور قلبی داشت. وی خود را تمام
و کمال، وقف کارش کرد و ذره ای ربا نداشت.
با توجه به اینکه در مقطعی هم همجه های
زیادی به سبب یکسری تنگ نظری ها نسبت
به وی وجود داشت، کار خود را دنبال می کرد.
زمانی هم که به عنوان چهره ماندگار انتخاب
شد و هدیه ای به وی تعلق گرفت، فردای آن
روز صبح، به رویان آمد و تعدادی سکه ای که
به ایشان هدیه شده بود را داد تا بین همکاران
توزیع شود. یک سفر مشهد هم قسمت من
شد که تازه ازدواج کرده بودم.

در بعد معنوی، به نماز اول وقت هم اهمیت
می داد و این ویژگی در او بسیار بارز بود و زمانی
که وقت اذان بود، از جلوی اتاق من رد می شد
و به من هم می گفت بیا با هم برای نماز
برویم. خاطرم هست در رویان، فضای کوچکی
را به نمازخانه اختصاص دادیم. زمانی که در
رابطه با فضای آزمایشگاهی به مشکل برخورد
کردیم، فضای نمازخانه هم به آزمایشگاه

قرآنی که می خواستیم در ماه مبارک رمضان
برگزار کنیم، می گفتند یا برگزار نکنید یا اگر
برگزار می کنید، هدیه خوبی در نظر بگیرید و
خودشان پیشنهاد سفر کربلا را مطرح کردند
و گفتند شعار مسابقه را هم بگذارید؛ هر که
دارد هوس کرب و بلا بسم الله و همین هم شد.

**به نظر تان این مؤانست با قرآن و درهم
آمیختگی پررنگ با قرآن در زندگی،
چه تأثیری در شکل گیری شخصیت
زنده یاد کاظمی آشتیانی داشته است؟**
کسی که با قرآن مأنوس است و تلاش
می کند از این سرچشمه بی بدیل معنویت
استفاده کند، پشتوانه فکری و عملی قوی و
غنی را به همراه دارد. این مدد گرفتن از قرآن
باعث شده بود، حالت مصمم بودن در کارها
را از او ببینیم و وقتی کاری را شروع می کرد،
جدیت در کار و پشتوانه فکری را در او احساس
می کردیم. وقتی شما از مسائل معنوی به
عنوان نور استفاده می کنید، این نور در
بسیاری از تنگناها مسیر تاریکی را روشن تر
می کند و نتیجه همین مصمم بودن را امروز
می بینیم، کارهایی که آن روز پایه گذاری
کردند، اکنون نتایجش به بار نشست و ماندگار
شده است و جمله معروف وی هست که ما
امروز مؤثریم و فردا اثر.

تجلی ارتباط با قرآن و کمک از قرآن را می توان
در تک تک فعالیت های دکتر کاظمی آشتیانی
دید و آن هم اثر بخشی و اثر گذاری بلند مدت
بود که ایجاد شد. یکی از ویژگی های معنوی
قرآن این است که پایه معنوی را در وجود افراد
تقویت می کند، بنابراین هر چه آدم متدینی
باشید، اما با قرآن مأنوس نباشید، جنبه معنوی
شما عمق پیدا نمی کند. در روایات و احادیث
هم داریم که جایگاه افراد در بهشت هم به
میزان مؤانست آنها با قرآن مربوط است.

کاملاً باور داشتند و به همین دلیل بعد از فوت ایشان و قبل از چهلیم، جمع شدند و قسم نامه‌ای را امضا کردند و اکنون هم هست. در واقع قسم یاد کردند که راه دکتر کاظمی آشتیانی را با جدیت و تلاش ادامه دهند، ولی نمی‌توان با قاطعیت گفت که اگر دکتر کاظمی آشتیانی بود، کار به این شکل بود و فکر می‌کنم، خیلی بهتر از این‌ها می‌شد اما واقعیت این است که حداقل این نسلی که بیش از دیگران با دکتر کاظمی آشتیانی ارتباط داشتند و نفس دکتر را حس کرده و وجودش را تجربه کرده‌اند، تا زمانی که هستند، کاری که می‌خواهند انجام دهند، به پشتوانه منش و نگاه وی خواهد بود.

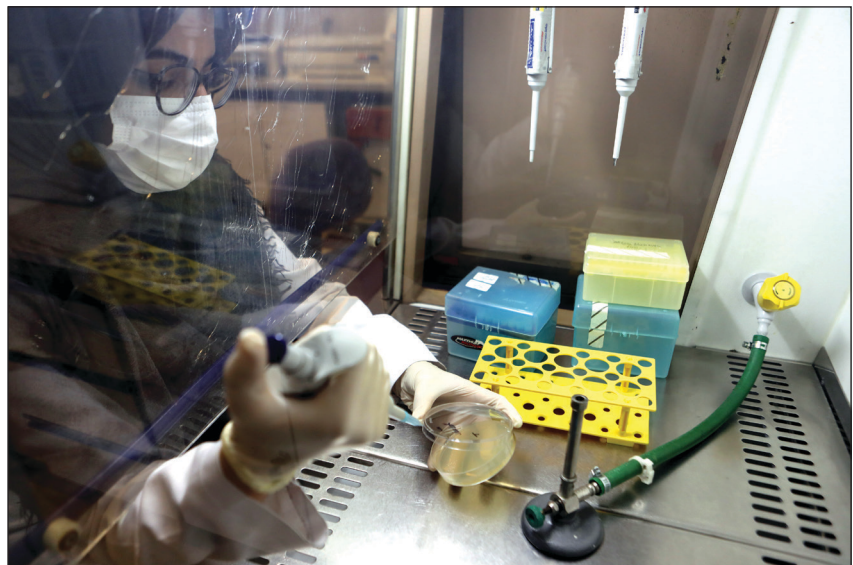
من از سال ۸۵ مسئولیت شرکت فناوری بن‌یافته‌های رویان را عهده‌دار هستم، جلسه هیئت‌مدیره‌ای بدون ذکر فاتحه برای آقای کاظمی آشتیانی شروع نمی‌شود؛ حتی یکی از مسئولان که از مجموعه رویان بازدید می‌کرد می‌گفت؛ این مجموعه از معدود جاهایی است که هنوز احساس می‌کنید، روح، نظر و انرژی زنده‌یاد کاظمی که به این مجموعه تزریق کرده، در آن جاری است؛ بنابراین به نظرم بسیاری از کارهایی که کاظمی آشتیانی می‌خواستند انجام دهند، محقق شده است.

به نظر شما اگر دکتر کاظمی آشتیانی امروز، بودند، وضعیت امروزشان چگونه بود؟

بعضی وقت‌ها با دوستان صحبت می‌کنیم، یکسری اتفاقات سیاسی و اجتماعی و... که می‌افتد، می‌گویند اگر دکتر کاظمی آشتیانی بود چه موضعی داشت؟ یا برداشتی که از منش وی دارند، می‌گویند اگر ایشان بود، ممکن بود چنین موضعی داشته باشد؛ بنابراین نمی‌دانم چه می‌شد. بعضی وقت‌ها با دوستان می‌گوییم؛ این چه حکمتی بود که این اتفاق افتاد و دکتر کاظمی آشتیانی در ۴۴ سالگی فوت کرد، برهه‌ای که تازه مراحل رشد و بالندگی خود را طی می‌کرد.

قائل به این نیستم که برای اتفاقاتی که اکنون می‌افتد، واژه مرده‌پرستی را اطلاق کنیم؛ شخصیت‌ها بعد از فقدان‌شان شناخته می‌شوند و اثرگذاری کار خیلی از افراد، به دلیل گمنام بودنشان است، دکتر کاظمی آشتیانی حب دیده شدن نداشت و به زور می‌توانستیم او را متقاعد کنیم که مصاحبه کند. با فوت ایشان، بسیاری از کارهایی که انجام داده بود، گسترش پیدا کرد و باعث شد، نامش بر سر زبان‌ها بیفتد و مورد توجه قرار گیرد.

همچنین یکی از جنبه‌هایی که باعث شد نام ایشان بیش از پیش مطرح شود، پیام مقام معظم رهبری بود که اگر مورد لطف ایشان نبود، اقداماتشان در مقاطع مختلف به این اندازه بازتاب نداشت و البته این ارتباط کاملاً یک ارتباط قلبی بود و به همان نسبت دکتر



این یکی از جنبه‌های مهم در کارهای دکتر کاظمی آشتیانی بود که با زیرمجموعه خودش، ارتباط عاطفی برقرار می‌کرد. غیرممکن است، کسی ادعا کند مدیر موفق است اما در مدیریت زندگی خود و در تربیت فرزندان و رابطه با همسرش دچار نقص باشد، بنابراین در زندگی شخصی‌اش هم همین‌طور بود. دکتر کاظمی آشتیانی اهتمام جدی داشتند که کرامت بیمار در ارائه خدمات حفظ شود و تعبیر عیال الله را به کار می‌برد و خدمت به بیمار را فرصتی برای خدمت‌رسانی و هدیه‌ای از سوی خداوند می‌دانست.

به نظر تان آیا اندیشه و منش دکتر کاظمی آشتیانی ماندگار شد و راهشان ادامه پیدا کرد؟

خوشبختانه کسانی در آن مقطع در کنار آقای دکتر کاظمی بودند، که حرکت وی را

خوشبختانه کسانی در آن مقطع در کنار آقای دکتر کاظمی بودند، که حرکت وی را کاملاً باور داشتند

و به همین دلیل بعد از فوت ایشان و قبل از چهلیم، جمع شدند

و قسم نامه‌ای را امضا کردند که اکنون هم هست.

در واقع قسم یاد کردند که راه دکتر کاظمی آشتیانی را با جدیت و تلاش ادامه دهند



بیشتر دلتنگی‌هایم را مطرح کنم. اینکه کاش بیشتر با او وقت می‌گذراندم.

سخن پایانی.

دکتر کاظمی آشتیانی روحیه شوخ‌طبعی داشت و واقعاً فردی بود که در هر جمع حضور می‌یافت، صحبت‌هایش بسیار لطیف بود، تمثیل و لطیفه و ... فراوان در خاطر داشت و به تناسب جلسه‌ای که حضور داشت از لطایف سخن استفاده و حال و هوای بحث را عوض می‌کرد و همه می‌دانستند اگر دکتر کاظمی آشتیانی آغازگر سخن باشد، حتماً نکته‌ای خاص می‌گوید.

واقعاً خود را وقف کار کرده بود، به‌ویژه در موضوع ناباروری و سلول‌های بنیادی، همه وجودش را وقف کرده بود و این بسیار مهم بود. شجاعت در کار و مسئولیت‌پذیری و خطرپذیری ایشان مثال‌زدنی بود، چرا که کارهایی را شروع کرد که برخی می‌گفتند، اگر این کار به نتیجه نرسد، آبرو و حیثیت زیر سؤال می‌رود و می‌گفت، من آبرویم را گمروم تا این کار انجام شود.

تلاش می‌کرد کارهایی که روی زمین مانده و متولی ندارد، انجام شود و پژوهشگاه رویان، زاینده همین تفکر است و زنده‌یاد کاظمی می‌گفت، بعد از بیماری قلبی، بیشترین ارزی که از کشور خارج می‌شود، بحث درمان ناباروری است و به همین دلیل تصمیم گرفت، درمان ناباروری را شروع کند. اکنون هیچ بیماری به خارج از کشور نمی‌رود، بلکه بیمارانی هم از خارج از کشور می‌آیند تا درمان شوند.

وی آدم سیاسی‌کاری نبود، در عین حال در مسائل سیاسی نگاه بسیار باز داشت و به همین دلیل هم بود که اگر از مسئولان کسی کار درستی انجام می‌داد، شاید در نگاه سیاسی وی نمی‌گنجید، اما کارش را تأیید و تصدیق می‌کرد و او را تخطئه نمی‌کرد و اگر هم جایی کار اشتباهی انجام می‌شد، منصفانه قضاوت می‌کرد و اگر هم جایی احساس می‌کرد، اشتباه کرده است، از پذیرش اشتباهش سر باز نمی‌زد و ایایی از این کار نداشت و حتی عذرخواهی هم می‌کرد و این خیلی مهم است. به یاد دارم در رابطه با مسئله‌ای با یکی از همکاران تند برخورد کرد و حق هم با دکتر کاظمی بود، ولی بعد از جلسه، وقتی به دکتر کاظمی آشتیانی گفتم که برخوردتان در جلسه قدری تند بود، ایشان گفت، من چرا این کار را کردم و باید جبران کنم. من گفتم که به آن فرد می‌گویم که این طور شده است. ولی گفت، نه این برای من قابل تحمل نیست و با آن فرد تماس گرفت و نزد او رفته بود و عذرخواهی کرده بود و فردای آن روز هم همکاری که در آن جمع بودند را دعوت کرد و گفت، من در جمع شما با این فرد، برخورد بدی داشتم و از وی عذرخواهی می‌کنم و این جسارت بزرگی بود که دکتر کاظمی آشتیانی داشت.

فضا برو؛ بنابراین دکتر کاظمی آشتیانی هم می‌گفت، وقتی از نگهبان تا راننده و پزشک و ... رویان چنین سؤالی را می‌پرسند، باید بگویند؛ من اینجا هستم برای اینکه خانواده‌ای که به اینجا مراجعه کرده است بتواند با یک بچه در بغل از اینجا خارج شود.

اکنون هم وقتی موفقیتی به دست می‌آید، از همه افراد تقدیر می‌کنیم چون تلاش همه باعث شده است که رویان چنین افتخاری را کسب کند و به چنین جایگاهی برسد و یا وقتی تولد چهارهزارمین فرزند را جشن گرفتیم، خانواده‌های کارکنان رویان هم دعوت شدند، چون همه در این موفقیت سهیم بودند.

آیا زندگی دکتر کاظمی آشتیانی جنبه‌های پنهانی هم داشت که به آن پرداخته نشده باشد؟

فکر نمی‌کنم، اغلب از زوایای مختلف، شخصیت ایشان مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. طی این مدت هم مسئله‌ای در این زمینه از سوی خانواده مطرح نبوده است اما یک مسئله درباره فوت وی مطرح می‌شود که احتمالاً ترور بیولوژیک اتفاق افتاده باشد. البته دکتر کاظمی، در حین تست ورزش، دچار سکته قلبی شده بود که پیشتر، علائم قلبی داشت، ولی توجه نمی‌کرد.

ایشان بیماری روماتیسم خفیفی هم داشت که گاهی درد قفسه سینه می‌گرفت و دارو هم استفاده می‌کرد تا اینکه این دردها قدری بیشتر شده بود و دکتر محمد کاظمی، متخصص قلب گفته بود که تست ورزش انجام دهد و وقتی این تست را انجام می‌دهد، در دقیقه یازدهم دچار ایست قلبی می‌شود و وقتی به بیمارستان بقیه‌الله رفتیم، دقیقاً بسیار نفس‌گیری را تجربه کردیم. زنده‌یاد کاظمی آشتیانی بلافاصله به اتاق عمل منتقل شد و مشخص شد که سه رگ اصلی قلب دچار انسداد شده بود و تلاش‌ها برای احیا نتیجه‌ای نداشت.

اگر یک بار دیگر آقای دکتر کاظمی آشتیانی را ببینید چه می‌گویید؟

نمی‌دانم چه بگویم، من در ایامی که تازه فوت کرده بودند، بسیار بی‌تابی می‌کردم و در مراسمی که شرکت می‌کردم نمی‌توانستم این غم را تحمل کنم. یکبار در خواب دیدم، آنقدر گریه کرده بودم و هق‌هق می‌کردم که همسرم بیدارم کرد و یادم نمی‌رود در خواب می‌گفتم، چرا اینقدر زود رفتید؟ که آخرین جمله ایشان برایم جالب بود؛ دکتر کاظمی آشتیانی آرام به شانه‌ام زد و گفت؛ مرتضی بدن، هر کاری که می‌کنید در کنار من هستم. با این جمله بسیار آرام شدم و به عینه هم در بسیاری از موارد این موضوع را احساس کرده‌ام. بنابراین واقعاً نمی‌دانم چه می‌گویم، شاید

کاظمی آشتیانی، نسبت به مقام معظم رهبری، عشق و علاقه خاصی داشت و می‌گفت؛ هیچ چیزی برای من لذتبخش‌تر از این نیست که بتوانم خبر و پیامی را خدمت مقام معظم رهبری بدهم و باعث خوشحالی ایشان شوم و روی این مسئله دقت داشت.

یادم هست در جلسه‌ای که همراه با دکتر کاظمی آشتیانی خدمت مقام معظم رهبری رفته بودیم و تعدادی از مسئولان برای بیان مسائل آمده بودند، حضرت آقا به نوعی مکدر شدند. نوبت که به دکتر کاظمی آشتیانی رسید، گفت؛ بسیاری از مسائلی که گفته شد باعث تکدر خاطر شما شد، بنابراین با اینکه مسائلی که می‌خواستم بگویم، زیاد بود از آن‌ها صرف نظر می‌کنم و همزمان که کاغذ را تا کرد و در جیبش گذاشت، گفت؛ می‌خواهم دو خبر مسرت‌بخش به شما بدهم و سپس خبر راه‌اندازی رویان و تولد نوزادان IVF را مطرح کرد و مورد توجه مقام معظم رهبری قرار گرفت و جمله معروف «رویا نمان رویان باد» را بیان کردند و گفتند؛ «باش تا صبح دولتت بدمد» کین هنوز از نتایج سحر است» شاید بتوان گفت، تعابیری که معظم‌له درباره دکتر کاظمی آشتیانی به کار برده‌اند، کمتر درباره شخصیت‌های دیگر شنیده باشیم. ایشان در توصیف دکتر کاظمی آشتیانی، فرزند صالح انقلاب را به کار بردند که به عنوان کانون امید، ابتکار و نوآوری دانستند و می‌گفتند؛ من از دکتر کاظمی روحیه می‌گرفتم. بنابراین همانقدر که دکتر کاظمی در زمان حیاتش گمنام بود، اخلاصش باعث شد که بعد از فوت‌شان شناخته شود و اسمشان بر سر زبان‌ها باشد.

میراث دکتر کاظمی آشتیانی برای جهاددانشگاهی چه بود؟

هر آنچه از خصوصیات اخلاقی، ویژگی‌های علمی و خصلت‌های معنوی یک فرد بتوان جمع کرد، می‌تواند میراث کسی باشد که از او به جا می‌ماند. وقتی کسی هم به این میراث متوسل می‌شود، باید تک‌تک آن‌ها را اجرا کند. یعنی اگر کسی می‌خواهد کاری کند که همان نتایج و اقدامات دکتر کاظمی آشتیانی را داشته باشد، باید پا جای پای او بگذارد؛ بنابراین این خصلت‌ها می‌تواند چه در زندگی فردی و چه مدیریتی و چه در عرصه کار، جمع‌آوری و در قالب یک میراث به کار گرفته شود.

واقعاً در همه کارها سعی می‌کرد همه را شریک کند نه اینکه زحمت خود را به گردن کسی بیندازد، اما وقتی کاری انجام می‌شد همه احساس می‌کردند در آن کار شریک و سهیم هستند. همیشه مثال می‌زد در ناسا به کسی که کار خدمات آنجا را انجام می‌داد؛ پرسیدند در اینجا چه کار می‌کنی؟ او گفت؛ من اینجا را تمیز می‌کنم برای اینکه آن موشک به

در شکل گیری شخصیت ایشان چه تأثیری داشته است؟

سعید کاظمی آشتیانی به قرآن اعتقاد کامل داشت. فرد سحر خیزی بود و جزو اولین نفرهایی بود که قبل از ساعت اداری وارد مجموعه می شد و شروع به قرآن خواندن می کرد و روز خود را با قرآن آغاز می کرد.

در ماه مبارک رمضان روزی یک جزء قرآن می خواند و تا پایان ماه رمضان قرآن را ختم می کرد. علاوه بر این همیشه در ماشین به رادیو قرآن گوش می داد. خودش رانندگی می کرد و اهل اینکه راننده داشته باشد نبود. ماشین های اداره که در اختیار او بود را بعضاً افراد دیگر هم استفاده می کردند؛ وقتی سوار ماشین می شدیم رادیوی ماشین بر روی موج رادیو قرآن بود. از این موضوع می فهمیدیم که فرد قبلی که از ماشین استفاده کرده، دکتر کاظمی آشتیانی بوده است.

ایشان معلم قرآن هم بودند و در دوران دانشجویی در هنرستان آزادی برای دانش آموزان قرآن تدریس می کرد حتی مسابقات بین المللی تلاوت و حفظ قرآن را با حساسیت پیگیری می کرد که امتیاز کدام قاری بیشتر یا کمتر است و تحلیل های خاص خود را داشت.

دکتر کاظمی آشتیانی در قرآن تدبیر می کرد و به قرآن تفأل می زد. جهت تأسیس مجموعه رویان به قرآن کریم تفأل زده بود و آیات ۵۱ الی ۵۶ سوره حجر آمده بود که فرشتگان به حضرت ابراهیم (ع) بشارت فرزند پسر می دهند. زنده یاد دکتر کاظمی خاطره این تفأل را برای رهبر انقلاب بیان کرده بود. البته اولین نوزاد متولد شده رویان دختر بود.

در پژوهش های رویان بسیار مقید بود که اخلاق رعایت شود؛ زیرا پژوهشگاه با موجود زنده سروکار دارد و اگر لازم بود استفتاء می کردند که بعضی از امور از لحاظ شرعی مجوز دارند یا خیر؟ مثلاً زمانی که قصد داشتند به مسائل سلول های بنیادی و شبیه سازی ورود پیدا کنند گزارشی را برای مقام معظم رهبری در این زمینه تهیه کردند و از ایشان خواستند که از نظر کارشناسی اجازه این کار داده شود.

مقام معظم رهبری در زمینه شبیه سازی در پاسخ آن نامه، اجازه ی ورود به مقوله سلول های بنیادی و شبیه سازی را دادند و عنوان کردند که: «به این دوستان بگویند با همت و پشتکار هدف های بزرگ این تحقیقات را دنبال کنند و این ثروت هنگفت انسانی را برای خود و کشور محقق نمایند. باید مواظب باشند که ساختن قطعات یدکی انسان به ساختن خود انسان منتهی نشود».

شخصیت و منش دکتر کاظمی آشتیانی چه تأثیری بر شما گذاشت؟

امیدوارم که اینگونه باشد که از ایشان تأثیر گرفته باشیم. وقتی در موقعیت های مختلفی قرار می گیرم بعضاً در ذهنم می آید که اگر کاظمی آشتیانی بودند در این موقعیت چه کار می کردند و چه رفتار و عکس العملی از خود نشان می دادند.



گفت و گو با سید ابراهیم احمدی

روی موج رادیو قرآن

گفت و گو

سید ابراهیم احمدی در سال ۱۳۵۲ در تهران متولد شد. وی کارشناسی خود را در حوزه شنوایی شناسی از دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی دریافت کرد و برای کارشناسی ارشد به سوی مدیریت توان بخشی رفت و در دانشگاه علوم پزشکی و توان بخشی تحصیل کرد. احمدی دارای دکترای سلامت و رفاه اجتماعی از دانشگاه علوم توان بخشی و سلامت اجتماعی است که رساله پایان نامه خود را در رابطه با «جمعیت و فرزندآوری» نگاشته است. وی اکنون عضو هیئت علمی جهاد دانشگاهی و مدیر کنترل کیفی مرکز ملی ذخایر ژنتیکی و زیستی ایران است.

در رابطه با آشنایی خودتان با دکتر کاظمی آشتیانی توضیح دهید.

زمانی که مؤسسه رویان تبدیل به پژوهشگاه شد، دکتر کاظمی آشتیانی همزمان رئیس پژوهشگاه رویان و رئیس جهاد دانشگاهی علوم پزشکی ایران بودند. من در آن زمان معاونت پشتیبانی، مدیره حوزه ریاست و مدیر روابط عمومی جهاد دانشگاهی را برعهده داشتم. بنابراین، آشنایی ما در دانشگاه علوم پزشکی ایران بود و تا زمان درگذشت زنده یاد دکتر کاظمی در خدمت ایشان بودم.

با توجه به اینکه شما معاونت ایشان را بر عهده داشتید، از روحیات مدیریتی دکتر کاظمی آشتیانی بگویید. ایشان چه تفاوتی با بقیه مدیران داشتند؟

ویژگی های مدیریتی ایشان سبب شد که بتوانند مؤسسه رویان را تأسیس کنند و تا سطح پژوهشگاه ارتقا دهند و به کشور در حوزه ناباروری خدمت کنند. معتقد بودند که نباید شاهد باشیم که زوجین ایرانی برای درمان ناباروری مجبور باشند با پرداخت هزینه های گزاف به کشورهای اروپایی سفر کنند. درمان ناباروری یک روند طولانی مدت دارد و می طلبد که فرد زمان زیادی تحت مراقبت باشد؛

بنابراین هزینه بسیار زیادی به دنبال خود می آورد. دکتر کاظمی آشتیانی با اعضای جهاد دانشگاهی در درجه اول رفیق بود. تفاوتی نمی کرد که افراد چه سمتی دارند، از راننده و خدمات تا اعضای هیئت علمی را شامل می شد. با همه بسیار گرم و صمیمی برخورد می کرد. ایشان به برگزاری نماز جماعت توجه ویژه ای داشت و همیشه تأکید می کرد که حتماً باید نماز به جماعت برگزار شود. به همین دلیل بدون توجه به پست و سمت افراد یکی از همکاران پیش نماز می ایستاد و بقیه به او اقتدا می کردند. در عین جدیت در کار، صمیمیت و رفاقت هم داشت اما در مطالبات اداری بدون تعارف عمل می کرد.

آقای کاظمی آشتیانی نسبت به مسائل زندگی همکاران بی توجه نبود. مثلاً اگر کسی مشکلی داشت به حل آن مشکل می شتافت. اگر کسی هم بیمار می شد به عیادت او می رفت. ایشان در بحث مدیریتی خود به جنبه های مختلفی توجه می کرد؛ یعنی ضوابط شرعی و اخلاقی را رعایت می کردند و در کارها دقت نظر داشت.

می دانیم که کاظمی آشتیانی با قرآن کریم مأنوس بودند؛ این مأنوسیت با قرآن



ایشان خیلی تحت تأثیر قرار گرفته بود که در چه مجلس مصفایی حضور پیدا کرده. ایشان در رابطه با خودشان می گفت: شما اگر تشخیص دادید که من در جناح چپ یا راست هستم، جایزه دارید، زیرا من حق را می بینم و اگر ناحق باشد، مخالفت و اعتراض می کنم و تفاوتی ندارد که حزب اصولگرا یا اصلاح طلب باشد و افراد وابسته به کدام شخصیت و موقعیت هستند.

من که با ایشان در ارتباط بودم هم نمی توانستم بگویم که ایشان اصول گرا یا اصلاح طلب بودند یعنی خودش را در این قید و بندها نمی دانست. معتقد بود که اصولگرا، اصلاح طلب، چپ و راست می تواند اشتباه کند و اینطور نیست که یک فرد اگر وابسته به جناح یا گروهی باشد دیگر هر چه می گوید و هر کاری می کند درست است.

دوست نداشت که افراد ریا کنند؛ به یاد دارم یکی از همکاران می خواست که استخدام شود و عکسی که در پرونده برای دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی ارسال کرده بود با کراوات بود، از بالا تماس گرفته بودند که چرا نیروهایی که جذب می کنید، کراواتی هستند؟ آقای کاظمی آشتیانی گفتند که این فرد متخصص است و منش و روش درستی دارد؛ حالا روزی هم کراوات زده و نخوایسته که ریا کند و گرنه حتما عکسی هم داشته که بدون کراوات باشد؛ شما چرا می خواهید کسی که کراوات می زند بیاید و بگوید که اینطور نیست؟ همین که این صداقت را داشته از نقاط قوت ایشان است.

البته به این موضوع هم معتقد بود که جهاد دانشگاهی وجهه های دارد و باید این وجهه حفظ شود و باید طبق قوانین مقررات عمل کرد اما خیلی در قید و بند مسائل ظاهری نبود. معتقد بود ما باید همه افراد را در جهاد دانشگاهی جذب کنیم زیرا جهاد دانشگاهی می تواند انسان ساز باشد، هنر این نیست که فرد مذهبی و مؤمن را وارد جهاد دانشگاهی کنیم و بگویم که ببینید که چقدر مؤمن هستند؛ این فرد از قبل مؤمن بوده که جذب شده است، هنر این است که اگر توانستیم فردی را که اعتقادی هم به نماز اول وقت یا جماعت ندارد یا کاهل است را وارد جهاد دانشگاهی کنیم و او را نماز و قرآن خوان کنیم و گرنه جذب از بین مؤمنین هنر زیادی نیست.

خیلی به بیماران احترام می گذاشت. معتقد بود که باید به زوجین ناباروری که به رویان می آیند رسیدگی کرد و برای پذیرایی باید امکاناتی حداقلی وجود داشته باشد. از قومیت ها مختلف کشور به پژوهشگاه رویان می آمدند و کار درمان آنها سخت بود.

به یاد دارم یکی از همکاران، بعد از رفتن بیمار، به لهجه یکی از مراجعان خندید. آقای دکتر وقتی متوجه این موضوع شد، آن فرد را احضار کرد و گفت: مردم ولی نعمتان ما هستند. ما حق نداریم که به آنها بخندیم و آنها را مسخره کنیم. تذکر دوستانه ای به آن همکار دادند مبنی بر اینکه حتی نباید در ذهن ما هم این اتفاق رخ دهد. در کل به شدت نگاه انسان گرایی نه ای داشت.

نبود. اگر می خواست به روزمرگی قانع باشد شاید به منافع شخصی بیشتری دست می یافت اما به منافع شخصی بی توجه بود. می گفت: باید هر سال طرح و ایده جدیدی داشته باشیم. به هیچ وجه حاضر نبود به روزمرگی دچار شود حتی اگر هزینه و فایده پروژه های زیاد تفاوتی نداشت، او به خدمتی که به کشور ارائه می شد توجه می کرد؛ مثلاً در علوم پزشکی ایران ایده پزشک قطار مطرح شد. بعد از حساب و کتاب به این نتیجه رسیدیم که در این پروژه ضرر نمی کنیم اما سود چشم گیری هم ندارد. با این حال ایشان گفت این ایده خدمتی به جامعه و مسافری قطار است. به یاد دارم در زمانی که این پروژه را در دست داشتیم چند زایمان در قطار انجام شد که اگر پزشک حضور نداشت مسافران دچار مشکلات عدیده می شدند.

پژوهشگاه رویان رشد کرد و دست آوردهای فراوانی کسب کرد اما در جهاد دانشگاهی علوم پزشکی ایران به کارها و خدمات دیگر زنده یاد کاظمی آشتیانی پرداخته نشده است در صورتی که طرح هایی مانند پزشک قطار، اولین کلینیک چند تخصصی درد و مرکز رشد و سلامت کودک اولین بار توسط زنده یاد کاظمی آشتیانی پایه گذاری شد. کاظمی آشتیانی خدمات مختلف و متنوعی را پایه گذاری کرد اما دنبال اسم و رسم نبود. می دانیم که ایشان هم رئیس پژوهشگاه رویان و هم رئیس واحد علوم پزشکی ایران بود اما فقط از یک جا حقوق و مزایا دریافت می کرد و بحث منافع مادی برایش مطرح نبود.

آیا راه زنده یاد کاظمی آشتیانی ادامه پیدا کرده است؟

راه ایشان در پژوهشگاه رویان ادامه پیدا کرده و دوستان و همکاران زنده یاد کاظمی آشتیانی کاملاً روحیه جهادی دارند زیرا درس آموخته ایشان هستند و راهش را ادامه می دهند. در واحد علوم پزشکی ایران متأسفانه به دلیل انحلال دانشگاه این واحد نیز منحل شد و در واحد علوم پزشکی تهران و مرکز ذخایر ژنتیک ادغام شد و آن انسجامی که وجود داشت، گسسته شد و متأسفانه واحد علوم پزشکی ایران به سرانجام خوبی نرسید.

اگر خاطره ای از زنده یاد دکتر سعید کاظمی آشتیانی دارید تعریف کنید.

زنده یاد دکتر کاظمی آشتیانی سعی می کرد به هر مناسبتی همکاران را دور هم جمع کند؛ مثلاً می گفتند که بعد از ساعت اداری برویم فوتبال و ورزش. این کار موجب همبستگی همکاران می شد. شب های قدر قرار می گذاشتند تا به اتفاق دوستان و همکاران به مسجد بازار و سخنرانی حاج آقا مجتبی تهرانی برویم.

همه طیف ها را به سمت خودش جذب می کرد و حتی یکی از همکاران که به گفته خودش تا آن روز در هیچ مراسم شب قدری شرکت نکرده بود را دعوت کرد بود تا در این مراسم حضور پیداکن که

آقای دکتر کاظمی آشتیانی چه ظرفیتی داشتند که بعد از گذشت ۱۸ سال از فوت ایشان در ضمیر همه دوستان و همکارانشان ماندگار شده اند؟

ایشان برای شخص من مثل دوست یا پدری مهربان بودند. وقتی کاظمی آشتیانی به رحمت خدا رفت به من این احساس دست داد که انگار پدرم را از دست داده ام. بقیه همکاران هم این حس را داشتند. کاظمی آشتیانی برای مجموعه نقش پدیده داشت. خیلی سعی می کرد که روابط صمیمی باشد در مراسم شادی و عزا همکاران و دوستان شرکت می کرد و احوالات افراد را جویا می شد و اگر کاری از دستش برمی آمد انجام می داد.

انسان وفاداری بود. یکی از دوستان دوران دانشجویی ایشان در جبهه به شهادت رسیده بود. هر سال در عید فطر به همراه جمعی به خانه این خانواده در کاشان مراجعه می کرد. از اینجا ما هر سال عید فطر می دانستیم که مسافر کاشان است.

به نظر شما کاظمی آشتیانی را چطور می توان به نسل جدید معرفی کرد؟

نباید یک تصویر دست نیافتنی از زنده یاد کاظمی آشتیانی ایجاد کنیم که همه بگویند ما اصلاً نمی توانیم به گرد پای چنین شخصی برسیم. باید بدانیم که کاظمی آشتیانی فردی بود که در همین جامعه زندگی می کرد و علاقگی داشت. او نیز مانند بسیاری از افراد به یک تیم و رنگ خاصی علاقه داشت و با مسائلی که همه با آن درگیر هستیم مواجه بود.

اگر یک تصویر دست نیافتنی از چنین افرادی ایجاد کنیم دیگر نمی توانیم کاظمی آشتیانی های دیگر داشته باشیم که علاقه مند به کار و کشور باشند. ایشان اعتقادی داشتند مبنی بر اینکه اگر فردی بزرگ شد و سرش به سقف رسید؛ خانه را ترک نمی کند بلکه سقف را ارتقا می دهد و اگر من کاظمی آشتیانی به چهره ماندگار تبدیل شدم دنبال خروج از جهاد دانشگاهی، رفتن به دنبال پست هایی مانند وزارت و... نیستیم. هدفش این بود که پژوهشگاه رویان را ارتقا دهد.

به کشور و مردم عرق داشت و مشکلات را درک می کرد و به یکسری از موضوعات هم انتقاد داشت و بعضی موارد را هم قبول نداشت. او را باید فردی دست یافتنی نشان دهیم تا هر کسی براساس وسع خود در روزمره بتواند در مسیر زیست او قدم بردارد.

اگر دکتر کاظمی آشتیانی امروز زنده بود چه جایگاهی داشت؟

اگر ایشان الان حضور داشتند قدر مسلم بدانید که در خط مقدم دانش سلول های بنیادی بودیم. البته اکنون هم در مرز دانش سلول های بنیادی هستیم؛ اما اگر ایشان بودند این رشد خیلی سریع تر انجام می شد؛ مثلاً اکنون به تولید سلول بافت قلبی رسیده ایم؛ اما قلب را نساخته ایم.

کاظمی آشتیانی روح ناآرامی داشت که علاقه مند به کار و پیشرفت بود. اصلاً به روزمرگی قانع

تأثیر زنده‌یاد کاظمی آشتیانی بر جهاددانشگاهی و جریان علمی کشور چه بوده است؟

در تعبیری که مقام معظم رهبری در هفته بسیج در دیدار با بسیجیان داشتند اشاره فرمودند که زنده‌یاد کاظمی آشتیانی قله‌های علم را در کشور و دنیا جابه‌جا کرد. جهاددانشگاهی به عنوان زیست‌بوم فناورانه فرهنگ‌پایه انقلاب اسلامی، مزیت دیگری به غیر از وجود قله‌هایی مثل دکتر سعید کاظمی آشتیانی، دکتر حسین بهاروند و امثال این افراد نداشته و ندارد و اگر امروز ما خادم مردم هستیم به دلیل وجود همین قله‌ها است.

وقتی می‌خواهیم انتخاب کنیم که در یک سازمان و نهادی خدمت کنیم اسطوره‌ها، قله‌ها، جهت‌گیری‌ها و ارزش‌های بنیادین آن حتماً در کمیت و کیفیت انتخاب ما تأثیرگذار است. همین امروز که با هم صحبت می‌کنیم هم جهاددانشگاهی و هم رویان - به عنوان فرزند خلف و صالح جهاددانشگاهی - مروهون شخصیت‌ها و بلند اندیشی‌های کاظمی آشتیانی است. زنده‌یاد کاظمی آشتیانی و امثال ایشان از استعدادهایی بود که در یک ساختار نهاد مبارکی به نام جهاددانشگاهی به هم رسیدند و کارهای بزرگ اتفاق افتاد؛ امروز به عنوان میراث‌داران و امانت‌داران این امانت موظف هستیم که عرصه ورود کاظمی آشتیانی‌ها و افراد بلند اندیش را تسهیل کنیم و پس از اینکه این افراد وارد جهاددانشگاهی شدند که به فضل خدا امروز اندک هم نیستند، موظفیم تا پشتیبانی، زیرساخت‌ها و منابع مورد نیاز را فراهم کنیم تا دانشمندان و اندیشمندان در راستای تحقق اهداف بلند انقلاب اسلامی بتوانند بدرخشند.

جنبه‌های مدیریتی زنده‌یاد کاظمی آشتیانی چگونه بود که شاهد چینی موفقیت‌هایی هستیم؟

هیچ موفقیتی اتفاقی و شانسی نیست؛ وقتی می‌بینید که کاظمی آشتیانی دستاوردهای در قله را در گستره بشریت و نه فقط مرزهای جمهوری اسلامی ایران ارتقا می‌دهد باید این کارها را تبدیل به مدل و الگو کنیم. جهاددانشگاهی کارهای خوب و اثرگذار در هر حوزه‌ای بسیاری انجام داده است به عبارتی کار خوب زیاد کردیم اما خوب کار نکردیم؛ یعنی مانند برخی از کشورهای توسعه یافته کارهای خوبی که توسط انسان‌های بزرگ انجام گرفته را تبدیل به مدل و الگو نکردیم. در همین راستا مقام معظم رهبری نیز انتقاد کردند که فرزندان ما ابعاد مختلف زندگی شخصیت‌های فوتبالی را می‌شناسند ولی از کاظمی آشتیانی خیلی اطلاعی ندارند؛ ریشه این موضوع در فقدان مفاهمه درست صدور انقلاب اسلامی است.



دکتر سید رضی آقاسیدی، معاون پشتیبانی جهاددانشگاهی

«ما می‌توانیم» میراث او بود

گفت‌وگو

سید رضی آقاسیدی در شهر تبریز متولد شد. تحصیلات ابتدایی تا کارشناسی ارشد خود را در این شهر به پایان رساند. وی دارای کارشناسی مکانیک و کارشناسی مدیریت اجرایی از دانشگاه تبریز است. آقاسیدی در مقطع دکتری به حوزه خط مشی گذاری و تصمیم‌گیری ورود کرد و مدرک خود را دریافت کرد. وی رساله خود را در رابطه با «ارائه مدلی برای ارزیابی خط‌مشی‌های فضای مجازی» به رشته تحریر در آورده است. آقاسیدی اکنون معاون پشتیبانی جهاد دانشگاهی فعالیت می‌کند.

رابطه معنی‌دار عاطفی داشته و دارم و امیدوارم که بتوانیم بخشی از آرمان‌های ایشان را در حیطه مأموریتی خودمان به کرسی بنشانیم و محقق کنیم.

از چه زمانی با دکتر سعید کاظمی آشتیانی آشنا شدید؟

بنده آشنایی مستقیمی با دکتر کاظمی آشتیانی نداشتم اما با سیره و آثار ایشان



را در عرصه‌های مختلف اندیشه‌ای و عملی در ایشان مشاهده کنید.

اکنون کشور در حوزه مدیریت نخبگان دچار کلافگی و سردرگمی است اما سیره و مدل مدیریت نخبگانی کاظمی آشتیانی باید گزینه روی میز همه مجموعه‌ها از جمله جهاددانشگاهی باشد. سیره مدیریتی کاظمی آشتیانی در رابطه با نخبگان اینگونه بوده است که نخبه کسی است که بتواند مسئله حل کند، ملزومات و تسهیلات مورد نیاز تحقق اهداف بخش عمومی را دنبال کند نه اینکه صرفاً منفعت شخصی برای نخبه تعریف کنیم برای اینکه این فرد بماند تا برخی آمارها را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین امروز جهاددانشگاهی و کشور نیازمند مدل کار مکتب کاظمی آشتیانی در حوزه مدیریت است.

شیوه مطلوب الگوسازی از دکتر کاظمی آشتیانی برای تکثیر اندیشه و منش ایشان چیست؟

نگاه سیستمی و فرابخشی می‌تواند بسیاری از مشکلات ما را به صورت هماهنگ و یکپارچه حل کند؛ یکی از مشکلاتی که در کشور داریم این است که نگاه‌ها به صورت بخشی است. اگر بخواهیم مدل‌سازی و الگوگیری درستی انجام دهیم نباید اقدامات و آثار افراد الگو را جدا و سوا کنیم بلکه باید کارهای درست و خطا را با هم ببینیم و در اسطوره‌سازی این افراد را به مقام عصمت نرسانیم یعنی فقط موفقیت‌ها را بیان نکنیم و خطاها را رها کنیم. اگر صرفاً به بیان موفقیت‌ها پردازیم افراد دست‌نیافتنی خواهند شد. می‌توان اینگونه بیان کرد که کاظمی آشتیانی یک فرد معمولی و یکی از بندگان خدا اما دانشمند هم بود مانند سایر دانشمندان در کنار موفقیت‌های خود خطاهایی هم احتمالاً داشته است اما برآیند عملکرد کاظمی آشتیانی افتخارآفرین است.

ما در مواجهه با الگوسازی یک تصویر کاملاً پاک و پاکیزه و بری از هرگونه مزاج، شوخی و خطا تصویر می‌کنیم که منجر به شکل‌گیری عارضه الگوی دست‌نیافتنی می‌شود. بسیاری از هم‌دوره‌ای‌های کاظمی آشتیانی ویژگی‌های ایشان را داشتند اما عوامل دیگر مانند محیط زیست و حضور در جهاددانشگاهی منعطف نیز در درخشش و ماندگاری دکتر کاظمی آشتیانی تأثیرگذار بوده است. بنابراین باید به تک‌تک عناصر و عوامل محیطی موجود در مسیر موفقیت توجه کرد.

میراث زنده‌یاد کاظمی آشتیانی چیست؟ تحقیق و تبیلر شعار ما می‌توانیم، خودباوری و صرف فعال توانستن میراث ملموس زنده‌یاد کاظمی آشتیانی است. قطعاً اگر کاظمی آشتیانی همچنان بود، مسیر رو به رشدی داشت.



با توجه به این موضوعات باید مدل مدیریتی کاظمی آشتیانی تعریف و ارائه شود. مدیر مؤمن انقلابی صرفاً پله قربان گوی بالادست خود نیست و در مقام رعایت ادب کاملاً مبادی آداب است ولی در مقام تصمیم کاملاً متهورانه و تحول‌خواهانه عمل می‌کند که می‌توانیم در تمام تصمیمات و شئون مدیریتی کاظمی آشتیانی این موضوع را مشاهده کنیم.

آیا راه دکتر کاظمی آشتیانی ادامه یافت؟
بنیان پژوهشگاه رویان براساس تقوا بوده است و به همین دلیل تاکنون یک خط کاملاً صعودی را طی کرده است. دکتر حسین بهاروند یکی از خلف‌های صالح دکتر کاظمی آشتیانی است که امروز به صورت کامل می‌توان سیره و منش آقای کاظمی آشتیانی

سیره مدیریتی کاظمی آشتیانی در رابطه با نخبگان اینگونه بوده است که نخبه کسی است که بتواند مسئله حل کند، ملزومات و تسهیلات مورد نیاز تحقق اهداف بخش عمومی را دنبال کند نه اینکه صرفاً منفعت شخصی برای نخبه تعریف کنیم برای اینکه این فرد بماند تا برخی آمارها را تحت تأثیر قرار دهد

فرمانی که مقام معظم رهبری در جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی دارند؛ تمدن‌سازی در همین تعریف ایجاد مدل و الگوی شخصیت‌هایی مانند کاظمی آشتیانی است. بنابراین اگر ما نیز به عنوان خادمین و اعضای جهاددانشگاهی می‌خواهیم مسیر درخشان این عزیزان را طی کنیم حتماً باید یکی از گام‌های مؤثر و مفیدمان این باشد که این بزرگان را بشناسیم.

امروز که با هم صحبت می‌کنیم همچنان مدل تفکر و اندیشه و عملکرد کاظمی آشتیانی می‌تواند اسطوره و الگوی بسیاری از موفقیت‌ها در گستره بین‌المللی به‌خصوص در جهاددانشگاهی باشد. کاظمی آشتیانی مصداق بارز دانشمند مؤمن و مسلمان بود چراکه کوتاه‌نظر و متحجر نبود و اندیشه بلندی داشت. سیره شخصی ایشان همراه با خودسازی بوده و در قیدوبند دنیا نبودند و در عین حال توجه به نظام‌سازی هم داشتند.

عملکرد کاظمی آشتیانی برای کل بشریت ارزشمند بود و اثر ثانوی این عملکرد سبب اقتدار انقلاب اسلامی در حوزه سلول‌های بنیادی در دنیا شد. در واقع اصل خروجی کار ایشان این بوده که یک گستره دانشی را برای بشریت گشودند که این شجره‌طیبه همچنان توسط همکاران و دوستان دکتر کاظمی آشتیانی در حال تبلور است.

باید نوع مدیریت مفهومی، ایرانی-اسلامی کاظمی آشتیانی تبدیل به مدل و الگو شود تا بتوان امثال ایشان را تکثیر کرد. دکتر کاظمی آشتیانی یک جمله معروف داشتند مبنی بر اینکه امروز مؤثر و فردا اثر هستیم؛ ایشان در رابطه با مؤثر بودن خود سنگ تمام گذاشتند. کاظمی آشتیانی یک مدیر مؤمن انقلابی اصیل بود که امروز نمونه‌های تقلبی این نوع مدیریت را زیاد می‌بینیم که با ظاهرسازی‌ها، محتاط بودن‌ها و تملق‌گویی‌ها همراه است و تصویر عمومی از مدیر مؤمن انقلابی اینگونه است که هیچ ریسکی نکنند و همه چیز را براساس پروتکل‌های ابلاغی انجام دهد ولی ایشان در عین اینکه صادقانه مؤمن بود، اقدامات و تصمیماتی را اتخاذ می‌کرد که ساختار رسمی کاملاً در برابر آن مخالفت می‌کرد و می‌گفت که این کار نمی‌شود و نباید انجام شود اما چون رابطه او با خداوند متعال و اهل بیت (ع) تنظیم بود هنگام ایجاد گره‌ها به خداوند و معصومین (ع) متوسل می‌شدند و در گشایش‌ها نیز شکرگزار و قدردان عنایات الهی بود. لذا وقتی فردی این تنظیم‌گری را داشته باشد موفق خواهد شد. کاظمی آشتیانی متبلورکننده نامه حضرت علی (ع) به مالک اشتر بود که در عین مهربانی با زیردستان و توجه به نیازهای زندگی شخصی افراد با نظاماتی که مانع پیشرفت و تحقق آرمان‌ها است برخورد می‌کرد. بنابراین

در سیره مدیریتی
کاظمی آشتیانی
نخبه کسی است که بتواند
مسئله حل کند،
ملزومات و تسهیلات مورد نیاز
تحقق اهداف بخش عمومی را
دنبال کند
نه اینکه صرفاً
منفعت شخصی برای نخبه
تعریف کنیم
برای اینکه این فرد بماند تا
برخی آمارها را تحت تأثیر قرار دهد



گفت و گو با دکتر مهدی فیض، معاون فرهنگی اسبق جهاددانشگاهی

سقف را بلندتر کنیم

گفت و گو

دکتر مهدی فیض، معاونت فرهنگی جهاددانشگاهی، معاونت فرهنگی دانشجویی دانشگاه جامع علمی کاربردی و معاونت پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش را در کارنامه خود دارد. یکی از مهمترین دغدغه‌ترین‌های او در تمام این سمت‌ها، تدوین الگوی شایستگی مطلوب برای مقاطع مدرسه و دانشگاه بود، با این هدف که طبق خواسته رهبر انقلاب، خروجی دستگاه آموزشی کشور، انسان‌هایی در طراز شهید چمران باشند. یعنی دانشمندان مؤمن که هدف آنان اعتلای نظام اسلامی باشد.

حضرت تعالی علاوه بر سال‌ها عضویت در جهاددانشگاهی و تدریس در مدرسه و دانشگاه، در دوره‌ای نیز معاون پرورشی وزارت آموزش و پرورش بوده‌اید. به باور شما برای تربیت نخبگان مومنی که دغدغه آنان اعتلای امت اسلام باشد چه باید کرد؟

در پاسخ به این سوال، لازم است ابتدا مقدمه‌ای قرآنی را مرور کنیم. قرآن کریم وقتی که می‌خواهد فضائل را معرفی کند، آنها را مستقل از انسان معرفی نمی‌کند. در ادبیات قرآن، فضیلت‌ها به انسان گره خورده‌اند. برای مثال اگر از ابتدا تا انتهای قرآن را مرور کنید، هیچ کجا تعریفی از فضیلت ایمان ارائه نشده؛ اما ایمان درون انسان یعنی «مومن» تعریف شده است. در روایات تعریفی از ایمان داریم ولی در قرآن، فقط تعریف مومن آمده است نه ایمان. هیچ آیه‌ای در قرآن نگفته است: «تقوا عبارت است از...». چون فرض بر این است که بناسبت تقوا در یک انسان مستقر باشد، قرآن متقی را تعریف کرده است. یکی از آیاتی که این رویکرد را به زیبایی بیان کرده است، آیه ۷۷ سوره بقره است: «لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ

تُؤْلُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ».

این آیه مربوط به بحث تغییر قبله است. می‌فرماید اینکه به کدام سمت نماز بخوانید، هنر نیست. یکی از معنای بر-هنر- به معنی کار فوق‌العاده و خاص- است. نماز خواندن به سمت شرق یا غرب کار ارزشمندی نیست؛ بلکه هنر آن است که... به جای اینکه بگوید چه کاری ارزشمند است، می‌گوید که انسان ارزشمند کیست. ابتدا می‌گوید: «لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا...». اما در ادامه می‌گوید: «وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ...». نگفته است بر آن است که چنین شود بلکه می‌گوید بر کسی است که چنین کند. یکی دیگر از مصادیق این قاعده، آیه ۱۹ سوره مبارکه توبه است: «أَجْعَلْتُكُمْ سِبْقَاةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَشْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ

وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ». سقایه و عماره اسم مصدرند. آیه می‌گوید آیا آب دادن به حجاج و آباد کردن مسجدالحرام را با کسی که به خدا ایمان آورده یکی می‌دانید؟ دو مصدر را با یک انسان مقایسه کرده است. شاید برای شما این سوال پیش بیاید که ویژگی یک انسان چیست که می‌تواند صاحب فضیلت باشد؟ این ویژگی به باطن انسان باز می‌گردد. در هر دو مثال، ایمان محوری است که با این فضیلت‌ها گره خورده است. یعنی اگر قرار است فضیلتی در کسی ایجاد شود، آن فضیلت باید با یک باطن ایمانی شکل بگیرد. اگر باطن ایمانی وجود نداشته باشد، آن چیزهای به ظاهر خوبی که می‌بینیم، فضیلت به حساب نمی‌آیند. این واقعیت که حتی یک آیه در تعریف تقوا، ایمان و احسان در قرآن نیامده، به اندازه کافی نشان دهنده این نکته است که تمام این فضیلت‌ها به انسان گره می‌خورند و آنچه در انسان محور این فضیلت‌هاست، ایمان است. بنابراین اگر بخواهیم مجموعه‌ای از فضیلت‌ها را به عنوان الگوی شایستگی نخبگان معرفی کنیم باید حتماً این فضیلت‌ها ظهور و بروز یک فضیلت باطنی باشد. در بزرگانی مثل شهید چمران، شهید مطهری، شهید بهشتی، زنده‌یاد زنده یاد کاظمی آشتیانی و امثالهم چنین الگویی را می‌بینیم. یعنی یک باطن مملو از ایمان که این آثار از آن باطن به ظهور و بروز رسیده است. اگر قرار است کسی را تربیت کنیم، باید از چنین الگویی پیروی کنیم. تربیتی که در ضمن باطن‌سازی به بقیه فضیلت‌ها بپردازد.

جالب است بدانید که عالمان علوم انسانی اصرار دارند این مسائل را تعریف کنند. در حالی که به نظر می‌رسد از منظر قرآن، اینها قابل تعریف نیستند. ایمان چیزی نیست که بدون استقرار در یک انسان، در جایی از عالم وجود داشته باشد. آنچه وجود دارد، مومن است نه ایمان. به نظر



به روایت فاضلی

از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴ که به عنوان معاون پژوهشی دکتر کاظمی آشتیانی کار می‌کردم، روزی ۱۰ تا ۱۲ ساعت باهم بودیم. خیلی زود سر کارش حاضر می‌شد؛ کانون تفکر و مشاوره بود. خلق ایده، حمایت از ایده و شکار ایده جزو هنرهای بی‌بدیل ایشان محسوب می‌شد. خیلی از خیزش‌های رویان حاصل همین تفکرات و ایده‌هاست. ندیدم در دفتر کارش به روی کسی بسته باشد و هر کسی کاری داشت منتظر هماهنگی یا وقت گرفتن نمی‌ماند. کل مساحت اتاق دکتر کاظمی آشتیانی فضا برای یک میز و چند صندلی برای میهمان داشت. حتی کامپیوتر هم نداشت و اگر می‌خواست درباره یک موضوع اطلاعاتی پیدا کند می‌گفت برو این موضوع را از سایت برای من پیدا کن. البته همه دفاتر کامپیوتر داشتند. نقشه راه کاری را که باید انجام می‌شد، روی تخته می‌نوشت و در محیط آرام تصمیم می‌گرفت چه باید بکند. بیشترین توجه دکتر کاظمی، جذب افراد بود تا دفع آنها. سره را از ناسره خوب تشخیص می‌داد. دکتر کاظمی برای خلق ایده مهارت خاصی داشت. مثلاً ۱۰ تا ۱۵ نفر از مدیران ارشد خود را در یک گردش دوستانه در خارج از تهران دور هم جمع می‌کرد و از دل این گردش دوستانه، ده‌ها سوژه و موضوع برای یک تا دو سال کاری به دست می‌آورد. یا اگر قبلاً موضوعی طرح شده بود به آن پروبال می‌داد و برای این که ایده‌ها را به محصول علمی تبدیل کند همه امکانات در اختیار را به کار می‌گرفت. دایره ارتباط علمی گسترده‌ای داشت. مثلاً علاوه بر بهره‌مندی از متخصصان داخلی، به کسانی که در خارج از کشور فارغ التحصیل شده بودند و می‌توانستند به پیشرفت کشور کمک کنند هم میدان می‌داد. رویان به خاطر نوع نگاه دکتر کاظمی و خلاقیت‌های کسانی که اوج رسید که دلسوز کشور بودند. دکتر کاظمی آشتیانی به خاطر موفقیت‌های علمی برای خودش سهمی نمی‌خواست و به همان حقوق دریافتی قانع بود. حتی جایزه‌های خود را در بین همه تقسیم می‌کرد.

به روایت سید ابوالحسن شاهزاده فاضلی
منبع: روایت یک رویش

داشتند. یک ویژگی دیگر ایشان شاگردپروری بود؛ من جمله آقای دکتر بهاروند. تعامل ایشان با جناح‌های مختلف سیاسی خوب بود. مبنای فکری او خدمت به مردم بود. وجود یک شایستگی پایه در او، یعنی خدمت به مردم، به تعاملات اجتماعی و حتی سیاسی او هم جهت داده بود. از تمامی این ظرفیت‌ها برای پیشبرد اهداف متعالی خود بهره می‌برد. علیرغم اینکه رهبر معظم انقلاب، اعضای بیت و نزدیکان ایشان می‌دانستند که آقای کاظمی آشتیانی از حیث سیاسی بیشتر به جناح اصلاح‌طلب گرایش دارد. با این حال در نگاه رهبری بسیار عزیز و محبوب بود.

رهبری در افتتاح ساختمان جدید رویان درباره ایشان کلماتی را به کار برده‌اند که قابل تأمل است.

فعالیت‌های دکتر کاظمی آشتیانی آبرویی برای نظام و خدمتی به عموم مردم بود. از یک منظر دیگر چنین می‌توان برداشت کرد که نسبت دادن نگاه تنگ نظرانه سیاسی با واقعیت سازگار نیستند؛ نمونه‌اش هم همین دکتر کاظمی آشتیانی. معیار رهبری انقلاب هم این است که چه کسی به مردم خدمت می‌کند. رهبری وقتی می‌خواهند مثال بزنند، بارها اسم دکتر کاظمی آشتیانی را آوردند. در هر دوره زمانی و در هر رشته و تخصصی باید یک چمران داشته باشیم که مثال زدنی باشد. به این معنا که همه متوجه بشوند در هر زمانی و در هر تخصصی می‌توان مثل چمران عمل کرد؛ اینطور نباشد که کسی گمان کند چمران اسطوره‌ای دست نیافتی بود. از این جهت، زنده‌یاد کاظمی آشتیانی از مصادیق این گونه زیستن است. جمع‌بندی عرایض این است که اولاً انگیزه، هسته مرکزی و موتور محرک انسان‌هاست که باید به درستی شکل بگیرد. ثانیاً اینکه تعالی و تصدیع انگیزه عموماً ناشی از هم‌نشینی بچه‌ها در دوران نوجوانی با افراد بزرگ است. ششست و برخاست کردن با کوتاه‌دها آدم را کوچک می‌کند.

کسی از امام حسین(ع) سوال کرد شما که در کودکی پیامبر(ص) را درک کردید؛ جمله‌ای از ایشان در خاطر دارید که به ما بگویید؟ امام حسین(ع) این جمله را به نقل از پیامبر می‌فرمایند: «ان الله يحب المعالی الامور» یعنی خداوند کارهای تعالی و با افاق بلند را دوست می‌دارد. زنده‌یاد کاظمی آشتیانی می‌گفتند: «ما در جهاد دانشگاهی آموخته‌ایم که وقتی قد می‌کشیم از خانه خودمان هجرت نمی‌کنیم، بلکه سقف خانه را بلندتر می‌کنیم».

موسسه رویان و تمام واحدهای جهاد دانشگاهی باید در ضمن کار علمی با نیروهای جوانی که به آنها مجموعه پیوسته‌اند این فرهنگ را آموزش بدهد. فرهنگ سازمانی نیاز به ساختاری مجزا در معاونت فرهنگی دارد. اگر اتفاق نیفتد، با رفتن نسل اول اعضای جهاد دانشگاهی، هویت انقلابی، دینی و جهادی این نهاد از بین خواهد رفت.

می‌رسد این قاعده در تعریف مفاهیم انسانی هم می‌تواند مبنا قرار بگیرد.

این تئوری تربیتی در مقام عمل چگونه باید اجرا شود؟

در حوزه مطالعاتی روانشناسی و علوم تربیتی مفهومی با عنوان شایستگی یا competency داریم. یکی از ابهامات در مطالعات مربوط به حوزه شایستگی که صرفاً مختص ما نیست و یک مسئله جهانی است، دسته بندی شایستگی‌هاست. کاری که ما باید در کشور انجام بدهیم - و البته هنوز انجام ندادیم - این است که برای شایستگی‌ها سلسله مراتب تعریف کنیم. یعنی بگوییم بعضی از شایستگی‌ها ریشه‌ای هستند، بعضی یک سطح بالاتر هستند، بعضی دو سطح بالاتر هستند. هر چه سطوح شایستگی‌ها بالاتر می‌آید به نیاز زندگی اجتماعی مردم نزدیک‌تر می‌شود. این مطلب به این معناست که اگر بخواهیم بچه‌ها را در دوران دبستان رشد بدهیم، نباید به آنها القا کنیم تو خلبان خوبی خواهی شد. خلبانی در گوشت و خون هیچکسی نیست؛ شایستگی‌ای نیست که مربوط به دوران کودکی کسی باشد. تمام بچه‌ها به پرواز علاقه دارند. وقتی همه چیز را از بالا می‌بینند کیف می‌کنند. نمی‌شود از ابتدای دوران تحصیل کسی را برای مهندسی یا برای پزشکی تربیت کرد. نمی‌توان گفت چون این بچه عاشق بازی‌های کامپیوتری است پس باید او را برای طراحی بازی‌های کامپیوتری در آینده تربیت کنیم. متأسفانه در کشور ما هم مثل برخی از کشورها، گاهی چنین رویه‌ای در پیش گرفته می‌شود. سبک تعلیم و تربیت کهنه و منسوخ آلمان و ژاپن اینطور بوده است؛ اما آنها ۳۰ سال پیش از این کار دست کشیدند ولی ما هنوز هم در بعضی مدارس، از این روش پیروی می‌کنیم. برای مثال، شرکت خودروسازی تویوتا مدرسه‌ای داشت و از همان ابتدای دوران دبستان دانش‌آموزانش را برای مهندسی مکانیک خودرو تربیت می‌کرد. این سبک تربیتی الان منسوخ شده است. ما باید به دنبال شایستگی‌های پایه باشیم.

شایستگی‌های پایه چیست؟

اصلی‌ترین شایستگی مربوط به «انگیزه» است. دانش‌آموزان باید به گونه‌ای تربیت شوند که انگیزه خدمت به مردم را داشته باشند.

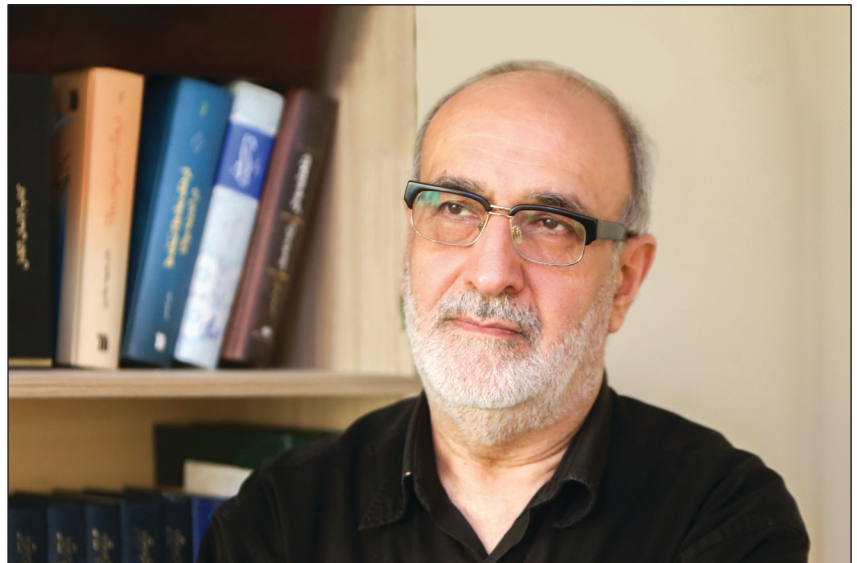
شایستگی «انگیزه خدمت به مردم» در دوران ابتدایی باید پرورش داده شود؟

بله، این شایستگی را از دوران دبستان به مرور می‌توان در دانش‌آموز ایجاد کرد.

شنیدن نام سعید کاظمی آشتیانی، چه تصویری را در ذهن شما تداعی می‌کند؟

آنچه که من از ایشان دیدم، صداقت، تواضع، عدالت مشهود نسبت به زیردستان بود. همکاران رویان علاقه بسیار وافری به او

شیعه واقعی
حضرت امیرالمؤمنین (ع) بود
که بالاترین مکتب عرفانی است.
ایشان مثنوی می خواند
و بسیاری از قسمت های
مثنوی معنوی را حفظ بود،
ابن عربی و کتاب فصوص الحکم را
می شناخت و جزو باورهای اعتقادی
و عرفانی او بود؛
بنابراین سعید کاظمی آشتیانی
در جای خود و برای خودش
یک عارف محسوب می شد



گفت و گو با محمد شیراوند، دوست قدیمی دکتر کاظمی آشتیانی

انسانی در تراز قرآنی

گفت و گو

محمد شیراوند در سال ۱۳۳۹ در شهر تهران متولد شد. وی تحصیلات دوره ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان خود را در این شهر به پایان رساند. شیراوند دارای کارشناسی شنوایی شناسی از دانشکده علوم توان بخشی دانشگاه علوم پزشکی ایران و کارشناسی ارشد آموزش بهداشت دانشگاه تربیت مدرس است. وی اکنون عضو گروه آموزشی دانشکده علوم توان بخشی دانشگاه علوم پزشکی ایران و مدیر مؤسسه فرهنگی «طوبای محبت» است.

آشنایی شما و زنده یاد دکتر سعید کاظمی آشتیانی به چه زمان بازمی گردد؟

من و آقای سعید کاظمی آشتیانی از قبول شدگان کنکور سال ۱۳۵۷ و اولین ورودی سال ۱۳۵۸ و هر دو پذیرفته شده دانشگاه کاشان بودیم که در مسیر رفتن به دانشگاه با هم آشنا شدیم. سال ۱۳۵۹ دانشگاه ها به دلیل انقلاب فرهنگی تعطیل شد و آقای کاظمی آشتیانی برای تدریس به مدرسه رفت و قرآن و ادبیات تدریس می کرد و بعد از آن به دانشگاه رفت هنگام دانشجویی دروس معارف و قرآن را در دانشگاه تدریس می کرد.

زنده یاد سعید کاظمی آشتیانی مسئول جهاد دانشگاهی دانشکده علوم توان بخشی دانشگاه علوم پزشکی ایران شد و من هم در کارهای فرهنگی به ایشان کمک می کردم. بعد از این رویداد که با هم همکاری داشتیم ارتباط ما برقرار و رفاقتمان بر مدار بود.

ورود آقای کاظمی آشتیانی به حوزه ناباروری یک اتفاق فوق العاده است از این نظر که اولین بچه لوله آزمایشگاهی و لقاح خارج رحمی در انگلیس در سال ۱۹۷۸ زاده شده است. سعید کاظمی آشتیانی در دوره فوق لیسانس یعنی کمتر از ده سال بعد

سمت IVF یا لقاح خارج رحمی منتقل کنید و من می خواهم چنین کاری در زمینه ناباروری انجام دهم.

این موضوع زمانی اهمیت پیدا می کند که یک دانشجوی جوان آن را مطرح می کند. نامه های مکرر سعید کاظمی آشتیانی باعث می شود تا آنها زمینه تخصصی خود را تغییر دهند و اکنون این دو نفر یعنی دکتر احمد حسینی و دکتر مجتبی رضازاده از بزرگ ترین دانشمندان حوزه ناباروری هستند که به نشویق سعید کاظمی آشتیانی به این حوزه وارد شدند.

من این اتفاق را معجزه می دانم و همیشه گفتم که کاظمی آشتیانی معجزه ای بود که ما به چشم خود دیدیم. امروز بیش از ۴۰ هزار مرد و زن به لطف و رحمت خداوند به واسطه سعید کاظمی آشتیانی و همکارانشان فرزندار شدند که نشان دهنده وسعت این کار بسیار بزرگ است.

سعید کاظمی آشتیانی قاری قرآن بود، صوت و لحن می دانست و به ادبیات مسلط بود اما با این حال برای افتتاح پژوهشکده رویان به من گفت تا در آن روز قرآن بخوانم و آیات سوره مؤمنون را که در رابطه با نحوه شکل گیری جنین است انتخاب کرد. این موضوع نشان دهنده این است که این جوان حتی برای افتتاح مجموعه کاری، آیاتی را انتخاب می کند که با آن کار و فعالیت مرتبط باشد. به یاد دارم برای تولد هزارمین کودک مرا دعوت کرد که این اتفاق برای من بسیار خاطره انگیز بود.

در رابطه با ویژگی های مدیریتی دکتر کاظمی آشتیانی برای ما بیشتر توضیح دهید.

یکی از ویژگی های مهم کاظمی آشتیانی این بود که ایشان به یک خود باوری بسیار بزرگ و ارزشمندی رسیده بود و خود را باور کرده

از این رویداد بود که به فکر پرداختن به این حوزه می افتد. این موضوع که این فکر در ذهن دانشجوی اوایل دوره ارشد ایجاد شده باشد آن هم در دوران جنگ، اتفاق قابل توجهی است.

به این علت به دوره جنگ اشاره کردم که کاظمی آشتیانی در بسیاری از عملیات های دفاع مقدس مانند کربلای ۴، کربلای ۵، والفجرها به عنوان رزمنده و پزشک یار حضور داشت. در دانشکده اولین کسی که لباس خاکی رزم به تن می کرد که به جبهه برود کاظمی آشتیانی بود. زمان جنگ وقتی که هنوز هیچ شبکه مجازی و اینترنتی نداشتیم یک جوانی به این فکر می افتد که به موضوع ناباروری بپردازد؛ این اتفاق را می توان یک بارقه الهی دانست.

نکته جالب دیگر این است که همان سال ها دو تن از دوستان خوب ما برای تحصیل به دانشگاه گلاسکو در انگلستان رفتند و کاظمی آشتیانی با این افراد مکاتبه کرد که اسناد آن موجود است؛ به این افراد پیامی مبنی بر این موضوع داد که من از شما خواهش می کنم اگر برای شما مقدور است زمینه تخصصی تحصیلی خود را از نوراناتومی به



بود و نگرش کاملاً جامع‌الاطراف‌ی داشت ریشه در آموزه‌های قرآنی دارد که همه آنها را می‌توانیم با آیات الهی مستند کنیم. فکر می‌کنم قرآن خیلی به او کمک کرده‌بود یعنی در نشست‌هایی که داشتیم وقتی صحبت می‌کرد متوجه می‌شدیم که او از منبعی صحبت می‌کند که بنیان قوی‌ای بر موضوعاتی که مطرح می‌کند حاکم است. دعای کمیل دانشکده هر هفته با حضور سعید کاظمی آشتیانی برگزار می‌شد و هفت سال نشست‌هایی در رابطه با آداب‌الصلاة داشتیم که ایشان از افراد برجسته حاضر در این جلسه بود. همه این موضوعات نشست گرفته از باورهای دینی و قرآنی بود که باید آنها را در دامن پاک مادر و آغوش پدرشان جست زیرا از یک خانواده بسیار متدین، مردم‌دار و مؤدب زاده شده بود. بنابراین می‌توان همه این موضوعات را به آموزه‌های دینی و قرآنی نسبت داد.

سعید کاظمی آشتیانی در سلوک شخصی و معنوی خود نیز مثال زدنی است؛ ایشان مطلقاً دنبال دیده شدن و ریاکاری نبود و از اینکه نام او جایی باشد پرهیز می‌کرد که این رفتار یک نوع سلوک عرفانی است و می‌توان گفت او یک شیعه واقعی حضرت امیرالمؤمنین (علی) بود که بالاترین مکتب عرفانی است.

ایشان مثنوی می‌خواند و بسیاری از قسمت‌های مثنوی معنوی را حفظ بود، این عربی و کتاب فصوص‌الحکم را می‌شناخت و جزو باورهای اعتقادی و عرفانی او بود؛ بنابراین سعید کاظمی آشتیانی در جای خود و برای خودش یک عارف محسوب می‌شد.

چگونه می‌توان سعید کاظمی آشتیانی را تبدیل به الگو کرد تا تکثیر شود؟

صائب تبریزی یک شعری دارد که می‌فرماید «خاکیان پاک طینت، بنده یک سبجه‌اند/ هر که یک دل را نوازش کرد عالم را نواخت» گرفتاری ما این است که نسبت به هستی، انسان‌ها و طبیعت مشکل‌شناختی و نگرشی پیدا کردیم و این مشکل نگرشی باعث شده تا آموزه‌های اولیه الهی مانند موضوع کرامت انسانی را فراموش کنیم. اگر قرار است که انسان‌ها بزرگ شوند باید مقداری وسعت نظر پیدا کنند و همه را بیاورند و در دایره نگاه انسانی خود قرار دهند.

مولا امیرالمؤمنین (ع) عبارتی دارد که می‌فرماید «إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ أَوْعِيَةٌ فَخَيْرُهَا أَوْعَاها» یعنی این قلوب انسانی به سان یک ظرف است و آن ظرفی بهتر است که بزرگ‌تر باشد؛ متأسفانه ظرف ما روز به روز در حال کوچک‌تر شدن است اما ظرف کاظمی آشتیانی بسیار بزرگ بود و همه مدل افراد با هر نوع تفکر و گرایش، مظلوفی بودند که در دل ظرف بزرگ سعید کاظمی آشتیانی جای می‌گرفتند.



داد و به حوزه سلول‌های بنیادی، تأسیس بانک بندخون نوزادان، تبدیل پژوهشکده به پژوهشگاه، راه‌اندازی پژوهشکده‌های مختلف، تأسیس چندین مجموعه دانش‌بنیان و... پرداخت. نحوه مدیریت سعید کاظمی آشتیانی همدلی با کارکنان و همکاران خود بود. دانشکده ما چندین شهید دارد که یکی از شهدا فردی به نام «غلامرضا رعیت یزدلی» که اهل کاشان بود و این شهید پدر و مادر پیری داشت؛ سعید کاظمی آشتیانی خود را مقید کرده بود که مدام به این پدرمادر سرزند و حتماً ماهی یکبار به کاشان می‌رفت. توجه به این موضوعات با آن همه مشغله واقعاً عجیب بود. وقتی کاظمی آشتیانی از دنیا رفت پدر شهید رعیت به من گفت که من باید ده سال زودتر از آقای کاظمی آشتیانی فوت می‌کردم اما سعید کاظمی آشتیانی با تلاش‌ها و توجهات خود نگذاشت که این اتفاق بیفتد.

سعید کاظمی آشتیانی یک شخصیت جامع‌الاطراف و بزرگ داشت که صحبت کردن در رابطه با او سهل و ممتنع است؛ سهل از این نظر که می‌توان چندین ساعت در رابطه با ویژگی‌های شخصیتی او صحبت کرد و ممتنع از این منظر که ظرافتی و ویژگی‌های ناشناخته‌ای دارد که نمی‌توان به خوبی در رابطه با آن صحبت کنیم. کاظمی آشتیانی علاوه بر اینکه یک معجزه بود اما می‌تواند یک الگو برای مردم، جوانان، مدیران، رهبران و حاکمان باشد.

مؤانست با قرآن چه تأثیری در شکل‌گیری شخصیت سعید کاظمی آشتیانی داشته است؟

همه ویژگی‌هایی که در رابطه با کاظمی آشتیانی برشمردیم که هم مدیر و مردم‌دار

بود از این جهت که وقتی به آیات الهی نگاه می‌کنم می‌گویم سعید کاظمی آشتیانی یک انسان تراز قرآنی بود زیرا خداوند می‌فرماید «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» یعنی ما به بنی آدم کرامت بخشیدیم و کاظمی آشتیانی فهمید که باید اهل کرامت باشید یا در دیگر آیه می‌فرماید «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» یعنی انسان به تلاشش است و کاظمی آشتیانی باید تلاشگر باشد و خیلی کارهای بزرگی را انجام دهد.

یا می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» یعنی هرکسی در راه ما مجاهدت کند ما راه‌های خودمان را به آن فرد نشان می‌دهیم و معتقدم که خدای متعال راه‌های متعدد و مختلف خود را به سعید کاظمی آشتیانی نشان می‌داد زیرا این کاری که او انجام داد کار ساده‌ای نبود. حتی از نظر فقهی دچار مشکل بودیم و سعید کاظمی آشتیانی به شهر قم می‌رفت و با علما رایزنی می‌کرد و توضیح می‌داد و از آنها فتوا می‌گرفت که این کاری که در حال انجام است اشکال شرعی نداشته باشد. اگر جست‌وجو کنید متوجه می‌شوید مجموعه فتاوایی که در رابطه با ناباروری و باروری وجود دارد کار سترگی است که سعید کاظمی آشتیانی انجام داده است.

در مدل مدیریتی کاظمی آشتیانی انسان‌ها جایگاه خود را داشتند و برای او تخصص مهم بود و مطلقاً صحبت از خودی و غیرخودی نمی‌کرد و به این موضوع باور نداشت و اینطور نبود که دوستان مؤمن خود را در جایگاه‌های بالاتر منصوب کند. او هیچ مانعی را مقابل خود نمی‌دید و برای رسیدن به اهداف خود از هر تلاشی فروگذار نمی‌کرد.

حوزه ناباروری یکی از کارهای سعید کاظمی آشتیانی است و پس از دست یابی به موفقیت متوقف نشد بلکه بعداً حوزه کاری خود را ارتقا

از هیچ رانتی استفاده نکرد

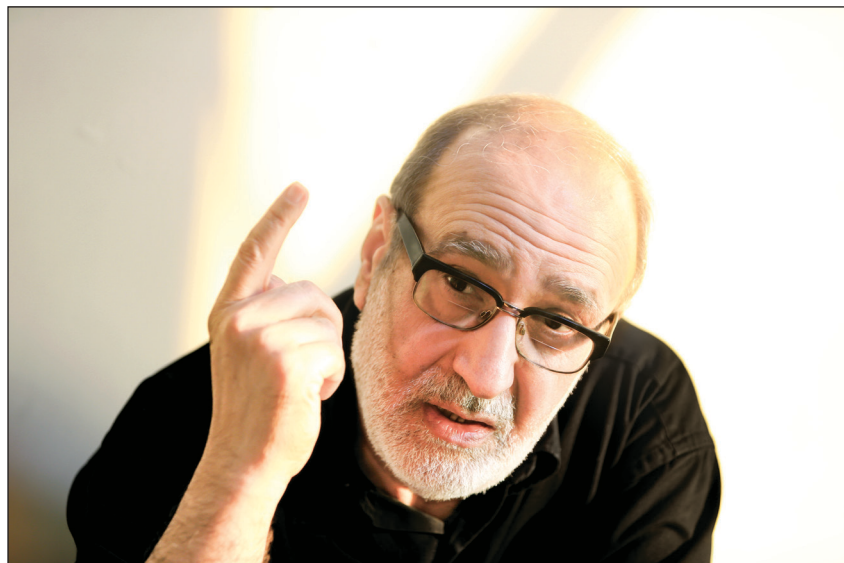
روایت

زمانی که خیلی‌ها در خارج و حتی داخل می‌گفتند ایران کشوری عقب‌مانده است و زیر ساخت‌های علمی لازم برای تحقیقات در عرصه‌های برتر علمی و ورود به فناوری‌های نوین را ندارد، دکتر کاظمی با عمل و نه در حرف، نشان داد که اصلاً این طور نیست. ایشان اراده کرده بود فاصله عملی کشور را با جهان کم کند و توانست در دانش سلول‌های بنیادی و درمان ناباروری این کار را انجام دهد، کاری که برای ملت ایران عزت، برای جامعه علمی کشور، وجد و شور و نشاط، برای توسعه علمی کشور الگو و برای درمان انواع بیماری‌های صعب‌العلاج امید به ارمغان آورد. اگر چه خیلی مورد تحسین مردم و بزرگان قرار می‌گرفت، هیچ وقت مغرور نمی‌شد. با بزرگان مجالست می‌کرد و بزرگ می‌اندیشید و کارهای بزرگ انجام می‌داد. به ما هم همیشه می‌گفت «عسلک بازی نکنید» یعنی خودتان را به کارهای کوچک مشغول نکنید.

در کشف استعدادها و شکوفاسازی آنها هم بی‌نظیر بود. خودش هم بسیار با استعداد بود. وقتی موضوعی را می‌شنید مثل کسی که آن را ضبط کرده باشد همراه تجزیه و تحلیل آن را ارائه می‌کرد. حتی خیلی وقت‌ها ایده‌هایی را که خودمان بیان کرده بودیم بهتر از ما به خودمان برمی‌گرداند. معلم خیلی خوبی بود و همیشه حرف‌های جدید برای گفتن داشت که از مطالعه و استعداد بالای دکتر نشان داشت. البته آدم تک بُعدی علمی هم نبود، بلکه به مسائل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی هم اشراف خوبی داشت.

با تمام توانمندی‌هایی که داشت از هیچ رانتی برای خودش استفاده نکرد. با آن که شرایط جسمانی‌اش شاید امکان معافیت را به ایشان می‌داد اما از آن استفاده نکرد و بعد از اتمام تحصیل با وجود همسر و سه فرزند در سال ۷۸ دوره آموزشی را در پادگان گذراند و بعد امریه جهاد دانشگاهی شد. تا جایی که می‌دانم زندگی شخصی‌اش هم بسیار ساده بود و با تمام فرصت‌هایی که داشت به حداقل درآمد بسنده کرد. حتی جایزه‌ای را که در سال ۸۳ به عنوان «چهره ماندگار» کشور به ایشان دادند در بین اعضای رویان تقسیم کرد.

به روایت دکتر حسین بهاروند
منبع: روایت یک رویش



انس حاصل تواضع و بی‌تکلفی است.
روایت داریم؛ کسی که به دیگران انس نگیرد و به او انس نگیرند خیری نیست.
مؤمن هم انس می‌گیرد و هم دیگران با او انس می‌گیرند.
انس صفتی مربوط به ارتباط است.
نمی‌توان گفت من در دلم انس دارم. انس دل مقصود ما نیست.
انس با خاطره‌ها و یاد پدر و دوست و امثالهم...

این است که ما چگونه این ظرفیت‌سازی را ایجاد و تقویت کنیم و افراد طرد نکنیم و جذب کامل داشته باشیم.
زنده‌یاد حاج اسماعیل دولابی می‌فرمایند: شمشیری برنده‌تر از صدق و محبت وجود ندارد و این ابزار راحت انسان‌ها را شهید می‌کند؛ افراد را می‌توان با صداقت و محبت جذب کرد و در جرگه مؤمنان وارد کرد اما ما این موضوع را دریغ کردیم ولی سعید کاظمی آشتیانی این موضوع را فهمیده بود و در محبت کردن دریغ نداشت و به همین دلیل موفق شد. اگر ما نیز این کار را انجام دهیم شاید بتوانیم موفق شویم زیرا این کار نشدنی‌ای نیست.

میراث زنده‌یاد سعید کاظمی آشتیانی چیست؟
سعید کاظمی آشتیانی یک بنیان مرصوصی را در موضوع تخصصی خود یعنی ناباروری ایجاد کرد و یک بنیان مرصوص دیگری را در سلوک شخصی و ادبی خود برجای گذاشته است که منظور از سلوک ادبی، برخورداری از ادب و احترام و تذهیب نفس است. به همین دلیل است که وقتی با دوستان سعید کاظمی آشتیانی صحبت می‌کنید همه به گریه می‌افتند و این نشان دهنده مثال زدنی بودن میراث اخلاص کاظمی آشتیانی است.

معتقدم باید امثال کاظمی آشتیانی بسیار می‌داشتیم یا داشته باشیم زیرا داشته‌ها و آموخته‌های او همین مطالبی است که در قرآن وجود دارد و هرروز در رابطه با آن صحبت می‌شود؛ منتها سعید کاظمی آشتیانی این مطالب را باور و عملی کرده است. بنابراین اگر قرار است مانند او باشیم که بسیار شدنی است باید به این مطالب رجوع کنیم و آنها را عملی کنیم البته بسیاری از افراد هم هستند که ناشناخته‌اند؛ مثلاً دوستان ایشان افراد متخصصی هستند و بسیار مثال‌زدنی‌اند ولی از شهرت برخوردار نیستند یا در جایگاه مدیریتی قرار نگرفتند که مثل سعید کاظمی آشتیانی مشهور شوند.

به غیر از مؤسسه رویان در کشور افراد دلسوز و بزرگ، کم نیستند اما فیلتری که بعضی از افراد گذاشته‌اند، افراد را به خودی و غیرخودی تقسیم‌بندی می‌کند این کار را دشوار کرده است و به همین دلیل این حلقه و دامنه مدام در حال کوچک‌تر شدن است و بیرون از این حلقه افرادی هستند که بسیاری از آنها از مفهومی به نام انسانیت، مردم‌داری، تخصص و تعهد برخوردارند اما به دلیل تنگ‌نظری‌ها کنار گذاشته شده‌اند. بنابراین این ظرفیت درون هر جامعه‌ای نهادینه شده است که بسیاری از افراد مثل سعید کاظمی آشتیانی باشند، مهم



ویژنه‌نامه جهادگر فقید سعید کاظمی آشتیانی | سال نوزدهم | شماره ۱۰۱ | آذر ۱۴۰۳

نگاهی از
بیرون

آقای کاظمی آشتیانی
به همراه
سایر معلمان تلاش بسیاری
برای دانش‌آموزان می‌کردند؛
مثلاً هفته‌ای دو روز،
شب‌ها در مدرسه می‌ماندند
و برای دانش‌آموزانی که
ضعیف بودند
کلاس‌های تقویتی و حل تمرین
برگزار می‌کردند.
البته شرایط آن زمان با امروز
متفاوت بود



گفت‌وگو با محمد محمودی شاهنشین، از شاگردان دوره معلمی دکتر کاظمی

به کم قانع نبود

گفت‌وگو

محمد محمودی شاهنشین، دانش‌آموز خسته هنرستان پیام شهید و از شاگردان زنده‌یاد سعید کاظمی آشتیانی در این مدرسه است. وی در دوره دهم مجلس شورای اسلامی به عنوان نماینده مجلس حضور داشت و در چند شهر در سمت شهردار خدمت کرده است. او در دوران دانشجویی با جهاددانشگاهی مشهد در ارتباط بوده و در مرکز تحقیقات مهندسی جنگ فعالیت کرده است.

در رابطه با آشنایی خودتان با آقای کاظمی آشتیانی توضیح دهید.

در اوایل انقلاب اسلامی که دانشگاه‌ها به واسطه انقلاب فرهنگی تعطیل شدند برادران کاظمی آشتیانی و آقای دانش آشتیانی به تدریس روی آوردند. آنها دانش‌آموز خسته مدارس مذهبی پیش از انقلاب و جزو فرهیختگان و درس‌خوان‌های آن زمان بودند. به همین منظور مجموعه‌ای را در حاشیه شهر در کیلومتر ۹ شهر تهران تأسیس کرده بودند تا بچه‌های شهرک‌نشین مانند شهرک وردآورد، شهر قدس، قلعه حسن‌خان، یافت‌آباد و... به این هنرستان مراجعه کنند و کارفنی یاد بگیرند.

همه دانش‌آموزانی که در این مجموعه درس خواندند، افراد موفق‌تری شدند و امروز افراد برجسته‌ای هستند. این نکته را برای این عرض کردم که وقتی می‌گویند آموزش و پرورش پایه و اساس است، یعنی همین؛ ما به چشم خود شاهد بنیان نهادن یک پایه و اساس خوب بودیم.

آقای کاظمی آشتیانی به همراه سایر معلمان تلاش بسیاری برای دانش‌آموزان می‌کردند؛ مثلاً هفته‌ای دو روز، شب‌ها در مدرسه

می‌ماندند و برای دانش‌آموزانی که ضعیف بودند کلاس‌های تقویتی و حل تمرین برگزار می‌کردند. البته شرایط آن زمان با امروز متفاوت بود؛ معلمان دغدغه معیشتی نداشتند که بخواهند بعد از مدرسه سراغ مشاغل دیگر بروند تا بتوانند زندگی خود را اداره کنند. متأسفانه به دلیل بی‌توجهی به برخی از مسائل سبب شدیم تا قشری که باید به فکر ارتقا فرهنگ عمومی جامعه باشند نتوانند به وظیفه اصلی خودشان عمل کنند.

از دکتر کاظمی آشتیانی چه خاطراتی در ذهن دارید؟

آقای کاظمی آشتیانی به دلیل مطالعاتی که داشتند بعضی از مفاهیم خاص مانند تقوا، تقیه، حرکت جوهری و... را که سؤال ذهنی دانش‌آموزان بود، توضیح می‌داد. مثلاً تقیه را اینگونه تعریف می‌کرد که به این مفهوم نیست که هدف، وسیله را توجیه می‌کند بلکه با حفظ ارزش‌ها و اصول می‌توان کارها را پیش برد و بدون اینکه دروغی گفته شود. دفع افسد به فاسد را به شدت نهی می‌کرد و می‌گفت باید بتوان با صواب یا مباحی جلوی فساد را گرفت.

ایشان قادر بود مفاهیم سخت را با ادبیات ساده و روان توضیح دهد. آقای کاظمی آشتیانی به مطالعه توجه ویژه‌ای داشت و همیشه چند کتاب انگلیسی همراهش بود. به یاد دارم در آن زمان من به شدت از انگلیسی‌گریزان بودم و فکر می‌کردم کسی که انگلیسی می‌خواند به مملکت خیانت می‌کند و دشمن است. معتقد بودم ما مسلمانیم و باید عربی یاد بگیریم ولی آقای کاظمی آشتیانی همیشه چند کتاب انگلیسی در دست داشت. یک بار از ایشان پرسیدم که شما که مسلمان و متدین هستید، این کتاب‌های انگلیسی چیست که همراه دارید؟ ایشان توضیح داد که اینها کتاب‌های پزشکی و مجلات به روز پزشکی دنیاست. مطالعه می‌کنم که بدانم در دنیا و علم روز پزشکی چه خبر است. پیامبر (ص) فرموده‌اند «اطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ» یا «اطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّخْدِ» و برای ما توضیح می‌دادند که یادگیری زبان انگلیسی واجب است.

اگر آقای کاظمی آشتیانی در مسیری از زندگی من قرار نمی‌گرفت بعید بود که دانشگاه بروم و انگلیسی یاد بگیرم زیرا در آن زمان به اشتباه القا شده بود که انگلیسی بلد بودن یک ضد ارزش است اما کاظمی آشتیانی به ما آموخت که یادگیری زبان به معنای یک راه ارتباطی با دنیاست. بعدها من خودم فرزندانم را الزام کردم که به جای یک زبان، دو زبان مثلاً زبان آلمانی هم بیاموزند.

آشنایی با علم روز دنیا از خصوصیات دیگر کاظمی آشتیانی بود. در آن زمان رفتن به سمت مشابه‌سازی و استفاده از سلول‌های بنیادی برای بسیاری دخالت در کار خدا و خلقت محسوب می‌شد درحالی که در ذهن آقای کاظمی آشتیانی این کار علم و دانش و



به روایت گورابی

دکتر سعید کاظمی آشتیانی تشنه موفقیت بود و دوست نداشت در یک سطح علمی متوقف شود. همه را هم با خودش همراه می کرد تا با همدیگر جلو بروند، به هم کمک کنند و هم افزایی داشته باشند. مثلاً وقتی شنید سلول های بنیادی در دنیا حرفی برای گفتن دارد دکتر بهاروند را به استرالیا فرستاد تا درباره این سلول ها آموزش ببیند. دکتر بهاروند از استرالیا به ایران بازگشت، اما برای اینکه آموزش ها و تجربیاتش را در اختیار فضای علمی کشور قرار بدهد باید تجهیزات مورد نیاز این کار تامین می شد که دکتر کاظمی به هر زحمتی بود این وسایل را تهیه کرد؛ چون آینده درخشانی برای این حرکت علمی پیش بینی کرده بود. او ثابت کرد که می توانیم علوم نوین را در کشورمان به کار بگیریم و از این موفقیت ها به فرهنگی دست یافت که از آن به عنوان «موتور شتاب دهنده» به تلاش های متخصصان کشور استفاده کرد. در هر کار یا جلسه ای، با زبان و بیان خوش، همه را جذب می کرد و هر کمکی از دستش برمی آمد انجام می داد. اگر امکانی برایش فراهم می شد و می توانست آن طور که دلش می خواهد تصمیم بگیرد، آن را به رویان و جهاد دانشگاهی واحد علوم پزشکی ایران اختصاص می داد. ثروتمند هم نبود که بگوییم نیازی نداشت، اما فکر اقتصادی بسیار خوب و قدرتمند داشت؛ نمونه این فکر اقتصادی را در کیش دیدم. سازمان عمران کیش یک بیمارستان در دست ساخت و تکمیل داشت که جهاد دانشگاهی واحد علوم پزشکی ایران در ساخت و تجهیز این بیمارستان کمک می کرد. دکتر کاظمی حتی با تجار کیش هم نشست و برخاست داشت تا در این کار از آنها کمک بگیرد. می گفت باید از تجربه های تجار در اجرای طرح های جهاد استفاده کنیم. در این نشست و برخاست طوری رفتار کرده بود که تجار به تفکرات و ایده های دکتر کاظمی احترام می گذاشتند. شاید هر کسی جای او بود، در این موقعیت، بیشتر به دنبال کارهای اقتصادی و منافع شخصی می رفت اما دکتر کاظمی تنها به فکر خدمت رسانی بود. دکتر کاظمی از آموختن سیر نمی شد. وقتی هم دانش را یاد می گرفت، تحلیل می کرد و به دیگران هم یاد می داد. بعضی ها می گفتند اگر یک پاراگراف یاد بگیرد می تواند اندازه یک کتاب صحبت کند و آموزش بدهد.

به روایت حمید گورابی
منبع: روایت یک رویش



شما در جبهه هم با آقای کاظمی آشتیانی همراه بودید؟

بله، در جبهه نیز با آقای سعید کاظمی آشتیانی همراه بودم؛ وقتی عملیاتی در جبهه نبود و فرصتی ایجاد می شد، ایشان برای اینکه رزمندگان نشاط داشته باشند مسابقات دو برگزار می کردند. روزی مسابقه ای برگزار شد. طول مسیر مسابقه نزدیک به ده کیلومتر بود و بچه های گردان و افرادی که منتظر بودند تا به خط بروند در مسابقه شرکت کردند. ایشان همیشه به عنوان یک ایده پرداز و فردی که ایده های نو برای ارائه داشت و برنامه ریزی می کرد، معروف بود.

ایشان فردی با پشتکار بود و برای رسیدن به اهدافش راه های متعددی را می پیمود؛ مثلاً ایشان می خواست خط من خوب شود. به طرق مختلف این موضوع را به من یادآوری می کرد. برگه های امتحانی من را که بدخط بود تصحیح نمی کرد تا تلاش کنم خطم را خوب کنم. فردی تک بعدی نبود یعنی همزمان که ورزش را به صورت حرفه ای دنبال می کرد، اهل مطالعه هم بود و همه جهات جسمی و ذهنی خود را با هم رشد می داد. در کل هیچ وقت به کم قانع نبود.

او به مفاهیم قرآن بسیار توجه داشت و بعضی وقت ها آیاتی از قرآن را استخراج می کرد و در بین حرف های خود در رابطه به آن صحبت کرده یا سوره هایی از قرآن را به شاگردان می داد تا در رابطه با آن تحقیق کنند. در کل می توان گفت سعید کاظمی آشتیانی دست پرورده انقلاب اسلامی است. بزرگ ترین حسن او این بود که به دنبال مهم ترین چالش کشور می گشت تا بتواند با کمک دیگران آن چالش را حل کند.

استفاده از خلاقیتی بود که خداوند در اختیار انسان ها گذاشته است.

کاظمی آشتیانی به ما یاد داد که علم بی پایان است و آخر ندارد. او در مسائل اخلاقی هم اگر احساس می کرد که دانش آموزی مشکلات روحی دارد و دچار افسردگی شده است، تلاش می کرد به طریقی ارتباط صمیمی تری با او برقرار کند و به او نزدیک شود تا بتواند برای حل مشکلش کمک کند.

در آن دوران که مدرسه می رفتم، عضو بسیج هم بودم و شب ها پاسداری می دادیم و گشت می زدیم؛ یک بار آقای کاظمی آشتیانی گفتند باید ببینی اولویتت چیست؛ نمی گویم که گشت نده اما مثلاً اگر می بینی کسانی هستند که می خواهند در کنکور شرکت کنند به آنها در درس ها کمکشان کن! در حقیقت به طریقی به ما جهت می داد که علم و دانش

اگر آقای کاظمی آشتیانی

در مسیری از زندگی من

قرار نمی گرفت بعید بود که

دانشگاه بروم

و انگلیسی یاد بگیرم

زیرا در آن زمان به اشتباه

القا شده بود که انگلیسی بلد بودن

یک ضد ارزش است

اما آقای کاظمی آشتیانی

به ما آموخت که

یادگیری زبان به معنای

یک راه ارتباطی با دنیاست

هیچ مملکتی در دنیا صرفاً
توسط قهرمانانش
آباد نشده است.
چیزی که موجب
پیشرفت می‌شود،
سیستم است نه قهرمانان معدود.
آن چیزی هم که دوام دارد
و پایدار است، سیستم است.
انسان‌ها یک روز
به دنیا می‌آیند
و یک روز از دنیا می‌روند
ولی سیستم‌ها همیشگی‌اند



گفت‌وگوی انتقادی با مهندس مجتبی دانش آشتیانی
دوست و همراه زنده‌یاد کاظمی آشتیانی

سعید پسر خاله‌ام بود

گفت‌وگو

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در دانشگاه علم و صنعت پذیرفته شد اما با پیروزی انقلاب و تعطیلی دانشگاه‌ها همراه با تعدادی از دوستان و بستگان خود از جمله زنده‌یاد سعید کاظمی آشتیانی به یکی از مناطق محروم استان تهران رفتند و در هنرستان پیام امید به معلمی پرداختند.

شما و زنده‌یاد کاظمی آشتیانی در مدرسه پیام امید همکار بودید. این همکاری چگونه آغاز شد.

سعید پسر خاله من بود. هم سعید و هم دیگر همکاران هنرستان پیام‌امید که بعدها شد پیام‌شهرید از دوستان و بستگانی بودیم که از سنین کودکی با هم بزرگ شده بودیم. در سال‌های ابتدایی انقلاب علاقه داشتیم که خدمتی به کشور کنیم و بهترین مکان برای خدمت را مدرسه دیدیم. جوانان‌های بیست و چند ساله‌ای بودیم. سعید دو سال از من کوچکتر بود. او ادبیات درس می‌داد من ریاضیات؛ البته هر دو قرآن هم درس می‌دادیم. سعید به خاطر علاقه زیاد به شعر و شاعری ادبیات درس می‌داد. او در مدارس احمدیه و کمال - که مدارس اسلامی بودند - تحصیل کرده بود. البته بیش از آنکه مدرسه در تربیت قرآنی او موثر باشد، خانواده تاثیرگذار بود.

در محله نارمک تهران همسایه بودیم. هم رفیق بودیم، هم پسر خاله. شبانه روز را با هم می‌گذراندیم. بین تمام پسر خاله‌ها با هم رفیق‌تر بودیم. در این حد که در دوران

مدیریتش در رویان، وقتی برای سمینارها و همایش‌ها به کشورهای خارجی می‌رفت، به دعوت یکی از دوستان مشترکمان، من هم با آنها می‌رفتم. در حالی که من مهندسی خوانده‌ام، اما آن دوست مشترک از من هم دعوت می‌کرد که همراه آنها بروم.

هر چه از ایشان شنیده‌ایم، از بیرون خانه از محل کار، از دانشگاه و... بوده. در خانه چگونه کودکی بود؟

بعضی از کودکان، نوجوان‌ها یا جوان‌ها را دیده‌اید که آرام و قرار ندارند، نمی‌توانند یکجا بند بشوند و همیشه باید مشغول باشند؟ سعید چنین شخصی بود. همیشه دلش می‌خواست کاری کند. گاهی حتی نمی‌دانست می‌خواهد چه کار کند؛ فقط می‌گفت: بلند شوید برویم. بلند شوید، نخوابید. حتی یادم می‌آید گاهی در مسافرت‌هایی که با هم می‌رفتیم، ساعت دو بعد از نیمه شب می‌آمد. می‌گفت: «من خوابم نمی‌برد، تو هم نخواب!»

چه کار می‌کردید؟

می‌نشستیم و بحث می‌کردیم و حرف می‌زدیم.

سعید بسیار شوخ طبع بود. لطیفه‌های خیلی خوبی می‌گفت. بسیار مودبانه. مثلاً وقتی در کوپه قطار یا هواپیما یا هتل بودیم محوریت جمع را به دست می‌گرفت. در مدرسه هم که لطیفه می‌گفت، بسیار با آب و تاب تعریف می‌کرد. از این شوخ‌طبعی در کار هم استفاده می‌کرد. در عین اینکه حرفش را در لفافه شوخی به طرف مقابل می‌زد، کاری می‌کرد که او ناراحت نشود؛ چه از حیث سیاسی چه از حیث اعتقادی بلند بود که چطور حرف بزند تا طرف مقابلش ناراحت نشود.

بعد از همکاری کوتاه در مدرسه پیام شهید، راه حرفه‌ای ما از هم جدا شد ولی روابط شخصی‌مان خیلی خوب باقی ماند. هر سال یک سفر خارجی می‌رفتیم. به او کرایه رفتیم و به کشورهای حاشیه خلیج فارس. در عین اینکه رشته‌ها و کارمان از هم جدا بود ولی خیلی نزدیک بودیم. سعید خیلی دوست داشت که در این سفرها همراهش باشم. ویژگی‌های شخصیتی ما شبیه هم بود.

سعید برای تشکیل رویان از روابطی که داشت نهایت استفاده را کرد اما آیا رویان دومی داریم؟ توجه داشته باشید که من با کار جهادی مخالف نیستم. در مدرسه‌ای که مدیریتش را بر عهده داشتیم، در قالب اردوهای جهادی، در مناطق محروم قریب صد مدرسه ساختیم. بچه‌ها را با پول عیدی و قلک و پس‌انداز خودشان به اردوهای جهادی می‌بردیم تا کارگری نکنند و مدرسه بسازند. دانش‌آموزان ما کار را تا مرحله سفت کاری پیش می‌بردند، مراحل نازک کاری را به پیمانکار می‌سپردیم، ولی هزینه‌اش را بچه‌ها می‌دادند. امروز در استان بوشهر، خراسان جنوبی، اردبیل و...

ما تلاش کردیم
 انسان‌های خوش فکر
 و خوش ذهنی را تربیت کنیم
 که متاسفانه خیلی از آنها الان
 در ایران نیستند و به این آب و خاک
 خدمت نمی‌کنند.
 بعضی شب‌ها در این فکر که چرا
 جوانانی که ۳۰ سال
 برای تربیت آنها
 وقت گذاشتیم از این کشور می‌روند،
 به سختی گریه می‌کنم.
 این اتفاق واقعا گریه آور است



بی‌خیال بود. از محدود افرادی بود که به دنبال آورده شخصی برای خود نبود.

در زندگی و سلوک شخصی الگوی خاصی داشتند؟

الگوی خاصی به جز قرآن و نهج‌البلاغه به نظر نمی‌آید. هم به قرآن مسلط بود و هم خطبه‌های نهج‌البلاغه را به خوبی می‌دانست. خیال نکنید این که می‌گویم با قرآن و نهج‌البلاغه مأنوس بود یعنی همه را حفظ بود، یا اینکه سطر به سطر آیات قرآن را با تفسیر دقیق می‌دانست؛ هر چیزی که می‌دید و می‌شنید، کاربردی می‌کرد.

در گفتگوهای دوستانه‌ای که بین شما رد و بدل می‌شد هیچگاه درباره چرایی و چگونگی راه اندازی رویان صحبتی کردند؟

سعید روابط خیلی خوبی داشت. به نظر من ارتباطاتش نهایت استفاده را می‌کرد. فرصتی را که برایش به وجود آمده بود، در خدمت هدف قرار داد و از آن برای پیشبرد یک هدف استفاده کرد. نتیجه کارش هم خدمت به عموم مردم بود، برای خودش هیچ آورده‌ای نداشت. خوب است بدانید که ازدواجش هم کاملاً سنتی بود.

ناراحتی قلبی ایشان به خاطر کار ایجاد شده بود؟

سعید از مدت‌ها قبل روماتیسم قلبی داشت. هر کس بیماری داشت، شخصاً او را به دکتر می‌برد، ولی متاسفانه به وضعیت خودش توجهی نمی‌کرد و چنین بود که مردی به این بزرگی را از دست دادیم.

سطح کارمندهای معمولی نگه می‌داشت. یکی از دلایل موفقیت او فروتنی بود. ما تلاش کردیم انسان‌های خوش فکر و خوش ذهنی را تربیت کنیم که متاسفانه خیلی از آنها الان در ایران نیستند و به این آب و خاک خدمت نمی‌کنند. بعضی شب‌ها در این فکر که چرا جوانانی که ۳۰ سال برای تربیت آنها وقت گذاشتیم از این کشور می‌روند، به سختی گریه می‌کنم. این اتفاق واقعا گریه آور است.

سعید علاوه بر آنکه بسیار فروتن بود، در کار تیمی هم بسیار موفق بود. اگر بپرسید چرا در کار تیمی موفق بود به شما خواهم گفت به این خاطر که همراه با تیم بود. همیشه با نیروهایش بود. با آنها غذا می‌خورد، با آنها فوتبال بازی می‌کرد، با آنها مسافرت می‌رفت. وقتی در جمع آنها می‌نشست و وارد مسائل حاشیه‌ای می‌شد، نمی‌توانستید تشخیص بدهید که او مدیر این جمع است.

شاید در این سال‌هایی که پول و پول و پول به زندگی معنا و به انسان‌ها شخصیت می‌دهد برای تمام مخاطبان این گفتگو چنین سوالی ایجاد شود که آیا رویان برای دکتر کاظمی آشتیانی آورده مالی فوق‌العاده‌ای داشت؟

اصلاً و ابداً. متاسفانه این اتفاق را کسی هم نفهمید. شاید نقل این خاطره خوب نباشد ولی حالا که سال‌ها گذشته است، می‌گویم. در یک تابستان خیلی گرم همراه با سعید به هنرستان پیام شهید در یک کیلومتر هشت جاده مخصوص کرج رفته بودیم. یکی از دوستان، سعید را توی استخر هل داد. وقتی سعید از آب بیرون آمد، دیدم که شلواری کاملاً زمستانی به پا دارد. در مسائل دنیایی خیلی

تعداد زیادی مدرسه، درمانگاه، مسجد، و حمام وجود دارد که دانش‌آموزان مدرسه ما ساخته‌اند. هنوز هم بچه‌های آن مدرسه برای کارهای جهادی به مناطق محروم می‌روند.

هیچ مملکتی در دنیا صرفاً توسط قهرمانانش آباد نشده است. چیزی که موجب پیشرفت می‌شود، سیستم است نه قهرمانان معدود. آن چیزی هم که دوام دارد و پایدار است، سیستم است. انسان‌ها یک روز به دنیا می‌آیند و یک روز از دنیا می‌روند ولی سیستم‌ها همیشه‌گی‌اند. این حرف من به معنی نفی اهمیت نیروی انسانی نیست. اگر یک سیستم توسعه محور داشته باشیم، به طور پیوسته رویان تولید می‌شود. امیرالمومنین (ع) شب‌ها به فقرای شهر کمک می‌کردند. یعنی کار شخصی خودشان را به صورت جهادی انجام می‌دادند. ولی مملکت را با سیستم اداره می‌کردند. مملکت باید با قانون، نهاد و سیستم اداره شود و از تمام ظرفیت‌های ساختاری استفاده شود.

در ایام معلمی و مدیریت مدارس ممتاز تهران با چندین هزار دانش‌آموز سر و کار داشته‌اید. چطور می‌توان در مدارس کاظمی پروری کرد؟

سعید کاظمی و امثال معدود او، یک اتفاق هستند. پرورش کسانی مثل آنها در واقع شدنی نیست. آموزش و پرورش ما واقعا فاقد نیروی پخته و دلسوز است. وقتی یک معلم از لحاظ مالی تامین نباشد، نمی‌تواند شاگردانی آزاده تربیت کند.

سعید روش مدیریتی خاصی داشت. یکی از ویژگی‌های او فروتنی بود. او خیلی به کارمندهایش می‌رسید. حتی اگر چیزی نداشت که به آنها برساند خودش را در



به معنایی مسئول جهاد دانشگاهی دانشگاه علوم و توان بخشی بود که جزئی از دانشگاه علوم پزشکی ایران به محسوب می شد. انجمن های اسلامی دانشگاه، فعالیت های فرهنگی اعم از سخنرانی ها و همایش ها را برگزار می کرد و با توجه به اینکه در آن روزگار دفاع مقدس و مسئله جنگ در جریان بود، زنده یاد کاظمی آشتیانی با دوستان دانشجوی خود به جبهه هم می رفت. او از همان ایام در ایجاد درمانگاه در مناطق محروم فعالیت داشت؛ به یاد دارم اصرار داشت که در مراسم افتتاحیه چند درمانگاه را که می خواست در تهران و شهرستان ها افتتاح کند، حتماً حضور داشته باشم. در آن زمان معاون وزیر علوم بودم و در افتتاح یکی از این درمانگاه ها در یکی از مناطق پرجمعیت و نیازمند تهران به عنوان درمانگاه «ریه کوثر» که با همکاری افراد خیر و پیشگامی سعید کاظمی آشتیانی، ایجاد شده بود، صحبت کردم.

کاظمی آشتیانی فعالیت های بسیار ارزنده ای داشت. فردی بود که از جوانی دوست داشت و سعی می کرد که این جامعیت را درون خود ایجاد کند. او ضمن اینکه در حرفه ای از علوم پزشکی مهارت کسب می کرد با ادبیات مأنوس بود و شعر را می شناخت. همچنین با معارف اسلامی آشنا و فرد معتقد، متدین و در عین حال پر جنب و جوش و با نشاطی بود. همیشه تعبیری که پیامبر (ص) در رابطه با مؤمنین مطرح کردند را در مورد او بیان می کنم. ایشان بشاش و گشاده رو بود و همیشه نشاط داشت و آدم احساس نمی کرد که گرفتاری داشته باشد. به یاد دارم در راهروی دانشکده متنی از وصیت نامه یکی از شهدای دفاع مقدس را قاف کرده بود، مبنی بر اینکه «ما هرگز احساس خستگی نخواهیم



گفت و گو با دکتر سید حسن شهرستانی، معلم سال های دور دکتر آشتیانی

دسته گل باغبان پرور

گفت و گو

آنچه می خوانید گفت و گوی با سید حسن شهرستانی، از استادان سعید کاظمی آشتیانی است. در دوران دانشجویی ارتباطی بین شاگرد و استاد برقرار می شود که از رابطه عادی یک شاگرد با استادی فراتر می رود و به دوستی ختم می شود. دوستی که تا انتهای عمر شاگرد ادامه داشت.

به یاد دارم در راهروی دانشکده
متنی از وصیت نامه
یکی از شهدای دفاع مقدس را
قاب کرده بود،
مبنی بر اینکه
«ما هرگز احساس خستگی
نخواهیم کرد».

وقتی به دلیل مسئولیت در وزارتخانه
با خستگی وارد دانشکده می شدم،
همین که در راهرو دانشگاه
این نوشته را می دیدم،
خستگی ام در می رفت

سعید کاظمی آشتیانی دانشجوی من بود و در آن زمان ۲۰ سال بیشتر نداشت. ایشان بسیار جوان فعال و پرکاری بود و بالاتر از ظرفیت یک جوان دانشجوی لیسانس فعالیت می کرد. کاظمی آشتیانی در زمینه های فنی و کاری خود در دانشکده علوم توان بخشی و همچنین در فعالیت های فرهنگی و اجتماعی فعال بود و

با زنده یاد دکتر سعید کاظمی آشتیانی چگونه آشنا شدید؟

همانطور که می دانید بیش از ۵۰ سال است که در دانشگاه های مختلف مشغول تدریس هستم. در سال ۱۳۶۲ بعد از انقلاب فرهنگی و بازگشایی دانشگاه ها در دانشکده علوم و توان بخشی تدریس می کردم و زنده یاد آقای



می‌دانیم که آقای سعید کاظمی آشتیانی با قرآن مأنوس بودند؛ به نظر شما این مؤانست چقدر در شکل‌گیری شاکله شخصیتی ایشان تأثیر داشته است؟

بسیار تأثیرگذار بود زیرا پایه اصلی قرآن است؛ خود قرآن می‌فرماید: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» یعنی هدایت است برای آنهایی که با قوام‌تر، استوارتر هستند و این استواری را بیشتر و بیشتر از همه از قرآن گرفته است. در ادبیات بالاتر از حافظ نداریم و حافظ می‌گوید: صبح خیزی و سعادت‌طلبی چون حافظ

هرچه کردم همه از دولت قرآن کردم یعنی حتی لطایف طبع خود را هم از برکت قرآن می‌داند که شکوفا شده است.

قرآن در جاهای مختلف به صورت متعدد بر اثر گذاری خود تأکید دارد: «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ» مؤمن از ریشه امن گرفته شده است و امنیت درونی و هم بیرونی دارد و سبب آرامش، سکینه، استواری، قوام شخصیت، اعتدال روحی می‌شود. تلاوت قرآن فرائد از قرائت است اما شنیدن، خواندن، شناخت، درک و دریافت قرآن تأثیر بسیار زیادی دارد.

مهم‌ترین ویژگی کاظمی آشتیانی در نگاه شما چه بود؟

آنچه که حتی از ظاهر او قابل دریافت بود، صفا و بی‌ریایی او بود. اوایل برای پژوهشگاه رویان ساختمان بسیار کوچکی را با زحمت اجاره کرده بود و اگر کسی در این مجموعه کاظمی آشتیانی را مشاهده می‌کرد گمان می‌برد که یک کارمند جزء است که در آنجا حضور دارد که نشان از سادگی و بی‌تکبری او داشت.

با همکاریانش بسیار صمیمی بود. در مجموعه رویان کسی احساس نمی‌کرد سعید کاظمی آشتیانی رئیس و او مرنوس است. اکنون سال‌ها از درگذشت او می‌گذرد اما هنوز دوستان در جلسات به مناسبت‌های مختلف از او خاطره تعریف می‌کنند و روحیه می‌گیرند. این اتفاق ناشی از مبانی معنوی است که عنایت شده است. می‌توان گفت: «اجر صبری است کزان شاخه نباتم دادند».

میراث آقای کاظمی آشتیانی چیست؟

دکتر سعید کاظمی آشتیانی مصداق عبارت «ما می‌توانیم» بود. او از مانع نمی‌ترسید و از تلاش بازناهیستاد و یأس به وجودش راه پیدا نکرد. امروز کشورهای اسلامی و غیراسلامی به مرکز رویان برای درمان و استفاده از خدمات آن مراجعه می‌کنند.

امیدوارم که مسئولان کشور، این بنیاد صالح و ارزشمندی را که آن فقید سعید پی‌ریزی کرده را فراموش نکنند و به توسعه بیشتر آن کمک کنند. رویان هنوز نیازمند کمک‌ها و مساعدت‌هاست، زیرا مراجعه‌کننده بسیار زیادی دارد.



خاطره خاصی از ایشان به یاد دارید که تعریف کنید؟

ایشان بعضی از کلاس‌ها را ضبط می‌کرد و در اختیار سایر دانشگاه‌ها و دانشجویان می‌گذاشت و وقتی می‌پرسیدیم چرا چنین کاری می‌کنی، پاسخ می‌داد این مطالبی که در کلاس بیان می‌شود در کتاب‌ها نیست و مطالب تازه‌ای است. حتی بعد از دوره‌هایی که طی کرده بود، به بچه‌های جهاددانشگاهی می‌گفت تا کلاس‌ها را ضبط کنند.

فرد شوخ طبعی بود و این خصیصه همنشینی با او را لذت‌بخش‌تر می‌کرد چراکه شوخ طبعی یکی از نعمت‌های الهی و خصوصیتی است که از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که از جمله کسانی که با من در بهشت هستند، افرادی‌اند که با خانواده و نزدیکانشان شیرین گفتار هستند.

با همکاریانش بسیار صمیمی بود.

در مجموعه رویان

کسی احساس نمی‌کرد که

سعید کاظمی آشتیانی

رئیس و او مرنوس است.

اکنون سال‌ها

از درگذشت او می‌گذرد

اما هنوز دوستان

در جلسات

به مناسبت‌های مختلف از او

خاطره تعریف می‌کنند

و روحیه می‌گیرند

کرد». وقتی به دلیل مسئولیت در وزارتخانه با خستگی وارد دانشکده می‌شدم، همین که در راهرو دانشگاه این نوشته را می‌دیدم، خستگی‌ام در می‌رفت. انتخاب چنین موضوعی در آن شرایط جنگ نشان از حسن سلیقه ایشان داشت.

این ویژگی‌ها به بالندگی، رشد، سرعت فعالیت و مهم‌تر از همه به عقب‌نشینی نکردن در مواجه شدن با موانع به فرد کمک زیادی می‌کند. کسی بعدها باور نمی‌کرد یک جوانی مانند کاظمی آشتیانی بتواند کار بزرگی را شروع کند؛ ادامه دهد و به نتیجه برساند.

آقای کاظمی آشتیانی مصداق تعبیر آیه «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» قرآن کریم بود یا به قول عطار:

تو پای به ره در نه و از هیچ می‌رس

خود راه بگوید که چون باید رفت پا در راه گذاشته بود و در آن راه با اعتقاد ایستادگی کرد. گاهی به دوستانش می‌گفت که صلوات نذر کنیم که فلان کار تحقیقی به نتیجه برسد.

فوت ناگهانی ایشان برای کشور بسیار دردناک بود. من در مطلبی که به همین منظور نوشتم، عنوانی با این مضمون را انتخاب کردم: «سعید کاظمی آشتیانی گل باغبان پرور بود». این تعبیر کمی غیرعادی است زیرا معمولاً باغبانان گل را و استادان شاگردان را پرورش می‌دهند اما کاظمی آشتیانی فردی بود که استاد بار می‌آورد و در افرادی که از او نیز بزرگتر بودند، برای فعالیت‌های ارزنده انگیزه ایجاد می‌کرد. خلوص، سلامت نفس، اراده و اعتماد به نفس از ویژگی‌هایی بود که به آنها آراسته بود که از ایمان، اعتقاد راسخ و پایدار سرچشمه می‌گیرد. سر راه او موانع بسیاری وجود داشت و بعضی از مسئولان بهداشتی و درمانی اقداماتش را باور نمی‌کردند. فکر می‌کردند که این کار شدنی نیست و فقط باید از الگوهای خارجی استفاده کرد و ما نمی‌توانیم در این زمینه‌ها با وضعیت تحریم و امکانات محدود کاری را از پیش ببریم مخصوصاً در حوزه علوم پزشکی که حساسیت دوجندانی دارد و پرمخاطره است اما دکتر کاظمی آشتیانی پای این مسائل ایستاد و موفق شد و الگویی برای همه پژوهشگران و محققان شد. او با استفاده از ابداع، ابتکار و همه تجربیات جهانی اما همراه با خلاقیت بومی و فرهنگی توانست کارهای بزرگی انجام دهد.

معتقدم تعبیری که مقام معظم رهبری بعد از فقدان ایشان به کار بردند که «یکی از رویش‌های انقلاب اسلامی بود» بسیار دقیق و حکیمانهای است. تحول عجیبی ایجاد کرد که این تحول محدود به فن و کار تحقیقاتی تخصصی خود او نمی‌شد بلکه در ایجاد روحیه، امید، ایستادگی و استحکام در بین سایر افراد هم تأثیر بسزایی داشت.



گفت‌وگو با ناصر مولایی، نویسنده «روایت یک رویش»

ایثارگر اجتماعی که انس با قرآن علت موفقیتش بود

گفت‌وگو

ناصر مولایی پیش از آنکه نویسنده باشد یک خبرنگار است که در حوزه جهاد و مقاومت قلم می‌زند و به واسطه همین گرایش در رابطه با زندگینامه شهدا کتاب‌هایی را منتشر کرده است اما نوشتن در رابطه با دکتر کاظمی آشتیانی که به حسب ظاهر جزو شهدا نیست، از کارهای خلاف عادت اوست. به قول حافظ:

از خلاف آمد عادت بطلب کام که من / کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم

کتاب «روایت یک رویش» همین خلاف عادت اوست که با دوستان و همکاران زنده یاد کاظمی آشتیانی به گفت‌وگو پرداخته است. اکنون به بهانه تألیف این کتاب خودش در جایگاه مصاحبه شونده قرار گرفته و در گپ و گفتی به سوالات ما در رابطه با زنده یاد کاظمی آشتیانی پاسخ داده است.

کتاب «روایت یک رویش» از کجا آغاز شد؟

حوزه کاری من دفاع قدس است. از سوی دوستان جهاددانشگاهی اعلام شد پروژه‌ای در رابطه با شهدای جهاددانشگاهی دارند به من پیشنهاد شد تا علاوه بر شهدا در رابطه با دکتر کاظمی آشتیانی هم کار کنم. نگارش این کتاب برای من دشوار بود زیرا ایشان را می‌شناختم؛ کاظمی آشتیانی در جهاددانشگاهی به ویژه برای ما خبرنگاران که عضو جهاددانشگاهی هستیم، فرد معروفی بود و تا حد زیادی شخصیت‌های این چنینی را می‌شناسیم. با این حال نسبت به عمقی که در شخصیت مدیریتی و بخش‌های دیگر زندگی دکتر کاظمی آشتیانی نهفته بود آشنایی نداشتم؛ یعنی شناخت عمیقی وجود نداشت.

بعد از مطالعه و صحبت‌های اولیه در رابطه با

روایت جاری شد. وقتی به مهربانی، عطوفت، تلاش، کوشش، دلسوزی و پیگیری کاظمی آشتیانی می‌رسیدند منقلب می‌شدند و اشک می‌ریختند. سعی شده تا روایت‌های این کتاب تکراری نباشد و موضوعات جدید مطرح شود و متن کتاب روان باشد.

دکتر کاظمی آشتیانی رزمنده بوده و در جبهه حضور داشته است اما اکنون موضوع ایثار اجتماعی مطرح است و ایثار و شهادت مقتضیات زمانی دارد؛ زمانی جنگ بود و رزمندگان و مردم در قشرهای مختلف به صورت مستقیم با دشمن درگیر بودند که فرهنگی از خود برجای گذاشتند که ماندگار شد؛ باید ایثار را در کنش‌های اجتماعی در نظر بگیریم و به نظر من کاظمی آشتیانی شهید و به معنای واقعی ایثارگر بود.

همکاران آقای کاظمی آشتیانی مدیریت ایشان را چگونه توصیف می‌کردند؟

سعید کاظمی آشتیانی یک مدیر به تمام معنا بود. به قول دکتر حسین بهاروند، کاظمی آشتیانی یک فرهنگ بود؛ درون فرهنگ خیلی چیزها مانند مدیریت، شخصیت، اقتصاد، سیاست، هنر و... نهفته است. نوع مدیریت کاظمی آشتیانی مدل پشتمین‌نشینی و دستوری نبود و اگر قرار بود کار و پروژه‌ای آغاز شود اولین نفر و جلودار خود او بود و باقی افراد به دنبال او راه می‌افتادند. اینکه کارمندان مشاهده‌کنند که رئیس آنها جلوتر ایستاده انگیزه‌بخش است. این موضوع بسیار طبیعی است که اگر چنین راهما و مدیر خوبی وجود داشته باشد، افراد در هر پروژه‌ای با جان و دل کار می‌کنند.

آقای کاظمی آشتیانی کسی بود که همکاران و افراد زیرمجموعه او را «رئیس» به معنای خاص نمی‌دانستند زیرا با همکاران نشست‌وبرخاست داشت و سختگیری و بگو و بخند با هر کدام به موقع وجود داشت. ایشان هرازگاهی دوستان و همکاران را جمع می‌کرد و به صورت تفریحی با این هدف که یک ایده و سوژه‌ای از این جمع شدن‌ها استخراج شود به جایی می‌رفتند. ببینید اینگونه افراد خیلی اندک هستند.

دکتر کاظمی آشتیانی به جوان‌ها خیلی اعتماد داشت و مدام بیان می‌کرد که بالاخره باید به فردی اعتماد کنیم و اگر اعتماد نکنیم کاری پیش نمی‌رود. این آزمون و خطاها باید وجود داشته باشد و هزینه این آزمون و خطاها را هم خودش پرداخت می‌کرد. یعنی وقتی کاری را به فرد یا گروهی می‌سپرد اگر کار درست انجام می‌شد و به موفقیت می‌رسید این کار را به نام خود نمی‌نوشت و می‌گفت که دیگران انجام داده‌اند و من کارهای نبودم و اگر جایی کار به گره و مشکلی برمی‌خورد خود را مقصر می‌دانست. وقتی فردی چنین

دکتر کاظمی آشتیانی با دوستان، همکاران و آشنایان، هر بار بعد از مصاحبه‌ها نگران بودم که با توجه به شخصیت بزرگ دکتر آشتیانی، چطور می‌توانم حق مطلب را ادا کنم. به ویژه اینکه هر دفعه پس از هر مصاحبه بخشی از وجوه این شخصیت بزرگ برای من نمایان می‌شد و بیشتر احساس مسئولیت می‌کردم و دغدغه داشتم.

من در این ژانر کار نکرده بودم و به دلیل اینکه تجربه‌های بیشتر در حوزه دفاع مقدس بودند بیشتر با ادبیات حماسی آشنا بودم اما نوشتن و تدوین در رابطه با چنین شخصیتی ظرافت‌های خاص خود را می‌طلبید و نیاز به مطالعه بیشتری داشت اما هر مقدار که جلو رفتم مسلط‌تر و امیدوارتر شدم که ان شاء الله کار خوبی تولید شده باشد.

در تمام مصاحبه‌هایی که در کتاب «روایت یک رویش» وجود دارد اشک همه افراد هنگام



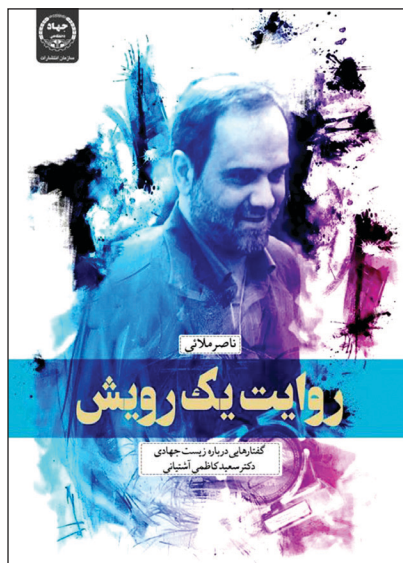
متصل می‌شود و پشتوانه‌ای دارد که موفقیت او را تضمین می‌کند. قرآن راه زندگی، سعادت و خوشبختی در همه امور است و به همین دلیل است که می‌بینیم حتی رفتارهای دکتر کاظمی آشتیانی برگرفته از معارف دینی و قرآنی است و همین که او خودش را در جایگاهی نمی‌بیند که دستور دهد و بالاتر از دیگر بداند، نشان‌دهنده توجه به سفارش‌های دینی است که از قرآن نشئت می‌گیرد. وقتی فردی خود را هم‌تراز با نیروی زیرمجموعه خود می‌بیند نشان دهنده عامل بودن به قرآن بدون شعار دادن است.

ایشان مدام نمی‌گفتند که من قرآن خوانده‌ام و در قرآن اینطور گفته شده است و من به همین دلیل با شما اینطور رفتار می‌کنم و به تعبیری قرآن را سرنیزه نمی‌کرد. کاظمی آشتیانی در بین همکاران قرآن می‌خواندند و تفسیر قرآن برگزار می‌کردند و عملکرد قرآنی داشتند؛ مثلاً در جایی طی اتفاقی بین ایشان و فردی بحث لفظی رخ می‌دهد که پس از مدت کوتاهی می‌روند از آن فرد عذرخواهی می‌کند.

همه این رفتارها ریشه در قرآن و پشتوانه معنوی داشته است که بخش عمده آن به قرآن بازمی‌گردد. ایشان خیلی به فکر دیگران بودند که در تعالیم دینی نیز داریم که اگر مسلمانی به فکر همسایه خود نباشد مسلمان نیست؛ برای نمونه یکی از همکارانشان برای مأموریت رفتن به شهر اراک می‌خواست با ماشین پیکان سفر کند که ایشان به همکار خود می‌گویند با ماشین سمند که وسیله نقلیه شخص خودشان بود به مأموریت بروند زیرا سمند ماشین امن‌تری است. این دگر خواهی ریشه در قرآن دارد؛ ارتباط همراه با عاطفه ریشه قرآنی دارد که از سفارش‌های دینی و قرآنی است. بنابراین مأنوس بودن دکتر کاظمی آشتیانی با قرآن کریم در شکل‌گیری شخصیت ایشان تأثیر مهمی داشته است.

پس از نگارش کتاب «روایت یک رویش» کاظمی آشتیانی را فردی دست‌نیافتنی یافتید؟

وقتی این کتاب را نوشته‌ام تنها کاظمی آشتیانی را دست‌نیافتنی ندیدم بلکه متوجه شدم که خیلی‌ها هستند که ممکن است به اندازه ایشان سواد داشته باشند و شاید مدیریت آنها نیز به شیوه مدیریت کاظمی آشتیانی نزدیک باشد و شاید موفق‌تر هم باشند اما شناخته شده نباشند. من دکتر کاظمی آشتیانی را کسی دیدم که از منیت خود فاصله گرفته بود و اجازه نمی‌داد که منیت در وجود او رسوخ کند و نهادینه شود. اگر کاظمی آشتیانی اجازه می‌داد که منیت‌ها، خودخواهی‌ها و رئیس‌بازی‌ها در وجود او رسوخ کند دیگر کسی امروز او را نمی‌شناخت و شاید اصلاً رویانی وجود نمی‌داشت.



باید در حوزه الگودهی و الگوگیری مأموریت خود را به پایان برسانیم؛ دکتر کاظمی آشتیانی به معنای واقعی مدیر تراز انقلاب اسلامی بود که به ویژگی‌های الگوی انقلاب اسلامی نزدیک بودند. باید تلاش کرد تا ایشان را بیشتر بشناسیم؛ رهبری نیز بر این موضوع تأکید داشتند و فرمودند که جوانان رونالدو را از کاظمی آشتیانی بیشتر می‌شناسند در حالی که کاظمی آشتیانی دستاوردهای بسیار ارزشمندی برای کشور داشته است. من شناختم به‌عنوان کسی که به دلیل نوشتن کتاب در رابطه با دکتر کاظمی آشتیانی بنا به صحبت‌های دوستانشان از ایشان بیشتر است، به نظرم باید بر ابعاد مختلف ایشان کار کرد. می‌توان طرحی در حوزه مدیریت داشت که آقای کاظمی آشتیانی مبنای الگوی مدیریت باشد و این طرح را اجرا کرد.

می‌دانیم که دکتر کاظمی آشتیانی با قرآن کریم مأنوس بودند؛ لطفاً در این باره توضیحاتی بفرمایید.

جدای از همه مسائلی که در حوزه مدیریت وجود دارد؛ قرآن آرامش بخش است و وقتی به قرآن وصل می‌شویم آرامش ناشی از قرآن باعث می‌شود که مدام به سمت موفقیت و تفکرات مثبت حرکت کنیم. زنده‌یاد کاظمی آشتیانی در حوزه قرآنی فعالیت زیادی داشتند و با قرآن مأنوس بودند به قدری که رادیوی ماشین همیشه بر موج رادیو قرآن ثابت بوده است. این نشان دهنده فضای معنوی خاصی است که ایشان داشته‌اند و مسلماً بخش بزرگی از موفقیت‌های ایشان به دلیل موانست با قرآن بوده است.

کسی که با قرآن مأنوس می‌شود در حوزه‌ای که کار می‌کند اهداف بزرگی را در سر می‌پروراند زیرا به قدرت بزرگتر از خود

روحیه‌ای دارد که تمام هزینه‌ها را گردن می‌گیرد مسلماً افراد زیرمجموعه از جان برای کار مایه می‌گذارند و بیشتر از پیش کار می‌کنند.

کاظمی آشتیانی در شکار ایده‌ها و نخبه‌ها خیره و آدم‌شناس بود؛ آدمی را که شعار می‌داد از کسی که اهل عمل بود، تشخیص می‌داد. جلو رفتن کار برای کاظمی آشتیانی مهم بود و گرایش‌های سیاسی برای او اهمیتی نداشت به سلیقه‌های مختلف احترام می‌گذاشت و همه را به یک چشم می‌دید. زنده‌یاد کاظمی آشتیانی هدف داشت تا به آرزوهای خود دست یابد و یکی از آرزوهای ایشان این بود که به جایی برسیم که به جای نفت، دانش بفروشیم. برای فروش دانش در عرصه بین‌الملل و برای اینکه خریدار داشته باشد نیازمند استفاده از استانداردهای روز هستیم که یکسری از افراد از آن برخوردارند و به بعضی از تخصص‌ها نیاز داریم تا دانشی تولید کنیم که در خارج به آن نیاز دارند و ما را بپذیرند؛ ایشان برای بحث درمان ناباروری همین کار را انجام دادند.

در آن سال‌ها کنگره‌ای برای موضوع ناباروری برگزار می‌شد که متخصصین ایرانی هم در این کنگره حضور می‌یافتند اما ایرانی‌ها زیاد مورد توجه نبودند؛ دکتر کاظمی آشتیانی پیشنهاد برگزاری این کنگره در ایران را می‌دهد که از سوی برگزارکنندگان کنگره مخالفت می‌شود و به همین منظور تصمیم می‌گیرد که برای اولین بار کنگره‌ای از سوی ایران برگزار کند. اکنون دانشمندان ما جزو داوران خبره این نوع کنگره‌ها در سطح بین‌المللی هستند و این موضوع یکی از آرزوهای دکتر کاظمی آشتیانی بود که محقق شد.

باید الگوهای مدیریتی زنده‌یاد کاظمی آشتیانی استخراج و معرفی شود و به صورت آزمون و خطا در جامعه اجرا کنیم. مدام از دکتر سعید کاظمی آشتیانی اسم برده می‌شود اما نکته این است که از ایشان چه استفاده‌ای می‌کنیم؟ نباید صرفاً به نوشتن کتاب بسنده کرد بلکه باید به الگوهایی که در رابطه با کاظمی آشتیانی در کتاب‌ها آمده توجه کرد و آن را به کار بست؛ مانند پیگیری کاظمی آشتیانی در کار، شیوه مدیریت، ایده‌ها و...

اجرای ایده‌هایی که دکتر کاظمی آشتیانی داشتند تأثیرگذار خواهد بود و باعث نزدیک شدن قلب‌های مدیران و کارمندان زیرمجموعه خواهد شد. اگر می‌خواهیم کار تکراری نکنیم باید به این موضوعات توجه کرد چراکه یکی از ضعف‌های ما بی‌توجهی به الگوها است. کشور ما در هر زمینه‌ای الگوهای بسیاری دارد ولی این الگوها بدون استفاده هستند. الگوبرداری از کاظمی آشتیانی می‌تواند در حوزه مدیریت، ضعف‌های کشور را جبران کند.



یکی از هزاران مراجعه‌کننده رویان که نخواست نامش فاش شود

من فرزند رویان هستم

گفت‌وگو

هر بار به اقلیم خاطرات سفر می‌کرد و به شهر رویان می‌رسید، نام کاظمی آشتیانی را با بغض به زبان می‌آورد. یادگارهای زیادی از جنگ ناجوانمردانه رژیم منحوس بعث بر تن داشت که داشتن فرزند را برای او تبدیل آرزو کرده بود. آرزویی که با تلاش رویانیان و جهادگران محقق شد.

در یگان دریایی باشی»، به یگان ادوات منتقل و دوشکاپی شدم.

در کدام عملیات شیمیایی شدید؟

در عملیات شیمیایی نشدم. ما قبل و بعد از عملیات کربلای ۴ در خرمشهر مستقر بودیم. شهر بعد از آزادسازی خالی از سکنه بود، فقط تعدادی از گردان‌ها در آن مستقر شده بودند. محل استقرار ما ساختمان شهربانی خرمشهر در خیابان چهل و پنج متری بود. دشمن هرازگاهی در خرمشهر شیمیایی می‌ریخت به همین خاطر همیشه ماسک دنبالمان بود. در شرایط جنگ‌زده آن منطقه حمامی وجود نداشت و در رودخانه حمام می‌کردیم. یک روز که مشغول حمام کردن و شستن لباس‌هایم بودم یکی از بچه‌ها داد زد: «شیمیایی». تا خواستم به ماسک برسم قدری گاز استنشاق کرده بودم. مدت کوتاهی بستری بودم و درمان‌های اولیه انجام شد. نوبت دومی که درگیر شدم در خط پشتیبانی عملیات کربلای ۵ بود. اما بار سوم که بسیار شدید بود مربوط می‌شود به پد شرقی جزیره مجنون.

نوبت سوم که شدیداً درگیر شدید چه اثراتی گذاشت؟

مدتی بیابایی نداشتم، مشکلات تنفسی و ریوی ایجاد کرد که هنوز هم هست. علاوه بر این دو

در سال‌هایی که توفیق آشنایی با جناب‌عالی را داشته‌ام، هر بار اسم زنده‌یاد دکتر کاظمی آشتیانی را به لب می‌آوردید، منقلب می‌شدید و تعریف می‌کردید که چطور با ایشان آشنا شدید؟

در ابتدا از تمام دوستانی که همت کرده‌اند تا برای زنده نگه داشتن یاد شهید کاظمی آشتیانی کاری بکنند بسیار ممنونم. در آغاز جوانی توفیق داشتم چند صبحی را در جبهه‌های جنگ دفاع مقدس حضور داشته باشم؛ چندبار مجروح شدم که سه نوبت آن شیمیایی بود. بهمن ماه سال ۱۳۶۴ وارد پادگان شدم تا ۴۵ روز آموزش مقدماتی ببینم. نوروز ۱۳۶۵ به مناطق عملیاتی اعزام شدم. اولین ورودم به منطقه معروف به انرژ اتمی بعد از سه‌راه دارخوین در جاده اهواز به آبادان بود. بچه‌های لشکر امام حسین(ع) در موقعیت شهید قربانعلی عرب مستقر بودند. آنجا دوره تکمیلی یگان دریایی دیدم و سکندار شدم. اولین عملیاتی که در آن شرکت کردم، کربلای ۴ بود. در نقطه تلاقی اروند-کارون عملیات لور رفته بود. قایقم را زدند؛ از ۱۰ نفری که در قایق بودند، ۸ نفر از جمله کمک سکندارم شهید شد. در آن عملیات، به خاطر موج انفجار شنوایی یکی از گوش‌هایم از دست رفت. عملیات بعدی کربلای ۵ در منطقه عمومی شلمچه بود. به خاطر مجروحیت گوشم، گفتمند: «می‌توانی

منجر به نازایی شد که چند سال بعد متوجهش شدیم. بعد از پایان جنگ، در سال ۱۳۷۰ ازدواج کردم؛ ولی تا ده سال صاحب فرزند نشدم. بارها در اصفهان به پزشکان و مراکز درمانی متعددی مراجعه کردیم ولی نتیجه‌ای حاصل نشد تا اینکه یکی از دوستان همکلاسی‌ام در دانشگاه شاهد که از بچه‌های جبهه و جنگ بود برای اولین بار در سال ۱۳۸۰ موسسه رویان را به من معرفی کرد. او گفت: «تعدادی از بچه‌های حزب اللهی خودمان هستند که بعد از جنگ وارد کار علمی شده‌اند و مشغول درمان ناباروری هستند». گفت: «تعداد زیادی از جانبازان شیمیایی با مراجعه به همین موسسه رویان صاحب فرزند شده‌اند».

خوب یادم است که گفت: «بعضی از آنها در ایران و بعضی در خارج از کشور آموزش دیده‌اند». نشانی گرفتم و برای اولین بار در فروردین ماه ۱۳۸۱ به موسسه رویان در چهارراه آصف زعفرانیه مراجعه کردم. ساختمان کوچکی بود که چند پزشک در آن مشغول کار بودند. دو سه نوبت، کارهای ابتدایی مثل IVF را انجام دادند ولی نتیجه‌ای حاصل نشد. نهایتاً به ما گفتند که شما باید میکرو اینجکشن کنید. میکرو اینجکشن عمل بسیار گرانی بود. در آن زمان حدود چهارصد هزار تومان هزینه داشت. یکی از دوستان دوران جنگ به من گفت: «بروید پیش رئیس موسسه رویان، آقای دکتر کاظمی آشتیانی. ایشان از بچه‌های جبهه هستند؛ خودتان را معرفی کنید، بگویید جانباز شیمیایی هستید؛ قطعاً با مساعدت ویژه ایشان مواجه خواهید شد».

اینجا بود که آشنایی مستقیم ما با دکتر کاظمی آغاز شد. در مراجعه به رویان سراغ دفتر رئیس را گرفتم. به معنای امروز مسئول دفتر نداشتم. این روزها کسی که در دفتر رئیس می‌نشیند بیشتر مسئولیت جلوگیری از ورود مراجعین به اتاق رئیس را دارد. اما در دفتر آقای کاظمی آشتیانی کسی حضور داشت که وظیفه‌اش هماهنگی و تنظیم وقت بود، نه نگرانی از اتاق رئیس.

کنار اتاق زنده‌یاد کاظمی آشتیانی یکی از دوستان صمیمی ایشان حضور داشت که اسمش خاطرم نیست ولی به یاد دارم که اولاً بسیار با هم صمیمی بودند و ثانیاً به خاطر جانبازی یا معلولیت با عصا راه می‌رفت. به مسئول دفتر گفتم: «می‌خواهم آقای دکتر کاظمی را ببینم» گفت: «آقای دکتر جلسه دارند». گفتم: «لطفاً به آقای دکتر بگویید یکی از بچه‌های جبهه و جنگ هستم». آقای کاظمی به محض شنیدن این کلام از اتاق بیرون آمد. انگار سال‌ها بود که همدیگر را می‌شناختیم. دست دادیم و روبوسی کردیم.

پرسید: «مشکلتان چیست؟» گفتم: «این کارها را انجام داده‌ایم ولی جواب نگرفته‌ایم. الان هم باید میکرو اینجکشن کنیم ولی هزینه‌اش بسیار بالاست». دکتر کاظمی گفت: «اصلاً نگران نباشید. بروید از آقای دکتر منتظری یک نامه بگیرید». آن زمان آقای دکتر منتظری رئیس جهاددانشگاهی بود.

یکی از دوستان نامه‌ای برای آقای دکتر منتظری



جشنواره ملی نخبگان را آغاز کرده‌ایم که هدف آن معرفی دانشمندان معاصر ایرانی به دانش‌آموزان است. یکی از دلایلی که در این سال‌ها تب مهاجرت به جان جوانان افتاده، این است که فکر می‌کنند در این خاک نمی‌توانند کار کنند، بزرگ شوند و ثمره بدهند. اگر یک جوان کاظمی آشتیانی را بشناسد، خواهد فهمید که او در همین سرزمین با حداقل امکانات توانسته کارهای بزرگی در مقیاس جهانی انجام بدهد.

مدتی است که دخترم با تعداد دیگری از بچه‌های رویان، مشغول ساخت مستندی درباره شهید کاظمی است. گمان می‌کنم کارشان هفته آینده به مرحله اکران برسد. کسانی این کار را می‌کنند که وجودشان را وام‌دار شهید کاظمی می‌دانند. برای اینکه یک اتفاق مثبت رقم بخورد آمادگی داریم مستنداتی را که شما در حال تهیه آن هستید از طریق بسترهایی که در فضای مجازی داریم به دانش‌آموزان منتقل کنیم. بعد از آن هم همایش‌ها، پویش‌ها و جشنواره‌های دانش‌آموزی برگزار کنیم. هر کاری که بتواند به معرفی شهید کاظمی‌ها، طهرانی مقدّم‌ها، سلیمانی‌ها به جامعه کمک کند ما پای کارش هستیم. کاظمی یک روز در خط مقدم جبهه جنگ بود و یک روز در خط مقدم جبهه علم در جهاددانشگاهی. من خود را سرباز جبهه فرهنگی می‌دانم؛ معرفی این عزیزان وظیفه این سرباز است. جهاددانشگاهی یک نهاد ارزشمند و پرافتخار است؛ به ویژه در دوران مدیریت دکتر منتظری. اگر خاطراتم از منتظری را برای شما بگویم باور نخواهید کرد. چون تصویری که در ذهن شما از یک مدیر وجود دارد با شیوه مدیریت ایشان کاملاً تعارض دارد. دکتر منتظری تلفن‌چی و مسئول دفتر و از این جور چیزها نداشت. جنس بچه‌های جهاددانشگاهی مثل هم بود. نه تشریفات نه دفتر، یک روحیه فوق‌العاده عجیب انقلابی و جهادی آنجا حاکم بود. ای کاش بچه‌های جهاددانشگاهی نیمه دهه هشتاد به قبل، کسانی که تجربه انقلاب و جنگ را داشتند، هنوز هم در میدان بودند. نسل اول جهاددانشگاهی خدمات بزرگی به انقلاب کرد.

فرزندان چه حسی نسبت به زنده یاد کاظمی آشتیانی دارد؟

وقتی فاطمه وارد دانشگاه شد با کمک پایگاه بسیج دانشگاه و قدری هم هزینه شخصی، صد جلد از کتاب خاطرات مربوط به شهید کاظمی را تهیه کرد و به دیگران هدیه داد. علاوه بر این گروهی جهادی تشکیل داده‌اند که در مناطق محروم خدمت رسانی کنند. اسم این گروه جهادی را شهید کاظمی آشتیانی گذاشته‌اند. وقتی به اردوهای راهیان نور می‌روند، کتاب‌های شهید کاظمی را هدیه می‌دهند. جالب است بدانید که دخترم بسیار علاقه‌مند بود که امروز در این گفت‌وگو حاضر باشد اما به خاطر تداخل با کلاس‌های دانشگاه نتوانست شرکت کند. مشتاق بود حس و حال خودش را نسبت به کسی که او را ندیده است ابراز کند. او همیشه می‌گوید: من فرزند رویان هستم.

تواضع شهید کاظمی یا شهدای جنگ، سرداران بزرگ سپاه اسلام اولین مساله‌ای است که سعی می‌کنم در خودم پرورش بدهم. ریخت و پاش‌ها و تجملات اداری سد بزرگی در راه ماست. در اتاق مسئول نباید بسته باشد. ما هر بار سراغ آقای کاظمی رفتیم، به اتاق بسته نخوردیم

دکتر کاظمی همگی مثل خودشان بودند. هم عالم، هم مومن. رحلت آقای کاظمی یک فقدان بزرگ برای جامعه علمی کشور است. چون او دانشمند بزرگی بود که خالصانه برای تولید علم و برطرف کردن مشکلی از مشکلات جامعه تلاش می‌کرد نه برای کسب درآمد از جیب مردمی که بخاطر یک نقص یا بیماری درمانده شده بودند. به مراجعین خود به چشم کسی نگاه می‌کرد که خدا آنها را فرستاده تا مشکلشان را حل کند. به چشم مشتری نگاه نمی‌کرد.

حضرت تعالی این روزها مسئولیت مهمی در وزارت آموزش و پرورش و دستگاه تعلیم و تربیت رسمی کشور دارید. ماموریت این دستگاه، پرورش دانشمندانی در تراز زنده یاد کاظمی آشتیانی است. یعنی که به تعبیر شما علاوه بر اینکه عالم باشند، مومن هم باشند و از علم خود برای خدمت به جامعه اسلامی و جامعه بشری استفاده کنند نه ثروت اندوزی. مشتاق هستم در این خصوص نکاتی را بفرمایید که برای کاظمی پروری در این وزارتخانه چه اقداماتی انجام می‌شود؟ من بارها و بارها به این مسئله فکر کرده‌ام. به نظر قبل از اینکه به عنوان یک مسئول در دستگاه تعلیم و تربیت بخواهم روی دیگران و به ویژه نسل آینده ساز کشور تأثیری بگذارم باید سعی کنم خودم را به زنده‌یاد کاظمی آشتیانی و دیگر بزرگان این کشور نزدیک کنم. اول باید از خودم شروع کنم. تواضع شهید کاظمی یا شهدای جنگ، سرداران بزرگ سپاه اسلام اولین مسئله‌ای است که سعی می‌کنم در خودم پرورش بدهم. ریخت و پاش‌ها و تجملات اداری سد بزرگی در راه ماست. در اتاق مسئول نباید بسته باشد. ما هر بار سراغ آقای کاظمی رفتیم، به اتاق بسته نخوردیم. من شخصاً سعی می‌کنم این مسئله را رعایت کنم. اما در باب معرفی شهید کاظمی به نسل دانش آموز؛ کارهای اولیه برگزاری

نوشت، نامه را بر دم دفترشان. وقتی نامه درخواستم را خدمتشان بردم که برای آقای کاظمی پاراف کنند، بسیار با محبت و احترام برخورد کردند و دستور دادند که رویان کار میکرو اینجکشن ما را آغاز کند. دو مرحله رایگان انجام دادند. برای مرحله سوم که هزینه زیادی داشت از طریق دیگری تامین اعتبار کردند که ثمره آن تولد فاطمه در سال ۱۳۸۲ بود. بله، من تا آخر عمر، خود را مدیون آقای دکتر کاظمی این دانشمند بزرگ ایرانی می‌دانم.

دی ماه سال ۱۳۸۴ که خبر فوت ایشان را شنیدم بسیار بسیار متأثر شدم. الان دخترم در دانشگاهی تحصیل می‌کند که متعلق به جهاددانشگاهی است. دخترم برنامه منظمی دارد و بعضی از پنجشنبه‌ها به بهشت زهرا می‌رود و و سر مزار ایشان حاضر می‌شود.

چه خاطره‌ای از خلیات ایشان در گفت‌وگوها دارید؟

من چند بار با ایشان گفت‌وگو کردم. یکبار در همان دیدار اول که منجر به آشنایی شد. همیشه لبخند به لب داشت. هیچگاه ایشان را با چهره در هم رفته یا خلق کج ندیدم. حتی در اوج خستگی هم به محض اینکه افراد را می‌دید، لبخند می‌زد. وقتی وارد دفترش می‌شدم، پشت میزش نمی‌نشست. بلند می‌شد و روبروی مهمان در صندلی‌هایی که برای مهمان تعبیه شده بود می‌نشست. بسیار به ما محبت داشت. انگار سالهاست که دوستان صمیمی هستیم.

این صمیمیت صرفاً با کلید واژه جبهه و جنگ ایجاد شده بود؟

فقط با همین کلمه. البته گمان نکنید ایشان با من بخاطر سابقه رزمندگی و جانبازی چنین برخوردی داشت. هر کسی به ایشان مراجعه می‌کرد همین لبخند، همین تواضع و همین تلاش برای رفع مشکل را تجربه می‌کرد. تصویر آن اتاق، آن میز شیشه‌ای و حالات چهره دکتر کاظمی را به خوبی در حافظه دارم. به شدت مردم‌دار بود. با اینکه پشت میز مدیریت نشسته بود اما آن روحیه جهادی انقلابی و ارزشی را حفظ کرده بود. بعد از اینکه فرزندم به دنیا آمد با یک دسته گل و یک جعبه شیرینی به دیدن دکتر کاظمی رفتم. رفتم که دستش را ببوسم ولی اجازه نداد. سرم را بوسید و گفت: «ما خیلی به شما بدهکاریم. همین‌که امروز می‌بینم شما خوشحالید برای من بهترین حال است.»

یک سال قبل از اینکه به آن مجموعه مراجعه کنیم، تولید هزارمین فرزند رویان را جشن گرفته بودند. یعنی هزار پدر لبخند زده بود هزار مادر از شوق گریه کرده بود. یعنی صدای گریه هزار نوزاد در هزار خانه بلند شده بود. تا روزی که از دنیا بروم محبت‌های دکتر کاظمی و تیم مومن همکارانشان را فراموش نخواهم کرد. گذشت زمان اسامی را از ذهنم پاک کرده است ولی همین قدر بدانید هم دانشمند بودند و هم مومن و انقلابی. تیم همکاران

زنده‌یاد کاظمی آشتیانی
به نیازهای کشور توجه داشت
و افق‌ها و اهداف خود را
مدام گسترش می‌داد.
سعی کرد علم کشور
در حوزه ناباروری را
به مرزهای دانش جهانی برساند.
این اعتماد به نفس منجر شد
ما در این حوزه بدرخشیم،
حرف جدیدی در دنیا داشته باشیم
و با کشورهای خارجی
رقابت کنیم



گفت‌وگو با دکتر محمدرضا واعظ مهدوی، عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد

تحقق کارهای بزرگ با عزم و اراده

گفت‌وگو

در هفته پژوهش که یادی از علم و پژوهش در سطوح مختلف مطرح می‌شود ما با دلسردی‌هایی مواجه می‌شویم اما با نگاه به عملکرد افرادی مثل دکتر کاظمی آشتیانی، دلسردی‌ها از بین می‌رود. اگر انسان‌ها اراده و عزم داشته باشند می‌توانند کارهای بزرگی انجام دهند.

دکتر کاظمی آشتیانی در شرایطی کارهای بزرگ را شروع کرد که امکانات کشور به مراتب خیلی کمتر از امروز بود و زیرساخت‌های علمی امروز ما وجود نداشت. کشور امروز از نظر علم، دانش، تکنولوژی خیلی پیشرفت کرده است بنابراین امکان پا گذاشتن جای پای آقای کاظمی آشتیانی و شخصیت‌هایی مثل ایشان برای جوانان وجود دارد.

در رابطه با نحوه مدیریت آقای کاظمی آشتیانی شرح دهید.

در سال‌های اول انقلاب فردمحوری کمتر مطرح بود و بیشتر افراد گروهی کار می‌کردند. گروهی که در دانشگاه علوم پزشکی ایران جهاددانشگاهی را پایه‌گذاری کردند و به موضوع ناباروری پرداختند، واقعاً افراد صادق و پای‌کاری بودند. آقای کاظمی آشتیانی عضوی از این گروه بود. قدر هم گروهی‌های خود را می‌دانست و تکروی نمی‌کرد. او فرد سطح بالایی بود و با افراد سطح بالا از منظر مدیریتی و علمی کار می‌کرد. این موضوع یکی از رمزهای مهم موفقیت ایشان بود. هیچ کدام از دانشمندان بزرگ جهانی فاقد پشتکار نبودند. پشتکار میراث آقای دکتر کاظمی آشتیانی است. او از هیچ چیزی ناامید نمی‌شد و می‌گشت راه حل موانع را پیدا می‌کرد. بن‌بست برایش آقای کاظمی آشتیانی معنا نداشت. همیشه راه میان‌بر و جایگزین را پیدا می‌کرد.

راه‌اندازی در نظر گرفته شود و تجهیزات و لوازم مورد نیاز هم وارد کشور شود.

بارزترین ویژگی زنده‌یاد کاظمی آشتیانی چه بود؟

آقای کاظمی آشتیانی جزو کسانی بود که وقتی سنگ بنای مرکز ناباروری را گذاشت، موضوع را با پیگیری و پشتکار بسیار زیاد دنبال کرد. او در مواجهه با موانع و مشکلات ناامید نمی‌شد و با خوش‌رویی کارها را پیش می‌برد.

زنده‌یاد کاظمی آشتیانی به نیازهای کشور توجه داشت و افق‌ها و اهداف خود را مدام گسترش می‌داد. سعی کرد علم کشور در حوزه ناباروری را به مرزهای دانش جهانی برساند. این اعتماد به نفس منجر شد ما در این حوزه بدرخشیم، حرف جدیدی در دنیا داشته باشیم و با کشورهای خارجی رقابت کنیم.

وی سنگ بنایی را پایه‌گذاری کرد که حتی بعد از درگذشت خودش نیز پیشرفت‌هایش ادامه دارد و اکنون مرکز ناباروری و پژوهشگاه رویان یکی از مراکز معتبر علمی در کشور و در سطح جهانی است. این اتفاق نشان دهنده این است که اگر بنیان کاری درست نهاده شود و با اهتمام و پشتکار کار کند، می‌تواند به موفقیت‌های بزرگی دست یابد. روحیات دکتر کاظمی آشتیانی برای الهام بخشیدن به جوانان امروز اهمیت بسیاری دارد.

زنده‌یاد کاظمی آشتیانی را چه میزان می‌شناسید و چگونه با ایشان آشنا شدید؟
با دکتر کاظمی آشتیانی از سال‌های ۱۳۶۶ در ابتدای حضور ایشان در جهاددانشگاهی در دانشگاه علوم پزشکی ایران آشنا شدم. ایشان خیلی تلاش کرد روحیه جهادی را داخل بافت دانشگاهی ترویج کند تا تحقیق و پژوهش با نگاه جهادی در دانشگاه‌ها رشد و گسترش یابد همراه کارهای کاربردی و علمی. جهاددانشگاهی در این زمینه‌ها نقش بسیار زیادی داشت و جهاد دانشگاهی دانشگاه علوم پزشکی ایران به عنوان یکی از فعال‌ترین‌های این حوزه توسط آقای کاظمی آشتیانی و تنی چند پایه‌گذاری شد.

ایشان از همان ابتدا به سراغ خلأهای مشخص علمی در کشور رفت و بر روی تولیدمثل و فناوری سلول‌های بنیادی تمرکز کرد. با توجه به اینکه گام‌های اولیه این موضوع در مرکزی در استان یزد انجام شده بود در دانشگاه علوم پزشکی ایران نیز روی این موضوع متمرکز شد. من در آن زمان در دفتر نخست‌وزیری مشاور علوم پزشکی بودم. دکتر کاظمی آشتیانی پروپوزال خود را برای راه‌اندازی این مرکز تقدیم و بعضی از نیازهای خود را برای راه‌اندازی اعلام کرد. توسط نخست‌وزیر وقت دستور پیگیری داد. پشتکار آقای کاظمی آشتیانی سبب شد با طرح ایشان موافقت و اعتباری برای

باشگاه مخاطبان نشریه رایحه خبرگزاری ایکنا

باشگاه مخاطبان رایحه مجالی برای ایجاد ارتباط دو سویه بین ما، خبرنگاران و تهیه کنندگان نشریه و شما مخاطبان همیشگی و پیگیر فعالیت های قرآنی است. شما می توانید از طریق عضویت در این باشگاه، نظرات خود را به ما اعلام کنید، سوژه هایی را که از دید ما پنهان مانده پادآوری کنید، نقدمان کنید، تشویق مان کنید و ما را در جهت اطلاع رسانی قرآنی یاری دهید. برای آگاهی از منتخب اخبار درج شده در خبرگزاری بین المللی قرآن می توانید به عضویت کانال تلگرام درآیید.

برای مشاهده عکس های منتخب خبرگزاری، صفحه اینستاگرام ایکنا را پیگیری کنید. نظرات خود را از طریق ایمیل و یا سامانه پیامکی برای ما ارسال کنید. ما تنها با پشتیبانی مخاطبان خیرخواه است که امید به تأثیرگذاری در جامعه داریم، ما را به دوستان خود معرفی کنید.

شماره تلفن تماس:

۰۲۱-۶۶۴۷۰۲۱۲-۳

نشانی اینترنتی:

www.iqna.ir

نشانی صفحه اینستاگرام:

[Instagram/Iqnanews](https://www.instagram.com/Iqnanews)

نشانی پستی:

تهران، خیابان انقلاب، خیابان قدس، خیابان بزرگمهر، پلاک ۸۵

کد پستی: ۱۴۱۷۸۴۴۳۹۱

سازمان قرآنی دانشگاهیان کشور



سازمان قرآنی
دانشگاهیان کشور